

اول تواریخ

تسخیر ربه به دست داود ؟ ق.م. ۹۹۷	تسخیر اورشليم به دست داود ۱۰۰۰ ق.م.	سلطنت داود بر تمام اسرائيل ۱۰۰۳ ق.م.	مرگ شائول؛ سلطنت داود بر يهودا ۱۰۱۰ ق.م.	آغاز پادشاهی شائول ۱۰۵۰ ق.م.
---	--	---	---	---------------------------------------

چه زیبا است آنگاه که اعضای خانواده در کنار یکدیگر گرد می آیند؛ فرزندان، پدر و مادرشان، پدر و مادر بزرگها، عموزاده‌ها و عمه‌زاده‌ها و... این گردهم‌آبی‌ها اهمیت دارند زیرا به واسطه آنها فرد با سایر قوم و خویشان ارتباط برقرار می‌سازد و از اصل و نسب خود آگاهی می‌یابد، شباهت‌های جسمانی میان خویشان را تشخیص می‌دهد، و سنت‌های خانوادگی را به یاد می‌آورد. آگاهی از تاریخ خانوادگی، سبب می‌شود که هویت و میراث فرهنگی و مسیر آینده خود را بهتر تشخیص دهیم.



نویسنده کتاب تواریخ با همین هدف والا است که کتاب اتحادبخش خود را با نسب‌نامه‌ای جامع آغاز می‌کند. او به شیوه‌ای ادبی، اصل و نسب قوم اسرائیل را به صورت یک خانواده واحد، از آدم به بعد دنبال می‌کند، و تبار خاندان سلطنتی را ارائه می‌دهد، و نقشه محبت‌آمیز خدا را تشریح می‌کند. با مطالعه کتاب اول تواریخ، دیدی کلی از خدا و کاری که نسل بعد نسل در میان قومش انجام می‌دهد، به دست می‌آوریم. اگر شما ایماندار هستید، پس این اشخاص اجداد شما نیز هستند. وقتی به این قسمت از کلام خدا می‌رسید، نام آنها را با ترس و احترام بخوانید و در رابطه‌تان با خدا امنیت و هویت تازه‌ای به دست آورید.

کتاب قبلی، یعنی دوم پادشاهان با اسارت اسرائیل و یهودا تمام می‌شود، دوره‌ای که قطعاً دوره تاریکی برای قوم خدا بود. بعد از آن، کتاب تواریخ را داریم (کتاب اول و دوم تواریخ در اصل یک کتاب بوده است). این کتاب که بعد از اسارت بابل نوشته شده، تاریخ اسرائیل را خلاصه می‌کند، و در تلاش برای یکی کردن قوم، میراث روحانی یهودیان را مورد تأکید قرار می‌دهد. نویسنده کتاب در شرح وقایع، روش گزینشی را در پیش می‌گیرد. او به جای نوشتن جزئیات وقایع، آنها را با دقت در هم می‌تند، طوری که درسهای روحانی و حقایق اخلاقی مورد توجه بیشتری قرار گیرند. در کتاب تواریخ، حکومت شمالی عملاً نادیده گرفته می‌شود؛ پیروزیهای داود و نه گناهان او طرح می‌شود؛ و به معبد به عنوان مرکز حیات ملی، اهمیت زیادی داده می‌شود.

کتاب اول تواریخ با آدم شروع می‌شود؛ نویسنده نُه فصل را به این امر اختصاص می‌دهد که در تاریخ اسرائیل «چه کسی پسر چه کسی است»، و در ضمن این کار، تأکید خاصی بر روی خاندان سلطنتی داود می‌گذارد. دنباله کتاب، داستان داود، این مرد بزرگ خدا و پادشاه اسرائیل را نقل می‌کند که چگونه خدا را خدمت کرد و احداث معبد و عبادت در آن را طرح‌ریزی نمود.

کتاب اول تواریخ مکمل ارزشمندی است برای کتاب دوم سموئیل و قویاً یادآور لزوم پیدا کردن ریشه‌هایمان می‌باشد، تا بار دیگر به بنیاد خود پی ببریم. وقتی اول تواریخ را می‌خوانید، میراث دینی خود را دنبال کنید، و خدا را به خاطر اجداد روحانی‌تان سپاس گویند، و خود را وقف انتقال حقیقت خدا به نسل بعدی کنید.

آمار حیاتی: هدف:

یکی کردن قوم خدا، ارائه تبار خاندان داود، و تعلیم این حقیقت که پرستش حقیقی باید مرکز حیات فردی و ملی باشد.

نویسنده:

بنا بر احادیث یهود، عزرا

مخاطبین:

تمام قوم اسرائیل

تاریخ نگارش:

تقریباً ۴۳۰ ق.م؛ وقایعی که تقریباً بین سالهای ۱۰۰۰ تا ۹۶۰ ق.م. اتفاق افتاده، در این کتاب ثبت شده است.

زمینه تاریخی:

کتاب اول تواریخ در مسیر کتاب دوم سموئیل حرکت می‌کند و در حکم تفسیری است بر آن. این کتاب که بعد از بازگشت از تبعید و از دیدگاه کهنانی نوشته شد، بر تاریخ مذهبی یهودا و اسرائیل تأکید می‌کند.

آیه کلیدی:

«پس داود فهمید که خداوند به خاطر قوم خود اسرائیل، او را پادشاه ساخته است و به سلطنتش این چنین عظمتی بخشیده است» (۲:۱۴).

شخصیت‌های مهم:

داود، سلیمان

مکان‌های مهم:

حبرون، اورشليم، معبد

تقسیم‌بندی کلی:

الف - نسب‌نامه‌های اسرائیل (۱:۱ تا ۹:۴۴)

- ۱- اجداد قوم
- ۲- قبایل اسرائیل
- ۳- یهودیانی که از تبعید در بابل باز گشتند

ب - سلطنت داود (۱:۱۰ تا ۲۹:۳۰)

- ۱- داود پادشاه تمامی اسرائیل می‌شود
- ۲- داود صندوق عهد را به اورشلیم می‌آورد
- ۳- فتوحات نظامی داود
- ۴- داود مقدمات ساخت معبد را فراهم می‌کند

فهرست طویل اسامی که در این کتاب آمده، بیانگر تاریخ عمل خدا در دنیا از آدم تا زروبا بل می‌باشد. بعضی از این اسامی یادآور مردانی با ایمانی نیرومندند و بعضی دیگر یادآور شکست‌هایی فاجعه‌آمیز. ما تقریباً از بیشتر کسانی که از آنها نام برده شده، چیزی نمی‌دانیم. اما کسانی که گمنام مردند، برای خدا شناخته شده بودند. وقتی مردیم، خدا ما را نیز به خاطر خواهد آورد.

داود خداوند را دوست داشت. اما به‌خاطر غیرتی که برای نشان دادن این عشق داشت، گاه بدون در نظر گرفتن عواقب و نتایج، راه خاص خود را در پیش می‌گرفت. در اولین اقدام داود برای آوردن صندوق عهد به اورشلیم، عزا کشته شد. بعداً، داود صندوق را مطابق احکام الهی به اورشلیم آورد. او همچنین خواست معبدی بسازد که جایگزین خیمه عبادت شود. اما این بار او اول از خدا سؤال کرد و خدا درخواست او را رد نمود. بزرگترین نقش داود در بنای معبد، ساخت آن نبود بلکه فراهم کردن مقدمات بنای آن بود. با کمک و برکت خدا، داود شروع کرد به جمع‌آوری مصالح و سازماندهی کردن کاهنان و لاویان برای کار در آنجا. شاید ما قادر نباشیم نتایج زحمات خود را برای خدا در طول عمر خود ببینیم، اما با نمونه‌ای که از داود داریم، می‌فهمیم که ما به خدا خدمت می‌کنیم تا **خدا** نتایج **کارش** را ببیند، نه اینکه ما نتایج کار خودمان را ببینیم.

موضوع‌های مهم

موضوع

اهمیت موضوع	توضیحات	تاریخ اسرائیل
گذشته قوم اسرائیل اساس تجدید حیات ایشان را بعد از تبعید تشکیل می‌داد. چون وعده‌های خدا در کتاب مقدس آشکار شده، می‌توانیم او را بشناسیم و اعتماد داشته باشیم که او به قول خود عمل می‌کند. ما نیز مانند قوم اسرائیل در زندگی هدف بزرگتری جز خدمت وفادارانه به خدا نداریم.	نویسنده با بازنویسی تاریخ اسرائیل به صورت نسب‌نامه و ماجرای پادشاهان، شالوده روحانی حقیقی قوم را پی می‌نهد. خدا به وعده‌هایش عمل می‌کرد و این حقیقت با ثبت تاریخی سرگذشت قوم، رهبران، انبیا، کاهنان، و پادشاهان او، به ما یادآوری می‌شود.	
خدا همیشه نسبت به قومش وفادار است. او در هر نسلی از آنها محافظت می‌کند و رهبرانی برای هدایت ایشان بر می‌انگیزد. از آنجا که خدا طی قرن‌ها عمل کرده است، قوم او می‌توانند اعتماد داشته باشد که او در زمان حاضر نیز عمل می‌کند. شما امروز می‌توانید به حضور او متکی باشید.	خدا با فهرست کردن اسامی اسرائیلی‌های دوران گذشته، میراث حقیقی اسرائیل را ثبت کرد. آنها همگی در آدم یک خانواده و در ابراهیم یک قوم بودند؛ ایشان به رهبری لایوان از یک نظام کهناتی برخوردار بودند، و به پادشاهی داود تحت تابعیت یک حکومت قرار داشتند. اتحاد ملی و روحانی این قوم برای تجدید حیاتشان بسیار حائز اهمیت بود.	قوم خدا
عیسی مسیح به‌عنوان پسر داود به این دنیا آمد. یک روز او به‌عنوان پادشاه بر تمام دنیا سلطنت خواهد کرد. قدرت و عدالت او به نمونه ایده‌آلی که خدا از پادشاه در ذهن دارد، جامه عمل خواهد پوشاند. او امید ما است.	داستان زندگی داود و رابطه‌اش با خدا نشان داد که او رهبر برگزیده خدا است. وقف شدن داود به خدا و شریعت و پرستش حقیقی، و نیز به مردم و عدالت اجتماعی، مشخص‌کننده معیارهایی است که پادشاه برگزیده خدا می‌بایست از آنها برخوردار باشد.	داود پادشاه
معبد (یا خانه خدا) در حکم تخت سلطنت خدا بر روی زمین و مکانی برای پرستش حقیقی بود. تخت سلطنت حقیقی خدا در دل‌های قومش است. وقتی ما او را به‌عنوان پادشاه حقیقی خود می‌پذیریم، پرستش حقیقی صورت می‌گیرد.	داود صندوق عهد را به خیمه عبادت در اورشلم آورد تا پرستش حقیقی را برای مردم احیا کند. خدا نقشه ساخت معبد را داد، و داود کاهنان را تقسیم‌بندی کرد تا عبادت خدا را برای تمام اسرائیل مرکزیت بخشد.	پرستش حقیقی
برای اینکه پرستش حقیقی همچنان در مرکز زندگی ما بماند، لازم است که قوم خدا استوار بر احکامی که او در کتاب مقدس داده است، بایستد. امروز، همه ایمانداران کاهنان یکدیگر هستند، و ما باید یکدیگر را تشویق کنیم که عبادتمان اصیل باشد.	خدا کاهنان و لایوان را مقرر داشت تا قوم را برای پرستش صادقانه، مطابق با شریعت خدا، هدایت کنند. کاهنان و لایوان با رهبری کردن قوم در پرستش، مطابق با آنچه که خدا برای این امر مقرر داشته بود، حفاظ مهمی برای ایمان اسرائیل بودند.	کاهنان

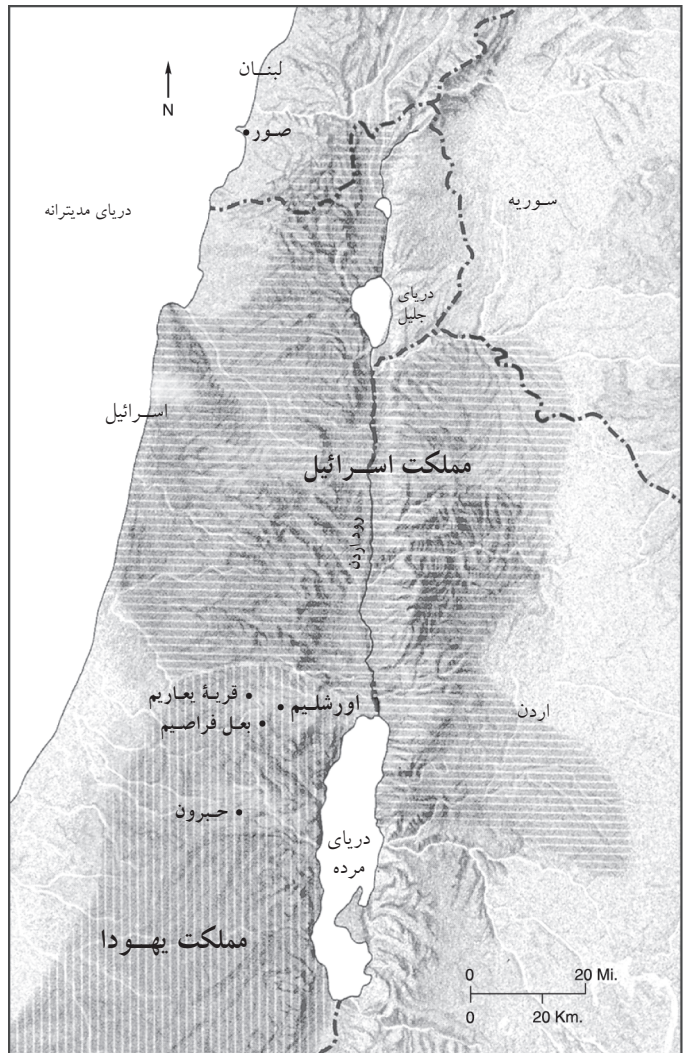
مکان‌های مهم در اول تواریخ

۳- قریه یعاریم صندوق عهد که فلسطینی‌ها آن را در جنگ گرفته بودند و بعد باز گرداندند (۱ سموئیل ۶:۴)، در قریه یعاریم در جای امنی نگهداری می‌شد. داود همه اسرائیل را در این شهر جمع کرد تا در جشن مربوط به حمل صندوق عهد به اورشلیم شرکت کنند. بدبختانه، صندوق مطابق دستورالعمل‌هایی که خدا در این زمینه داده بود، جابه‌جا نشد، و در نتیجه یک نفر مرد. داود صندوق را در منزل عوبید ادوم گذاشت تا زمانی که در یافت چگونه آن را بطرز صحیح حمل کند (۱ سموئیل ۱۳:۱-۱۴).

۴- صور داود بناهای بسیاری در اورشلیم ساخت. حیرام، پادشاه صور، برای کمک به داود برای ساختن قصرش، کارگر و مصالح فرستاد. چوب درخت سرو که در کوه‌های شمال اسرائیل فراوان بود، چوب بارزش و محکمی بود که در ساخت بناهای زیبا در اورشلیم به کار می‌رفت (۱ سموئیل ۲۷:۱۷).

۵- بعل فراصیم داود محبوبیت چندانی در بین فلسطینی‌ها نداشت زیرا او جلیات، نیرومندترین جنگجوی ایشان را کشته بود (۱ سموئیل ۱۷). وقتی داود سلطنت بر اسرائیل متحد

را آغاز کرد، فلسطینی‌ها به قصد گرفتن او عازم اسرائیل شدند. اما همین که فلسطینی‌ها به اورشلیم نزدیک شدند، داود و سپاهش به ایشان حمله کردند. سپاه او فلسطینی‌های قدرتمند را دو بار شکست داد؛ همین شکست‌ها موجب شد همه اقوام همسایه از قدرت داود به هراس بیفتند (۱ سموئیل ۱۷:۱۱-۱۴). داود بعد از این جنگ، صندوق عهد را به اورشلیم منتقل کرد (این بار مطابق با دستورالعمل‌های خدا در مورد جابه‌جایی آن). به هنگام آوردن صندوق عهد به اورشلیم، جشن عظیمی برگزار شد (۱ سموئیل ۱۷:۱۷). داود باقی عمرش را صرف تهیه تدارکات برای بنای معبد کرد، یعنی برای مکانی ثابت به منظور پرستش خدا (۱ سموئیل ۲۹:۱-۳۰).



نسب‌نامه‌های موجود در کتاب اول تواریخ شرحی کلی از تاریخ اسرائیل را ارائه می‌دهد. نه فصل اول پر از نسب‌نامه‌هایی است که دودمان قوم را از خلقت تا تبعید به بابل دنبال می‌کند. مرگ شائول در فصل ۱۰ ثبت شده است. فصل ۱۱ جریان سلطنت داود بر اسرائیل را نقل می‌کند.

۱- حبرون با آنکه داود سالها پیش برای پادشاهی مسح شده بود، اما سلطنتش را زمانی شروع کرد که رهبران اسرائیل او را در حبرون به مقام پادشاهی پذیرفتند (۱ سموئیل ۳:۱-۱۱).

۲- اورشلیم داود عزم کرد که فتح سرزمین موعود را که یوشع شروع کرده بود، تکمیل کند. او به اورشلیم حمله کرد، آن را به تصرف در آورد، و آن را پایتخت خود قرار داد (۱ سموئیل ۴:۱۱-۴:۴۰).

الف - نسب‌نامه‌های اسرائیل (۱:۱ تا ۴۴:۹)

در این نسب‌نامه‌ها سوابق رسمی خانواده‌های قوم اسرائیل ثبت شده است. این نسب‌نامه‌ها دیدی کلی درباره عمل خدا از خلقت تا اسارت قومش را ارائه می‌دهد. تبعیدی‌هایی که از بابل باز می‌گشتند، لازم بود تعلیم ببینند؛ برای تعلیم آنها درباره میراث روحانی خود به‌عنوان یک قوم، و نیز به‌منظور برانگیختن آنان برای تجدید وفاداری‌شان به خدا، از این اسناد استفاده می‌شد. اگر چه این فهرست‌ها میراث نژادی یهودیان را نشان می‌دهد، اما در بردارنده میراث روحانی برای هر ایمان‌داری است. ما بخشی از اجتماع مؤمنین هستیم که از زمان سقوط آدم، از نسلی به نسل دیگر وجود داشته‌اند.

۱- اجداد قوم

نسل آدم

نخستین انسانها به ترتیب عبارت بودند از:

۱ آدم، شیت، انوش، قینان،

مهلل‌ئیل، یارد، خنوخ،

متوشالغ، لمک، نوح،

سام، حام و یافت.

۵و۶ پسران یافت اینها بودند:

جوهر، ماجوج، مادای، ییاوان،

توبال، ماشک و تیراس.

۱:۱

پیدا ۲۵:۴، ۳۲:۳۵، ۱:۱۰

اش ۱۰و۹:۵۴

حز ۱۴:۱۴

متی ۳۷:۲۴

لو ۳:۳۸

عبر ۷:۱۱

۵:۱

پیدا ۸۶، ۴-۲:۱۰

اتوا ۴۲و۴۰:۴

حز ۱۳:۲۷

دلیل برای ما حائز اهمیت است که نشان می‌دهد بر اساس عهدعتیق، عیسی، یعنی همان مسیحای موعود، از نسل ابراهیم و داود است. در پیدایش ۱:۱۲-۳ و ۲ سموئیل ۷:۱۲ و ۱۳ به دو مورد از این ادعاها اشاره شده است.

۱:۱ ثبت اسامی به‌صورت نسب‌نامه نشان می‌دهد که خدا نه تنها به ملت‌ها توجه دارد، بلکه تک‌تک افراد نیز برای او اهمیت دارند. با آنکه از زمان آدم تا به حال میلیاردها انسان زندگی کرده‌اند، اما خدا همه آنها را می‌شناسد و چهره و نام آنها را به خاطر دارد. هر شخص فقط نامی در یک فهرست نیست، بلکه برای خدا شخصی است خاص که او را می‌شناسد و دوستش دارد. وقتی ما به محبت او پی می‌بریم و آن را می‌پذیریم، هم به منحصربه‌فرد بودن خود به‌عنوان فردی از خانواده خدا پی می‌بریم، و هم به پیوند خود با سایر اعضای این خانواده.

۴:۱ ماجرای آدم و خصوصیات شخصیتی او در توضیحات فصل‌های ۱ تا ۵ پیدایش یافت می‌شود. ماجرای نوح و خصوصیات شخصیتی او در توضیحات فصل‌های ۶ تا ۹ پیدایش یافت می‌شود.

۱:۱ این فهرست طویل اسامی زمانی تنظیم شد که مردم یهودا به بابل به اسارت برده شده بودند. در حینی که تبعیدی‌ها انتظار روزی را می‌کشیدند که به وطن خود بازگردند، یکی از بزرگترین ترسهای آنان این بود که تا آن موقع، اسناد مربوط به میراث آنان مفقود شود. یهودیان اهمیت زیادی برای میراث خود قائل بودند، زیرا تک‌تک آنها می‌خواستند ثابت کنند که از نسل ابراهیم، پدر قوم یهود، هستند. تنها در آن صورت بود که می‌توانستند از مزایای برکات خاصی که خدا به ابراهیم و نسل او وعده داده بود، بهره‌مند شوند (برای آنکه از این برکات خاص آگاهی بیابید، مراجعه کنید به توضیحات مربوط به پیدایش ۱:۱۲-۳ و ۱۷:۲-۴). این فهرست، بازسازی دوباره نسب‌نامه یهودا و اسرائیل تا پیش از اسارت بود و مدرکی شد برای کسانی که ادعا می‌کردند از نسل ابراهیم هستند. (برای کسب اطلاعات بیشتر درباره علت درج نسب‌نامه در کتاب مقدس، ر.ک. توضیحات مربوط به پیدایش ۱:۵؛ متی ۱:۱؛ و لوقا ۳:۳۸-۳۷).

۱:۱ در این نسب‌نامه طویل، چیزهایی بیش از آنچه که در ظاهر دیده می‌شود، وجود دارد. امروز این نسب‌نامه به این

پسران جوهر: اشکناز، ریفات و توجرمه. پسران یاوان: الیشه، ترشیش، کتیم و رودانیم. ۹۸ پسران حام اینها بودند: کوش، مصرایم، فوت و کنعان. پسران کوش: سبا، حویله، سبته، رعمه، سبتکا. پسران رعمه، شبا و ددان بودند.	۱۰:۱ پیدا ۸:۱۰
۱۰ یکی از فرزندان کوش شخصی بود به نام نمرود که دلاوری بزرگ و معروف شد. ۱۱ مصرایم جد اقوام زیر بود: لودی، عنامی، لهابی، نفتوحی، فتروسی، کفتوری و کسلوخی (اجداد فلسطینیها). ۱۳-۱۶ این دو نفر، از پسران کنعان بودند: صیدون (پسر ارشد او) و حیت. کنعان هم جد این قبیله‌ها بود: یبوسی، اموری، جرجاشی، حوی، عرقی، سینی، اروادی، صماری و حماتی.	۱۱:۱ پیدا ۲۲:۹؛ ۱۸-۱۳:۱۰
۱۷ پسران سام اینها بودند: عیلام، آشور، ارفکشاد، لود، ارام، عوص، حول، جاتر و ماشک. ۱۸ شالچ پسر ارفکشاد بود و پسر شالچ عابر.	۱۷:۱ پیدا ۲۱:۱۰ و ۲۲:۱۱؛ لو ۳۶:۳
۱۹ عابر دو پسر داشت: نام یکی فالج بود (فالج به معنی «تفرقه» است، زیرا در زمان او مردم دنیا متفرق شدند) و نام دیگری یقطان.	۱۹:۱ پیدا ۱۶:۱۱

۱۰:۱ به نمرود در پیدایش ۱۰:۹۸ نیز اشاره شده است.
۱۱:۱ فلسطینی‌ها از زمان داوران، دشمن دائمی اسرائیل بودند. عاقبت، داود پادشاه آنها را تضعیف کرد، و از آن موقع آنها دیگر تهدیدی برای اسرائیل نبودند (برای کسب اطلاعات بیشتر درباره فلسطینی‌ها، مراجعه کنید به توضیحات مربوط به داوران ۱:۱۳ و ۱:۴ اسموئیل).
۱۳:۱۶ کنعان، جد کنعانی‌ها بود. ایشان قبل از آنکه

اسرائیلی‌ها به رهبری یوشع وارد سرزمین موعود شوند (که سرزمین کنعان نیز نامیده می‌شد)، در آنجا ساکن بودند. خدا به اسرائیلی‌ها کمک کرد که کنعانی‌ها را که مردمان بسیار فاسدی بودند، از کنعان بیرون کنند. کتاب یوشع، به نقل این ماجرا می‌پردازد.
۱۹:۱ زمانی، همه مردم به یک زبان سخن می‌گفتند. اما عده‌ای از مردم از موفقیت‌های خود مغرور شدند و گرد

۲۰-۲۳ پسران یقطان:

الموداد، شالف، حضرموت،

یارج، هدورام، اوزال، دقله،

ایبال، ایمائیل، شبا، اوفیر،

حویله و یوباب.

۲۴-۲۷ پسر ارفکشاد پسر سام بود و شالغ پسر ارفکشاد،

عابر پسر شالغ،

فالغ پسر عابر،

رعو پسر فالغ،

سروج پسر رعو،

ناحور پسر سروج،

تارح پسر ناحور،

ابرام (که بعد به ابراهیم معروف شد) پسر تارح بود.

۲۸ ابرام دو پسر داشت به نامهای اسحاق و اسماعیل.

۲۹ و ۳۰ پسران اسماعیل عبارت بودند از:

نبایوت (پسر ارشد اسماعیل)، قیدار،

ادبیل، میسام، مشماع، دومه،

مسا، حداد، تیما، یطور،

نافیش و قدمه.

۳۲ ابراهیم از کنیز خود قطوره پسران دیگری هم داشت که اسامی آنها به قرار

زیر است:

زمران، یقشان، مدان،

یشباق و شوعه.

پسران یقشان، شبا و ددان بودند.

۳۳ پسران مدیان:

عیفه، عیفر، حنوک، ابیداع و الداعه.

اینها فرزندان ابراهیم و از کنیز او قطوره بودند.

۲۴:۱

پیدا ۱۱:۱۰-۲۶

لو ۳:۳۴

۲۸:۱

پیدا ۱۶:۹-۱۲؛ ۱۷:۱۹؛

۲۱:۳-۹؛ ۲۵:۱۰ و ۲۱

۳۲:۱

پیدا ۲۵:۱ و ۲

بدین ترتیب در نسب‌نامه‌های کتاب مقدس ممکن است چند نسل حذف شود. این نسب‌نامه‌ها به‌خاطر کامل بودن حائز اهمیت نبودند، بلکه از این نظر مهم بودند که اطلاعات اساسی درباره تبار خانواده‌های مختلف به دست می‌دادند.

۲۴:۱-۲۷ خصوصیات شخصیتی ابراهیم در توضیحات مربوط به پیدایش ۱۱:۲۶-۱۰:۲۵ یافت می‌شود.

۲۸:۱-۳۱ شرح ماجراها و شخصیت اسماعیل در پیدایش ۱۶ تا ۲۱ آمده است.

آمدند تا بنایی ماندنی برای خود بسازند. آن بنا، برج بابل بود. اما وقتی خدا کاری کرد که مردم به زبانهای مختلف تکلم کنند، فکر ساختن این بنا، پایان غیر منتظره‌ای پیدا کرد. مردم بدون داشتن توانایی برای برقراری ارتباط با یکدیگر، قادر نبودند با هم متحد شوند. خدا به آنان نشان داد که تالشهای فراوان ایشان بدون او بی‌ثمر است. این ماجرا در پیدایش ۱۱:۹-۱ نقل شده است.

۲۴:۱-۲۷ «پسر...» می‌تواند به معنای «از نسل...» نیز باشد.

۳۴:۱	اسحاق دو پسر داشت به نامهای عیسو و اسرائیل.
پیدا ۲۵:۲۵ و ۲۶:۲۸؛ ۳۲:۲۸	
ملا ۱:۲ و ۳	۳۵ پسران عیسو:
متی ۲:۱	الیفار، رعوئیل، یعوش،
۳۵:۱	یعلام و قورح.
پیدا ۳۶:۱۲-۱۱	۳۶ پسران الیفاز:
	تیمان، اومار، صفی، جعتام،
	قناز و تمناع و عمالیق (که نام مادرش تمناع بود).
	۳۷ پسران رعوئیل:
	نحت، زارح، شمه و مزه.
۳۸ و ۳۹	اینها هم پسران عیسو بودند:
۳۸:۱	لوطان، شوبال، صبعون، عنه، دیشون، ایصر، دیشان، و دختر عیسو، تمناع بود.
پیدا ۱۸-۲۱	
	پسران لوطان: حوری و هومام.
	۴۰ پسران شوبال: علیان، مناحت،
	عیبال، شفو و اونام.
	ایه و عنه، پسران صبعون بودند.
	۴۱ دیشون پسر عنه بود.
	پسران دیشون: حمران، اشبان، یتران و کران.
	۴۲ بلهان، زعوان و یعقان، پسران ایصر بودند.
	عوص و اران هر دو پسران دیشان بودند.
۴۳	پیش از اینکه در اسرائیل پادشاهی روی کار آید، در سرزمین ادوم این پادشاهان یکی پس از دیگری به سلطنت رسیدند:
۴۳:۱	
پیدا ۳۶-۳۹	
	بالع (پسر بعور) که در شهر دینهابه زندگی می کرد.
	۴۴ وقتی بالع مرد، یوباب پسر زارح از اهالی بصره بجایش پادشاه شد.
۴۵:۱	
ابو ۲:۱۱	۴۵ بعد از مرگ یوباب، حوشام از سرزمین تیمانی پادشاه شد.

کسب اطلاعات بیشتر درباره عمالیقی‌ها، توضیحات مربوط به خروج ۱۷:۸ را بخوانید).
۴۳-۵۴ چرا این نسب‌نامه، اطلاعاتی درباره نسل ادوم که دشمنان اسرائیلی‌ها بودند، ارائه می‌دهد؟ عیسو، جد ادومی‌ها، پسر بزرگ اسحاق بود و در نتیجه مستقیماً از نسل ابراهیم بود. او به‌عنوان نوه ابراهیم، استحقاق آن را داشت که در اسناد یهودی جایی داشته‌باد. با وجود این، با ازدواج عیسو با زنی بت‌پرست بود که قوم ادوم به وجود آمد. این نسب‌نامه اقوام دشمن را نشان می‌دهد؛ آنها مستقیماً از تبار داود **نبودند**.

۴۴:۱ اسرائیل نام دیگر یعقوب است؛ نسل یعقوب قوم اسرائیل نامیده شد. نسل عیسو قوم ادوم شد که دشمن همیشگی اسرائیل بود. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره زندگی اسحاق و دو پسرش، یعقوب و عیسو، و ماجرا و خصوصیات شخصیتی آنها، رجوع کنید به پیدایش فصل‌های ۲۱-۳۶ و ۴۶-۴۹.

۴۵:۱ عمالیق، نوه عیسو، از کنیز پدرش به دنیا آمد (پیدایش ۳۶:۱۲). او جد قبیله شروری معروف به عمالیقی‌ها بود، یعنی اولین کسانی که وقتی اسرائیلی‌ها در راه سرزمین موعود بودند، به ایشان حمله کردند (برای

۴۶ پس از آنکه حوشام مرد، حداد پسر بداد (که پادشاه مدیان را در سرزمین موآب شکست داد) به پادشاهی منصوب گردید و در شهر عویت سلطنت کرد.
 ۴۷ وقتی حداد مرد، سمله از شهر مسریقه بر تخت پادشاهی نشست.
 ۴۸ بعد از مرگ سمله، شائول از شهر رحوبوت، که در کنار رودخانه‌ای قرار داشت، به پادشاهی رسید.
 ۴۹ وقتی شائول مرد، بعل حانان پسر عکبور جانشین او شد.
 ۵۰ پس از بعل حانان، حداد از شهر فاعی پادشاه شد. (زن او مهیطبئیل نام داشت و دختر مطرد و نوۀ میذهب بود.)
 ۵۱-۵۴ هنگام مرگ حداد، امرای ادوم اینها بودند:
 تمناع، الیه، یتیت، اهو لیامه،
 ایله، فینون، قناز، تیمان، مبصار،
 مجدئیل و عیرام.

نسل یعقوب

۲ پسران یعقوب معروف به اسرائیل اینها بودند:

رئوبین، شمعون، لاوی، یهودا،

یساکار، زبولون، دان، یوسف،

بنیامین، نفتالی، جاد و اشیر.

۳ یهودا از زن کنعانی خود، بتشوع، سه پسر داشت به نامهای: عیر، اونان و شبله. ولی عیر، پسر ارشد او، شرور بود و خداوند او را کشت.

۴ بعد تامار، زن بیوهٔ عیر که عروس یهودا بود از خود یهودا حامله شد و دو پسر دو قلو به نامهای فارص و زارح زایید. یهودا جمعاً پنج پسر داشت.

۵ پسران فارص، حصرون و حامول بودند.

۶ پسران زارح:

زمری، ایتان، هیمان،

کلکول و دارع.

۱:۲

پیدا ۲۵۸:۴۶ ؛ ۲۶-۲۲:۳۵

خرو ۴:۱

اعد ۱۵:۲۱

مکا ۸:۴۷

۳:۲

پیدا ۱۰-۲:۳۸

۴:۲

پیدا ۱۴-۸:۴۶ ؛ ۳۰-۱۳:۳۸

خود بر جا می‌گذاریم، و ویژگی‌های فردی‌ای از خود بروز می‌دهیم که دیگران ما را با این چیزها به یاد خواهند آورد. خدا زندگی شما را تا به این موقع چگونه جمع‌بندی خواهد کرد؟ برخی با بی‌پروایی ادعا می‌کنند که نحوه زندگی‌شان به خودشان مربوط است. اما کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که شیوه زندگی امروزتان، تعیین‌کننده نحوه مجازات خدا در مورد شما خواهد بود، و مشخص خواهد کرد که دیگران چگونه شما را به یاد خواهند آورد. هر کاری که الآن می‌کنید، حائز اهمیت است.

۲۱:۲ ماجرای پسران اسرائیل (همان یعقوب) در پیدایش ۳۲:۲۹ تا ۲۶:۵۰ یافت می‌شود. خصوصیات شخصیتی رئوبین، یهودا، و یوسف در همان قسمت ذکر شده است.

۳:۲ این نسب‌نامه طویل تنها حاوی فهرستی از اسامی نیست، بلکه ما را با بعضی از اشخاص نیز آشنا می‌کند. این آیه، همچون سنگ‌قبر، بیان می‌دارد که عیر شرور بود و خداوند او را کشت. و حالا، بعد از قرن‌ها، این تنها چیزی است که ما از آن مرد می‌دانیم. هر یک از ما شهرتی از

۷) (عخان پسر کرمی، که با برداشتن مال حرام به خدا خیانت کرد و در قوم اسرائیل فاجعه به بار آورد نیز از نسل زارح بود.)
 ۸) عزریا پسر ایتان بود.

۹) یرحمئیل، رام و کلوبای پسران حصرون بودند.
 ۱۰) رام پدر عمیناداب، و عمیناداب پدر نحشون (نحشون رهبر قبیله یهودا بود)،
 ۱۱) نحشون پدر سلما، سلمون پدر بوغز، ۱۲) بوغز پدر عوبید، و عوبید پدر یسی بود.

۱۳) او۴ او۱۵ پسران یسی به ترتیب سن اینها بودند: ایاب، ایناداب، شمعا، تنئیل، ردای، اوصم و داود. ۱۶) یسی دو دختر به نامهای صروه و ایجایل نیز داشت. پسران صروه، ایشای، یوآب و عسائیل بودند.

۱۷) ایجایل که شوهرش یتر اسماعیلی بود، پسری داشت به نام عماسا.
 ۱۸) کالیب (پسر حصرون) دو زن به نامهای عزوبه و یربعوت داشت. اینها فرزندان عزوبه بودند: یاشر، شوباب و اردون.

۱۹) پس از مرگ عزوبه، کالیب با افرات ازدواج کرد و از این زن صاحب پسری شد به نام حور.

۲۰) اوری پسر حور، و بصلئیل پسر اوری بود.
 ۲۱) حصرون در سن شصت سالگی با دختر ماخیر ازدواج کرد و از او هم صاحب پسری شد به نام سجوی (ماخیر پدر جلعاد بود).

۲۲) سجوی پدر یائیر بود. یائیر بر بیست و سه شهر در سرزمین جلعاد حکمرانی می کرد. ۲۳) ولی قوای جشور و ارام این شهرها و شهر قنات را همراه با شصت روستای اطراف آن به زور از او گرفتند. ساکنان این شهرها و روستاها از نسل ماخیر (پدر جلعاد) بودند.

۲۴) کالیب بعد از مرگ پدرش حصرون، با افراته، زن پدر خود ازدواج کرد. افراته از کالیب صاحب پسری شد به اسم اشحور و اشحور هم پدر تقوع بود.

۷:۲
 یوش ۱۷:۷؛ ۲۰:۲۲

۱۰:۲
 اعد ۱۲:۷؛ ۱۴:۱۰
 متی ۴:۱
 لو ۳۲:۳

۱۲:۲
 روت ۱۷:۴؛ ۱۷
 متی ۵:۱

۱۳:۲
 اسمو ۸:۱۶

۱۶:۲
 اسمو ۷:۵؛ ۲۶
 اسمو ۱۳:۲

۱ توآ ۱۱:۵؛ ۱۱

۱۷:۲
 اسمو ۱۷:۲۵؛ ۱۹:۱۳
 پاد ۵:۴

در توضیحات فصل ۱۷ از کتاب سموئیل ذکر شده است.

۱۶:۲ ماجرای یوآب در سموئیل فصل های ۲ و ۳ و ۱۰-۲۰ و ۲۴؛ ۱ پادشاهان فصل های ۳-۱؛ ۱ تواریخ ۱۱:۹۴-۱۹-۲۱ یافت می شود. خصوصیات شخصیتی او در توضیحات فصل ۱۹ دوم سموئیل ذکر شده است. ماجرای ایشای در سموئیل فصل ۲۶؛ ۲ سموئیل فصل های ۲ و ۳؛ ۱۰؛ ۱۵-۲۱ و ۲۳؛ ۱ تواریخ ۱۲:۱۸؛ ۱۹ یافت می شود.

۱۸:۲ این کالیب، آن کالیبی نیست که به همراه یوشع، سرزمین موعود را جاسوسی کرد. نام کالیب جاسوس در ۱۵:۴ آمده است.

۱۲:۲ بوغز، شوهر روت بود و جد داود، و نیز نبی مسیح موعود. خصوصیات شخصیتی بوغز در کتاب روت آمده است.

۱۵:۲ داود یکی از سرشناس ترین افراد کتاب مقدس است. او قطعاً فرد بی نقصی نبود، اما نمونه زنده ای بود از این مفهوم که چطور باید خدا را در همه قسمت های زندگی در اولویت قرار داد. خدا داود را «محبوب دل خود» خواند (اعمال ۲۲:۱۳). زیرا بزرگترین خواسته او خدمت به خدا و عبادت او بود. ماجرای داود در سموئیل ۱:۱۶ تا ۱ پادشاهان ۱۰:۲ و ۱ تواریخ ۱۴:۱۰ تا ۳۰:۲۹ یافت می شود. خصوصیات شخصیتی داود

^{۲۵} اینها پسران (پسر ارشد حصرون) بودند:

رام (پسر بزرگ)، بونه، اورن، اوصم و اخیا.

^{۲۶} عطاره زن دوم یرحم ئیل، مادر اونام بود.

^{۲۷} پسران رام:

معص، یامین و عاقر.

^{۲۸} پسران اونام، شمای و یاداع بودند.

پسران شمای، ناداب و اییشور بودند.

^{۲۹} پسران اییشور، احبان و مولید از زن او ابیحایل بودند.

^{۳۰} و پسران ناداب سلد و افایم بودند. سلد بی اولاد از دنیا رفت، ^{۳۱} ولی افایم

پسری به نام یشعی داشت. یشعی پدر شیشان و شیشان پدر احلای بود.

^{۳۲} یاداع برادر شمای دو پسر داشت به نامهای یترو و یوناتان. یترو بی اولاد از دنیا

رفت، ^{۳۳} ولی یوناتان دو پسر به اسم فالت و زازا داشت.

^{۳۴} و ^{۳۵} شیشان پسری نداشت، ولی چندین دختر داشت. او یکی از دخترانش را

به عقد یرحاع، غلام مصری خود درآورد. آنها صاحب پسری شدند و نامش

را عتای گذاشتند.

^{۳۶} ناتان پسر عتای، زاباد پسر ناتان، ^{۳۷} افلال پسر زاباد، عوبید پسر افلال. ^{۳۸} ییهو

پسر عوبید، عزریا پسر ییهو، ^{۳۹} حالص پسر عزریا، العاسه پسر حالص، ^{۴۰} سسمای

پسر العاسه، شلوم پسر سسمای، ^{۴۱} یقمیا پسر شلوم، الیشمع پسر یقمیا بود.

^{۴۲} پسر ارشد کالیب (برادر یرحم ئیل) میشاع نام داشت. میشاع پدر زیف، زیف

پدر ماریشه، ماریشه پدر حبرون بود.

^{۴۳} پسران حبرون عبارت بودند از: قورح، تفوح، راقم و شامع. ^{۴۴} شامع پدر راحم

بود و راحم پدر یرقعام.

راقم پدر شمای بود.

^{۴۵} ماعون پسر شمای بود و پدر بیت صور.

^{۴۶} عیغه، کنیز کالیب، حاران و موصا و جازیز را زایید. حاران هم پسری داشت

به نام جازیز.

^{۴۷} (مردی به نام یهدای شش پسر داشت به اسامی:

راجم، یوتام، جیشان، فالت، عیغه و شاعف).

^{۴۸} و ^{۴۹} معکه یکی دیگر از کنیزان کالیب شش پسر دنیا آورد به اسامی: شابر،

ترحنه، شاعف (بانی شهر مدمنه) و شوا (بانی شهر مکینا و جبعا). کالیب

دختری نیز داشت که نامش عکسه بود.

^{۵۰} پسران حور (پسر ارشد کالیب و افراته) اینها بودند: شوبال (بانی قریه

یعاریم)، ^{۵۱} سلما (بانی بیت لحم) و حاریف (بانی بیت جادر).

۳۶:۲

اتوا ۱۱:۴۱

۴۸:۲

یوش ۱۵:۱۷

داو ۱:۲

۵۲ شوبال، بانی قریه یعاریم، جد طایفه هراوه که نصف ساکنان منوحوت را تشکیل می‌دادند، بود.

۵۳ طایفه‌های قریه یعاریم که از نسل شوبال بودند، عبارت بودند از: یتری، فوتی، شوماتی و مشراعی. (صرعاتی‌ها و اشتاولی‌ها از نسل مشراعی‌ها بودند.)

۵۴ سلما، بانی بیت‌لحم، جد طایفه نطوفاتی، عطروت بیت‌یوآب و صرعی (یکی از دو طایفه ساکن مانحت) بود.

۵۵ طایفه‌های نویسندگانی که کتب و مدارک را رونویسی می‌کردند و ساکن یعیص بودند عبارت بودند از: ترعاتی، شمعاتی و سوکاتی. این طایفه‌ها قینی و از نسل حمت، جد خاندان ریکاب، بودند.

۵۳:۲

توا ۲:۴

۵۵:۲

۱۵:۱۰ یاد

اجداد داود

۳ پسران داود پادشاه که در حبرون بدنیا آمدند، به ترتیب سن عبارت بودند از:

۱ امنون که مادرش اخینوعم نام داشت و اهل یزرعیل بود.

۲ دانیال که مادرش ابیجایل نام داشت و اهل کرمل بود.

۳ ابشالوم که مادرش معکه دختر تلمای پادشاه جشور بود.

۴ ادونیا که مادرش حجیت بود.

۵ شفطیا که مادرش ابیطال بود.

۶ یترعام که مادرش عجله بود.

۷ این شش پسر داود پادشاه در حبرون متولد شدند، یعنی همان جایی که او هفت سال و نیم سلطنت کرد. سپس داود شهر اورشلیم را پایتخت قرار داد و سی و سه سال دیگر در آنجا سلطنت کرد.

۸ زمانی که او در اورشلیم بود، همسرش بتشع (دختر عمی‌ئیل) چهار پسر برای او بدنیا آورد به نامهای شمعی، شویاب، ناتان و سلیمان.

۹ و ۱۰ داود نه پسر دیگر نیز داشت که عبارت بودند از:

۱۱ بیحار، الیشامع، الیفالط، نوجه،

۱۲ نافج، یافیع، الیشمع، الیاداع و الیفلط.

۱:۳

اسمو ۲۵:۴۲

اسمو ۲۳:۵، ۱۳:۱

توا ۲:۳

۲:۳

اسمو ۲:۴، ۱۳:۲، ۱۴:۲۳

۴:۳

اسمو ۵:۴و۵

۵:۳

اسمو ۵:۱۴، ۱۶:۱۱، ۱۱:۳

۲۴:۱۲

توا ۱۴:۷، ۱۴:۷

۱ پادشاهان فصل ۱ یافت می‌شود. خصوصیات شخصیتی او در توضیحات فصل ۱ از پادشاهان آمده است. ماجرای پسر او، سلیمان که سومین پادشاه اسرائیل شد، در پادشاهان فصل‌های ۱-۱۱ و ۲ تواریخ ۹-۲ یافت می‌شود. خصوصیات شخصیتی او در فصل ۳ اول پادشاهان ثبت شده است.

۱۳ ماجرای ابیجایل و خصوصیات شخصیتی او در توضیحات فصل‌های ۲۵ و ۲۶ اول سموئیل یافت می‌شود.

۲۴ ماجرای ابشالوم و خصوصیات شخصیتی او در توضیحات فصل‌های ۱۳-۱۸ دوم سموئیل یافت می‌شود.

۵۴ ماجرای بتشع در ۲ سموئیل فصل‌های ۱۱؛ ۱۲؛

۹ علاوه بر اینها، داود پسرانی هم از کنیزان خود داشت. او دختری نیز به نام تامار داشت.

۱۰-۱۴ اینها به ترتیب اعقاب سلیمان هستند:

رحبعام، ایبا، آسا، یهوشافاط، یهورام، اخزیا، یوآش، امصیا، عزیا، یوتام، آحاز، حزقیا، منسی، آمون و یوشیا.

۱۵ پسران یوشیا:

یوحانان، یهویاقیم، صدقیا و شلوم.

۱۶ پسران یهویاقیم:

یکنیا و صدقیا.

۱۷ و ۱۸ پسران یهویاکین (که به اسیری رفت) اینها بودند:

شلتتیل، ملکیرام، فدایا،

شناصر، یقمیا، هوشاماع و ندبیا.

۱۹ و ۲۰ فدایا پدر زروبابل و شمعی بود.

فرزندان زروبابل اینها بودند:

مشلام، حننیا، حشوبه، اوهل، برخیا، حسدیا،

یوشب حسد و دخترش شلومیت.

۲۱ و ۲۲ پسران حننیا، فلطیا و اشعیا بودند.

رفایا پسر اشعیا، ارنان پسر رفایا،

عوبدیا پسر ارنان، شکنیا پسر عوبدیا و

شمعیا پسر شکنیا.

شمعیا پنج پسر به این اسامی داشت: حطوش، یجال، باریح، نعریا و شافاط.

۲۳ نعریا سه پسر به این اسامی داشت:

الیوعینای، حزقیا و عزریقام.

۲۴ الیوعینای صاحب هفت پسر بود به نامهای زیر:

هودایا، الیاشیب، فلایا، عقوب،

یوحانان، دلایاع و عنانی.

۱۰:۳

۱ پاد ۴۳:۱۱، ۱:۱۵، ۲۴:۸، ۵:۲۲

۲ پاد ۲۴:۸ و ۲۵:۱۱، ۱۴:۱ و ۲۱:۱

۱۵:۳ و ۳۲:۳۳

۱:۱۶، ۱:۱۸، ۱:۱۶

۲:۱ و ۱۹:۲۰ و ۱:۲۲

۲:۱۷، ۱:۱۷، ۱:۱۴، ۱:۱۳

۱:۲۶، ۱:۲۵، ۱:۲۴

۱:۲۷، ۱:۲۸، ۱:۲۹

۱:۳۳ و ۲۱:۲۰ و ۱:۳۴

متی ۱۰:۷-۱

۱۵:۳

۲ پاد ۲۳:۳۰، ۳۴:۳۰

۲ توا ۳۶:۴۱

۲۱:۳

عز ۲۸-۱۴

شخصیتی او، در ۲ پادشاهان فصل‌های ۱۸-۲۰ ثبت شده است. برای آگاهی از ماجرای یوشیا، مراجعه کنید به ۲ پادشاهان فصل‌های ۲۲ و ۲۳.

۱۵:۳ ماجرای یهویاقیم در ارمیا فصل‌های ۲۲-۲۸؛ ۳۵ و ۳۶ یافت می‌شود. ماجرای صدقیا در ارمیا فصل‌های ۲۱-۳۹ آمده است.

۲۰ و ۱۹:۳ زروبابل رهبر اولین گروه از تبعیدی‌هایی بود که از بابل بازگشتند. ماجرای او و خصوصیات شخصیتی او، در کتاب عزرا یافت می‌شود.

۹:۳ ماجرای غم‌انگیز تامار، دختر داود، در ۲ سموئیل فصل‌های ۱۳ و ۱۴ یافت می‌شود.

۱۴-۱۰:۳ بسیاری از اعقاب سلیمان پادشاه بر قوم یهودا حکومت کردند. برای آگاهی از ماجرای رحبعام و خصوصیات شخصیتی او، مراجعه کنید به ۲ تواریخ ۱۰-۱۲.

برای اطلاع از ماجرای یهوشافاط و خصوصیات شخصیتی او، مراجعه کنید به ۲ تواریخ ۱۷-۲۰. برای مطالعه ماجرای اخزیا (عزیا) و خصوصیات شخصیتی او، مراجعه کنید به ۲ تواریخ ۲۶ و ۲۷. ماجرای حزقیا و خصوصیات

۲- قبایل اسرائیل نسل یهودا

اینها از اعقاب یهودا هستند:

۴

فارص، حصرون، کرمی، حور و شوبال.

۲ رایا پسر شوبال، پدر یحت، و یحت پدر اخومای و لاهد بود. ایشان به طایفه‌های صرعاتی معروف بودند.

۳ و^۴حور پسر ارشد افرات بود و فرزندانش شهر بیت لحم را بنا نهادند. حور سه پسر داشت: عیظام، فنوئیل و عازر. عیظام نیز سه پسر داشت: یزرعیل، یشما و یدباش. دختر او هصللفونی نام داشت. فنوئیل شهر جدور را بنا کرد و عازر شهر حوشه را.

۵ اشحور، بانی شهر تقوع، دو زن داشت به نامهای حلا و نعره.

نعره این پسران را بدنیا آورد:

اخزام، حافر، تیمانی و اخشطاری.

۷ حلا نیز صاحب این پسران شد:

صرت، صوحر و اتنان.

۸ قوس پدر عانوب و صوبیه بود و جد طایفه‌هایی که از اخرحیل پسر هاروم بوجود آمدند.

۹ مردی بود به نام یعیص که در بین خاندان خود بیش از همه مورد احترام بود. مادرش به این علت نام او را یعیص گذاشت چون با درد شدید او را زاییده بود. (یعص به معنی «درد» است).^{۱۰} اما یعیص نزد خدای اسرائیل اینطور

دعا کرد: «ای خدا مرا برکت ده و سرزمین مرا وسیع گردان. با من باش و مرا از مصیبت‌ها دور نگه دار تا رنج نکشم.» و خدا دعای او را اجابت فرمود.

۱۱ کالیب، برادر شوحه، پسری داشت به نام محیر. محیر پدر اشتون بود.

۱۲ اشتون پدر بیت رافا، فاسیح و تحنه بود.

تحنه بانی شهر ناحاش بود. همه اینها اهل ربقه بودند.

۱:۴
پیدا ۲۹:۳۸ ؛ ۱۲:۴۶
اعد ۲۲-۱۹:۲۶
روت ۱۸:۴
۱ تو ۳:۲
متی ۳:۱
لو ۳۳:۳
۲:۴
۱ تو ۵۳:۲
۳:۴
۱ تو ۱۹:۲

۱۰:۴
پیدا ۲۶:۳۲
مز ۱۷:۷۲
اقس ۳:۱

۱۰:۴ یعیص به‌طور خاص برای محفوظ ماندن از بدی و بلا دعا کرد. ما در دنیای سقوط کرده‌ای زندگی می‌کنیم که گناه در آن فراوان است. در چنین دنیایی، دعا برای در امان ماندن از شرارت اجتناب‌ناپذیری که پیش روی ما قرار می‌گیرد، اهمیت بسیاری دارد. اما ما باید از انگیزه‌ها، خواسته‌ها، و اعمالی نیز که از درون ما نشأت می‌گیرند، اجتناب کنیم. بنابراین، ما نباید فقط در پی محافظت خدا از خودمان در مقابل شرارت باشیم، بلکه باید از خدا بخواهیم که نگذارد شرارت جزئی از افکار و اعمال ما شود.

۱۰:۴ از یعیص به‌عنوان «کسی که دعا کرد» نام برده شده است. حائز اهمیت است که از او برای دعایی که کرد یاد می‌شود، نه برای عملی شجاعانه. او در دعایش، از خدا خواست که (۱) او را برکت دهد؛ (۲) در کارش به او کمک کند؛ و در هر کاری که می‌کند با او باشد، و (۴) او را از بدی و بلا حفظ کند. یعیص خدا را به‌عنوان مرکز حقیقی کارش پذیرفت. وقتی ما دعا می‌کنیم که خدا به ما برکت دهد، باید این دعا را نیز بکنیم که او به‌عنوان سرور بر تمام قسمت‌های زندگی ما آنطور که براننده او است، حاکم باشد.

محل آیات:	نکته مهم در زندگی او	نام	آشنایی با افراد کتاب مقدس
پیدایش ۳و۲	گناهان ما بسیار بیشتر از آنچه که تصور می کنیم، تأثیرات جانبی دارد.	آدم (۱:۱)	در این نسب نامه، اسامی برخی از افرادی آمده که در جاهای دیگر کتاب مقدس نیز از آنها نام برده شده است. نویسنده کتاب اول تواریخ، تاریخ اسرائیل را در فهرستی از اسامی افراد منعکس کرده است. ماجرای
پیدایش ۹-۶	پادشاهای بزرگ در نتیجه اطاعت از خدا به دست می آید.	نوح (۳:۱)	زندگی بسیاری از افراد این فهرست، هیجان انگیز است و می توان آن را در کتاب مقدس دنبال کرد. برخی از اسامی زیر را که توجه شما را جلب می کند، انتخاب کنید. با خواندن
پیدایش ۱۰:۲۵-۲۶:۱۱	ایمان به تنهایی شخص را از دید خدا عادل می سازد.	ابراهیم (۲۸:۱)	ماجرای زندگی آنها، چیزهایی کشف خواهید کرد که شما را به حیرت خواهد انداخت!
پیدایش ۳۵-۲۱	صلح طلبی، عزت و احترام حقیقی به ارمغان می آورد.	اسحاق (۲۸:۱)	
پیدایش ۴۳:۳۶-۱۹:۲۵	هرگز برای کنار گذاشتن دلخوری و بخشیدن دیر نیست.	عیسو (۳۵:۱)	
خروج ۱۶۸:۱۷	مردمان شرووری وجود دارند که در پی صدمه رساندن به دیگران هستند.	عمالیق (۳۶:۱)	
پیدایش ۱۳:۵۰-۱۹:۲۵	گناهان ما ممکن است باعث زجر ما شود، اما خدا ایمان ما را حرمت خواهد کرد.	یعقوب (۱:۲)	
پیدایش ۵۰-۳۷	خدا می تواند حتی قلب شروترین افراد را تغییر دهد.	یهودا (۳:۲)	
پیدایش ۳۸	خدا نقشه های خود را حتی از طریق حوادث گناه آلود به پیش می برد.	تامار (۴:۲)	
پیدایش ۳۰-۲۷:۳۸	پیشینه بد شما برای خدا مهم نیست.	فارص (۵:۲)	
کتاب روت	کسانی که نسبت به دیگران مهربان و خوبند، خودشان خوبی خواهند دید.	بوعز (۱۲:۲)	
اسموئیل ۱۶	هرگز تأثیری را که بر فرزندان می گذارید، سرسری نگیرید.	یسی (۱۳:۲)	
کتاب ۲ سموئیل	بزرگی حقیقی به این است که دل شخص از آن خدا باشد.	داود (۱۵:۲)	
۲ سموئیل ۱۳:۲ - ۱ پادشاهان ۴:۲	کسانی که در پی به دست آوردن قدرت اند، بدون آنکه چیزی به دست آورند، می میرند.	یوآب (۱۶:۲)	
۲ سموئیل ۱۳	تسلیم شهوت شدن فقط به فاجعه می انجامد.	امنون (۱:۳)	
۲ سموئیل ۱۸-۱۳	کسانی که در پی بر کنار کردن رهبر برگزیده خدا هستند، پیکار سختی در پیش خواهند داشت.	ابشالوم (۲:۳)	
۱ پادشاهان ۲و۱	خدا باید تعیین کند که چه چیز حق ما است.	ادونیا (۲:۳)	
۲ سموئیل ۱۱و۱۱ ؛ ۱ پادشاهان ۲و۱	یک عمل غلط، صلاحیت انجام درست کارهای دیگر را برای خدا از ما سلب نمی کند.	بتشع (۵:۳)	
۱ پادشاهان ۱۱-۱	حکمت انسان بدون خدا حماقت است.	سلیمان (۵:۳)	
پیدایش ۲۲:۳۵ ؛ ۳۷ ؛ ۴و۳:۴۹	آنچه که از یک لحظه هوس رانی به دست می آید، امری است حسی و گذرا؛ اما آنچه که در اثر آن از دست می رود، حقیقی و همیشگی است.	رئوبین (۱:۵)	
خروج ۴ - اعداد ۲۰	انتظار نداشته باشید که رهبران خدا کامل باشند، اما اجازه هم ندهید که گناه آنها بی مجازات بماند.	هارون (۳:۶)	
لاویان ۱۰	کار خطرناکی است که انسان تظاهر کند نماینده خدا است.	ناداب (۳:۶)	
اعداد ۲۹-۲۵:۲۰ ؛ ۳۴-۲۶ ؛ یوشع ۳۳:۲۴	کسانی که در ایمان خود پایدارند، بهترین الگو برای تأسی کردن هستند.	الغازار (۳:۶)	
اعداد ۱۶	طغیان علیه رهبران خدا، طغیان علیه خدا است و همیشه ناموفق می باشد.	قورح (۲۲:۶)	
کتاب یوشع	شیجاعت واقعی از خدا است.	یوشع (۲۷:۷)	
اسموئیل ۳۱-۸	کسانی که می گویند از خدا پیروی می کنند اما مطابق گفته خود عمل نمی کنند، نیروی خدادادی خود را به هدر می دهند.	شائول (۳۳:۸)	
اسموئیل ۳۱-۱۴	دوستان حقیقی فقط خودشان را در نظر نمی گیرند، بلکه همیشه به فکر دوست نیز خود هستند.	یوناتان (۳۳:۸)	

۱۳:۴
یوش ۱۷:۱۵

۱۳ و پسران قناز عتئی ئیل و سرایا بودند.
حتات و معوتونای پسران عتئی ئیل بودند.

۱۴ عفره پسر معونوتای بود.

یوآب، پسر سرایا، بنیان گذار «دره صنعتگران» بود. (این دره بدان جهت دره صنعتگران نامیده شد چون بسیاری از صنعتگران در آنجا زندگی می کردند.)

۱۵ پسران کالیب (پسر یفنه) عبارت بودند از:

عیرو، ایله، ناعم. ایله پدر قناز بود.

۱۶ پسران یهله ئیل اینها بودند:

زیف، زیفه، تیریا و اسرئیل.

۱۷ و ۱۸ پسران عزره اینها بودند:

یتر، مرد، عافر و یالون. مرد با دختر پادشاه مصر به نام بتیه ازدواج کرد و صاحب یک دختر به نام مریم و دو پسر به نامهای شمای و یشیح (جد اشموع) شد. مرد از زن یهودی خود نیز صاحب سه پسر شد به نامهای: یارد، جابر و یقوتی ئیل. اینها به ترتیب بانی شهرهای جدور، سوکو و زانوح بودند.

۱۹ زن هودیا خواهر نحم بود. یکی از پسرانش جد طایفه قعیله جرمی و دیگری جد طایفه اشموع معکاتی شد.

۲۰ پسران شیمون:

امنون، رنه، بنحانان و تیلون.

پسران یشعی:

زوحیت و بنزوحیت.

۲۱ و ۲۲ پسران شילה (پسر یهودا):

عیر، بانی شهر لیکه؛ لعهده، بانی شهر مریشه؛ طایفه‌های پارچه باف که در بیت اشیع کار می کردند؛ یوقیم؛ خاندان کوزیبا؛ یوآش؛ ساراف که در موآب و یشوبی لحم حکومت می کرد.

(تمام اینها از گزارشهای کهن بجای مانده است.)^{۲۳} اینها کوزه گرانی بودند که در تتاعیم و جدیره سکونت داشتند و برای پادشاه کار می کردند.

۲۳:۴
پیدا ۵:۳۸

دو، تنها کسانی بودند که به وعده خدا ایمان داشتند و مطمئن بودند که خدا به اسرائیلی‌ها برای تسخیر سرزمین موعود کمک خواهد کرد. ماجرای کالیب در اعداد ۱۴ و ۱۳ و یوشع ۱۵ و ۱۴ نقل شده است. خصوصیات شخصیتی او در توضیحات فصل ۱۵ اعداد یافت می‌شود.

۱۳:۴ عتئیئیل اولین داور اسرائیل بود. او قوم را اصلاح کرد و صلح در کشور برقرار نمود. ماجرای او در داوران ۱:۱۵-۹ و ۳:۱۴-۵ یافت می‌شود.
۱۵:۴ کالیب یکی از ۱۲ جاسوسی بود که موسی به سرزمین موعود فرستاد. تنها او و یوشع با خبرهای خوشحال‌کننده باز گشتند. در بین ۱۲ جاسوس، آن

نسل شمعون

^{۲۴} پسران شمعون: نموئیل، یامین، یاریب، زارح و شائول.

^{۲۵} شائول پدر شلوم، پدر بزرگ مبسام و جد مشماع بود.

^{۲۶} حموئیل (پدر زکور و پدر بزرگ شمعی) هم از پسران مشماع بود.

^{۲۷} شمعی شانزده پسر و شش دختر داشت، ولی هیچکدام از برادرانش فرزندان زیادی نداشتند، بنابراین طایفه شمعون به اندازه طایفه یهودا بزرگ نشد.

^{۲۸-۳۱} نسل شمعون تا زمان داود پادشاه در شهرهای زیر زندگی می کردند:

بثرشبع، مولاده، حصر شوال، بلهه، عاصم، تولاد، بتوئیل، حرمه، صقلع، بیت

مرکبوت، حصرسوسیم، بیت برئی، شعرایم، ^{۳۲} اعیطام، عین، رمون، توکن،

عاشان و ^{۳۳} دهکده‌های اطراف آن تا حدود شهر بعلت. (همه این اسامی در

نسب نامه‌های ایشان ثبت شده است.)

^{۳۴-۳۹} اسامی رؤسای طایفه‌های شمعون عبارت بودند از:

مشوباب، یملیک، یوشه (پسر امصیا)، یوئیل،

یهو (پسر یوشبیا، نوۀ سرایا و نبیره عسی ئیل)، الیوعینای، یعکوبه،

یشوحایا، عسایا، عدی ئیل،

یسیمی ئیل، بنایا و زیزا (پسر شفعی، شفعی پسر الون، الون پسر یدایا، یدایا

پسر شمیری و شمیری پسر شمعی).

این طایفه‌ها بتدریج بزرگ شدند و در جستجوی چراگاه‌های بزرگتر برای گله‌های

خود به سمت شرقی دره جدور رفتند. ^{۴۰} در آنجا آنها سرزمینی وسیع و آرام و ایمن

با چراگاه‌های حاصلخیز پیدا کردند. این سرزمین قبلاً به نسل حام تعلق داشت.

^{۴۱} در دوره سلطنت حزقیا، پادشاه یهودا، رؤسای طایفه‌های شمعون به سرزمین

نسل حام هجوم بردند و خیمه‌ها و خانه‌های آنها را خراب کردند، ساکنان

آنجا را کشتند و زمین را به تصرف خود در آوردند، زیرا در آنجا چراگاه‌های

زیادی وجود داشت. ^{۴۲} اسپس پانصد نفر از این افراد مهاجم که از قبیله شمعون

بودند به کوه سعیر رفتند. (رهبران آنها فلطیا، نعریا، رفایا و عزى ئیل و همه

پسران یسعی بودند). ^{۴۳} در آنجا بازماندگان قبیله عمالیق را از بین بردند و از

آن به بعد خودشان در آنجا ساکن شدند.

نسل رثوبین

رثوبین پسر ارشد یعقوب بود. اما حق ارشد بودن رثوبین از او گرفته

شد و به برادر ناتنی وی یوسف داده شد، چون رثوبین با زن پدر خود

۵

۱:۵

پیدا ۳۲:۲۹ ؛ ۲۲:۳۵ ؛

۴:۴۹ ؛ ۲۲-۱۵:۴۸ ؛

۱:۲ اتوا

بلکه این بود که نشان دهد نتیجه گناه تنها خاطرات دردناک نیست. عواقب واقعی گناه، تباہ شدن زندگی است. رثوبین به‌عنوان پسر ارشد، این حق را داشت

۱:۵ گناه رثوبین، یعنی گناهی که او با زن پدرش مرتکب شد، ثبت شد تا نسل‌های آینده آن را بخوانند. اما هدف از این نوشته، بد نام کردن رثوبین نبود،

هم آغوش شده، پدر خود را بی‌حرمت کرد. از این رو، در نسب نامه، نام رثوبین بعنوان پسر ارشد ذکر نشده است. ۲هر چند یهودا در بین برادرانش از همه قوی‌تر بود و از میان قبیله او یک رهبر برخاست، ولی حق ارشد بودن به یوسف تعلق گرفت.

۳اینها پسران رثوبین (پسر بزرگ یعقوب) بودند:
حنوک، فلو، حصرون و کرمی.

۴اینها اعقاب یوئیل هستند: شمعیا، جوج، شمعی، همیکا، رایا، بعل و بئیره. بئیره رئیس قبیله رثوبین بود که تغلت فلاسر، امپراطور آشور او را اسیر کرد و برد.

۷سران طوایف رثوبین که نامشان در نسب‌نامه نوشته شد اینها بودند:
یعییئیل، زکریا،

بالع (پسر عزاز، نوه شامع و نبیره یوئیل).

رثوبینی‌ها در منطقه‌ای که بین عروغیر، نبو و بعل معون قرار دارد، ساکن شدند. ۹گله‌های آنها در زمین جلعاد زیاد شده بود و از این جهت از طرف شرق تا حاشیه صحرا که به کنار رود فرات می‌رسید، سرزمین خود را وسعت دادند.

۱۰در زمان سلطنت شائول، مردان رثوبین به حاجریان حمله بردند و آنها را شکست دادند و در خیمه‌های آنها، در حاشیه شرقی جلعاد، ساکن شدند.

نسل جاد

۱۱قبیله جاد در سمت شمال قبیله رثوبین، در سرزمین باشان تا سرحد سلخه ساکن بودند. ۱۲رئیس قبیله جاد یوئیل نام داشت و شافام، یعنی و شافاط از بزرگان قبیله بودند. ۱۳بستگان ایشان، یعنی سران هفت طایفه، اینها بودند: میکائیل، مشلام، شبع، یورای، یعکان، زیع و عابر. ۱۴این افراد از نسل ابیحایل هستند. (ابیحایل پسر حوری بود، حوری پسر یاروح، یاروح پسر جلعاد، جلعاد پسر میکائیل، میکائیل پسر یشیشای، یشیشای پسر یحدو، و یحدو پسر بوز). ۱۵اخی، پسر عبدیئیل و نوه جونی رئیس این طایفه‌ها بود. ۱۶این طایفه‌ها در جلعاد (واقع در سرزمین باشان) و اطراف آن و در تمام منطقه سرسبز و خرم شارون زندگی می‌کردند. ۱۷نسب نامه ایشان در زمان سلطنت یوتام پادشاه یهودا و یربعام پادشاه اسرائیل ثبت شد.

۲:۵
پیدا ۱۰۸:۴۹
میکا ۲:۵
متی ۶:۲

۳:۵
خرو ۱۴:۶
اعد ۵:۲۶

۶:۵
۲ پاد ۲۹:۱۵ ؛ ۷:۱۶
۱ توا ۲۶:۵

۷:۵
اعد ۳۴:۳۲
یوش ۲:۱۲

۹:۵
یوش ۹:۲۲

۱۰:۵
۱ توا ۲۱:۱۸

۱۱:۵
اعد ۳۶:۳۴ ؛ ۳۲
یوش ۲۴:۱۱ ؛ ۱۳

۱۶:۵
۱ توا ۲۹:۲۷

۱۷:۵
۲ پاد ۲۸:۱۶ ؛ ۱۴
۳۳ و ۳۲ ؛ ۱۵

ممکن است در زندگی شما و دیگران داشته باشد، توجه کنید.

۲:۵ این رهبر از قبیله یهودا، هم به داود پادشاه و سلسله سلطنتی او اشاره دارد، و هم به عیسی، یعنی مسیحای موعود، بزرگترین فرد از نسل داود.

که هم از دارایی پدر دو برابر سهم ببرد و هم وارث رهبری نسل ابراهیم باشد که به قبیله‌ای بزرگ تبدیل شده بود. اما گناهش او را از حقوق و مزایایش محروم ساخت و خانواده‌اش را به تباهی کشاند. قبل از آنکه تسلیم و سوسه شوید، به‌دقت به عواقب فجیعی که گناه

۱۸:۵ سپاه مشترک رئوبین، جاد و نصف قبیله منسی از ۴۴٫۷۶۰ سرباز شجاع و
اعد ۳:۱ تعلیم دیده و مسلح تشکیل شده بود. ^{۱۹} آنها به جنگ حاجریان، یطور، نافیش
۱۹:۵ و نوداب رفتند. ^{۲۰} ایشان دعا کردند و از خدا کمک خواستند و خدا هم به
توا ۱:۳۱، ۵:۱۰ دادشان رسید، زیرا که بر او توکل داشتند. پس حاجریان و متحدان آنان
۲۰:۵ شکست خوردند. ^{۲۱} اغنایم جنگی که بدست آمد عبارت بود از: ۵۰٫۰۰۰ شتر،
۴۲:۱۰ یوش ۴۲:۱۰
۱۳:۱۱-۱۴:۲ تاوا ۱۳:۱۱-۱۴:۲
مز ۹:۱۰
۲۲:۵ ۲۵۰٫۰۰۰ گوسفند، ۲٫۰۰۰ الاغ و ۱۰۰٫۰۰۰ اسیر. ^{۲۲} عده زیادی از دشمنان
یوش ۱۰:۳۳ هم در جنگ کشته شدند، زیرا خدا بر ضد آنها می جنگید. پس مردم رئوبین
۲:۱۷، ۶:۲ تاوا ۲:۱۷، ۶:۲
۸:۳۲ تاوا ۸:۳۲ تا زمان تبعیدشان، در سرزمین حاجریان ساکن شدند.

نسل منسی

۲۳:۵ ^{۲۳} افراد نصف قبیله منسی بسیار زیاد بودند و در منطقه واقع در بین باشان، بعل
تث ۳:۹، ۴:۴ حرمون، سنیر و کوه حرمون ساکن شدند.
۲۴:۵ ^{۲۴} اینها رؤسای طوایف ایشان بودند:
عافر، یشعی، الی ئیل، عزری ئیل،
ارمیا، هودویا و یحدی ئیل.

۲۵:۵ هر یک از آنها رهبرانی قوی و شجاع و معروف به شمار می آمدند، ^{۲۵} ولی
خرو ۱۵:۳۴ نسبت به خدای اجدادشان وفادار نبودند. آنها بتهای کنعانی ها را که خدا
۷:۱۷، ۲:۱۷ آنها را از بین برده بود می پرستیدند. ^{۲۶} پس خدای اسرائیل، فول پادشاه
۲۶:۵ آشور را (که به تغلت فلاسر معروف بود) برانگیخت و او به آن سرزمین
۲۹:۱۹، ۱۵:۲ حمله کرد و مردان رئوبین، جاد و نصف قبیله منسی را اسیر نمود و آنها را
به حلب، خابور، هارا و کنار نهر جوزان برد که تا به امروز در آنجا ساکن
هستند.

شمالی اسرائیل در سال ۷۲۲ ق.م. می باشد. این قبایل هرگز
به موطن خود باز نگشتند. این ماجرا در ۲ پادشاهان ۲۹:۱۵
تا ۴۱:۱۷ یافت می شود.

۲۵ و ۲۴:۵ این مردان، به عنوان جنگجو و رهبر، برای
مهارت های بی نظیر و قابلیت های رهبری خود، شهرت
فوق العاده ای در بین مردم به دست آورده بودند، اما در
نظر خدا فاقد مهم ترین قابلیت بودند: آنها خدا را در
اولویت زندگی خود قرار نداده بودند. شما اگر بکشید
به معیارهای شهرت و موفقیت که جامعه تعیین کرده
است دست یابید، در خطر نادیده گرفتن هدف واقعی
قرار خواهید گرفت، یعنی خشنودی خدا و اطاعت از او.
در آخر، فقط خدا است که قلب ما را می آزماید و مقام
ما را تعیین می کند.

۲۲-۱۸:۵ سپاهیان رئوبین، جاد، و منسی در جنگ پیروز
شدند، زیرا بر خدا توکل داشتند. اگر چه آنها به عنوان
سرباز از استعداد و مهارت برخوردار بودند، اما دعا کردند
و از او هدایت خواستند. توانایی های ذاتی و بالایی که
خدا به ما می دهد، ابزارهایی هستند که باید برای او به کار
گرفته شود، اما هرگز نباید جایگزین توکل ما به خدا
گردد. وقتی ما به جای توکل به خدا، به هوش، استعداد،
و قوت خود اتکا می کنیم، راه را برای تکبر می گشاییم.
در مواجهه با موقعیت های دشوار، در پی اراده خدا باشیم
و هدایت و قدرت او را بطلبید. مزمو ۷:۲۰ می فرماید:
«برخی به عرابه های خود می بالند و برخی دیگر به اسبهای
خویش، ولی ما به خداوند، خدای خود فخر می کنیم.»
۲۲:۵ تبعیدی که اینجا به آن اشاره شده، اسارت ده قبیله

نسل لاوی

پسران لاوی اینها بودند:	۱:۶
جرشون، قهات و مراری.	پیدا ۱۱:۴۶ خرو ۱۶:۶ اعد ۱۷:۳
پسران قهات اینها بودند:	
عمرام، یصهار، جبرون و عزیئیل.	
هارون، موسی و مریم فرزندان عمرام بودند. هارون چهار پسر داشت به نامهای:	۳:۶ ۱۳:۲۳
ناداب، ابیهو، ایلعازار و ایتامار.	
نسل ایلعازار به ترتیب اینها بودند:	۴:۶ ۲۰:۹
فینحاس، ابیشوع، بقی، عزی، زرحیا، مریوت، امریا، اخیطوب، ^۸ صادوق، اخیمعص، ^۹ عزریا، یوحانان، ^{۱۰} عزریا (عزریا کاهن خانه خدا بود خانه‌ای که به دست سلیمان در اورشلیم بنا شد). ^{۱۱} امریا، اخیطوب، ^۲ صادوق، شلوم، ^{۱۳} حلقیا، عزریا، سرایا و ^۴ یهوصادق (وقتی خداوند مردم یهودا و اورشلیم را بدست نبوکدنصر اسیر کرد، یهوصادق هم جزو اسرا بود).	
^{۱۶} چنانکه قبلاً گفته شد، جرشون، قهات و مراری پسران لاوی بودند. ^{۱۷} البنی و شمعی پسران جرشون بودند. ^{۱۸} پسران قهات، عمرام، یصهار، جبرون، عزیئیل بودند. ^{۱۹} محلی و موشی پسران مراری بودند.	
^{۲۰} نسل جرشون به ترتیب اینها بودند: لبنی، یحت، زمه، ^{۲۱} یوآخ، عدو، زارح و یاترای.	۱۹:۶ ۲۱:۲۳
^{۲۲} نسل قهات به ترتیب اینها بودند: عمیناداب، قورح، اسیر، ^{۲۳} القانه، ابی آساف، اسیر، ^{۲۴} تحت، اوریئیل، عزیا و شائول.	
^{۲۵} القانه دو پسر داشت: عماسای و اخیموت. ^{۲۶} نسل اخیموت به ترتیب اینها بودند: القانه، صوفای، نحت، ^{۲۷} الی آب، یروحام، القانه و سموئیل.	۲۵:۶ ۱:۱

شخصیتی او در توضیحات فصل ۳۲ خروج آمده است. موسی یکی از بزرگترین انبیا و رهبران تاریخ اسرائیل بود. ماجرای او در کتاب‌های خروج، لاویان، اعداد، و تشبیه یافت می‌شود. خصوصیات شخصیتی او در توضیحات فصل ۱۶ خروج آمده است. ماجرای مریم، خواهر موسی، در خروج فصل ۲؛ ۱۵:۲۰ و ۲۱؛ اعداد فصل ۱۲؛ ۱:۲۰، و خصوصیات شخصیتی او در توضیحات فصل ۱۳ اعداد یافت می‌شود. ناداب و ابیهو به خاطر ناطاعتی از خدا کشته شدند (لاویان ۱۰). بعد از هارون، العازار کاهن اعظم بعدی اسرائیل شد (اعداد ۲۰:۲۸-۲۸:۲۸)، و ایتامار در شکل‌گیری مراسم عبادتی خیمه عبادت نقش مهمی ایفا کرد (اعداد ۴:۲۸، ۳۳؛ ۸:۷).

۱۵:۶ قبیله لاوی برای خدمت به خدا در خیمه عبادت (اعداد ۳ و ۴)، و بعد در معبد (تواریخ ۲۳-۲۶) وقف و تقدیس شدند. هارون که از نسل لاوی بود (۳:۶)، اولین کاهن اعظم اسرائیل شد. خدا مقرر فرمود که تمامی کاهنان بعدی باید از نسل هارون باشند. بقیه مردان خاندان لاوی، به کاهنان در وظایف متعدد خیمه عبادت یا معبد یاری می‌دادند، و با تعلیم کلام خدا به مردم و تشویق ایشان برای اطاعت از آن، به آنها کمک می‌کردند.

۳:۶ کسانی که نام آنها در اینجا آمده، در ماجرای خروج نقش اصلی را ایفا کردند. ماجرای هارون در کتاب‌های خروج، لاویان، و اعداد یافت می‌شود. خصوصیات

۲۸ یوئیل پسر ارشد سموئیل و ایبا پسر دوم او بود.

۲۹ و تسلسل مراری به ترتیب اینها بودند: محلی، لبنی، شمعی، عزه، شمعی، هجیا و عسایا.

۳۱ داود پادشاه پس از آنکه صندوق عهد را در عبادتگاه قرار داد، افرادی را انتخاب کرد تا مسئول موسیقی عبادتگاه باشند. ۳۲ پیش از آنکه سلیمان خانه خداوند را در شهر اورشلیم بنا کند، این افراد به ترتیب در خیمه عبادت این خدمت را انجام می‌دادند: ۳۳ هیمان رهبر گروه از طایفه قهات بود. نسب‌نامه او که از پدرش یوئیل به جدش یعقوب می‌رسید عبارت بود از: هیمان، یوئیل، سموئیل، ۳۴ القانه، یروحام، الی‌ئیل، توح، ۳۵ صوف، القانه، مهت، عماسای، ۳۶ القانه، یوئیل، عزریا، صفنیا، ۳۷ تحت، اسیر، ابی‌آساف، قورح، ۳۸ یصهار، قهات، لاوی و یعقوب.

۳۹ آساف خویشاوند هیمان، دستیار او بود و در طرف راست او می‌ایستاد. نسب‌نامه آساف که از پدرش برکیا به جدش لاوی می‌رسید عبارت بود از: آساف، برکیا، شمعی، ۴۰ میکائیل، بعسیا، ملکیا، ۴۱ اتنی، زارح، عدایا، ۴۲ ایتان، زمه، شمعی، ۴۳ ایحت، جرشون، لاوی.

۴۴ ایتان دستیار دیگر هیمان از طایفه مراری بود و در طرف چپ او می‌ایستاد. نسب‌نامه او که از قیشی به جدش لاوی می‌رسید عبارت بود از: ایتان، قیشی، عبدی، ملوک، ۴۵ حشیا، امصیا، حلقیا، ۴۶ امصی، بانی، شامر، ۴۷ محلی، موشی، مراری و لاوی.

۲۸:۶

اسمو ۲۸

۳۱:۶

اسمو ۱۷:۶

اتوا ۱۵:۱۶؛ ۲۷:۱۶؛ ۶۴:۱۶

۱:۲۵

زمانی که داود پسر جوانی بود، به‌خاطر مهارتی که در نواختن چنگ داشت، به خدمت در دربار شاول پادشاه پذیرفته شده بود (سموئیل ۱۶:۱۵-۲۳). او بسیاری از اشعار کتاب مزامیر را نیز نوشت.

۳۱:۶ و ۳۲ بنایان و صنعتگران، ساختمان معبد را ساخته بودند، و وظایف مراقبت از آن به کاهنان و لاویان سپرده شده بود. و حالا زمان خدمت گروه دیگری از مردم، یعنی سرایندگان بود که مهارت‌های خود را برای خدا به کار بگیرند. در اینجا به نام برخی از سرایندگان اشاره شده است. برای اینکه جای مهمی در بدن ایمانداران داشته باشید، حتماً نباید خدا خدمت خاصی را برای شما مقرر کرده باشد. بنایان، صنعتگران، دستیاران کاهنان که به اجرای مراسم عبادتی کمک می‌کردند، گروه نوازندگان، و گروه سرایندگان، همگی کمک‌های چشمگیری ارائه دادند. خدا مجموعه منحصر به فردی از مهارت‌ها را به شما داده است. از آنها برای خدمت به او در کلیسایش استفاده کنید.

۲۸:۶ وقتی سموئیل رهبر و سخنگوی خدا شد، اسرائیل بر لبه پرتگاه قرار داشت. چند فصل آخر کتاب داوران تصویر روشنی از فساد اخلاقی و سقوط قوم که نتیجه همان فساد بود، ارائه می‌دهد. اما سموئیل به کمک خدا، تقریباً به تنهایی قوم را از نابودی نجات داد و جان تازه‌ای به حیات روحانی اسرائیل بخشید. او به مردم نشان داد که همگی به‌طور مشترک باید به خدا ایمان داشته باشند و هر قومی که به او متکی باشد، اهداف حقیقی خود را خواهد یافت و به آنها خواهد رسید؛ بدینسان او ایشان را متحد ساخت. برای آگاهی از بقیه ماجرای سموئیل، و برای اطلاع از اینکه او چگونه قوانین حکومت بر قوم را بر اساس اصول روحانی وضع کرد، کتاب اول سموئیل را بخوانید. خصوصیات شخصیتی او در توضیحات فصل ۸ از کتاب اول سموئیل یافت می‌شود.

۳۱:۶ داود پادشاه برای وارد کردن موسیقی در عبادت، کارهای زیادی انجام داد. او گروه موسیقی و گروه سرود ایجاد کرد تا به‌طور مرتب در معبد انجام وظیفه کنند (۲۵).

۴۸ سایر خدمات خیمه عبادت بعهده لایوان دیگر بود. ۴۹ ولی خدمات زیر بعهده هارون و نسل او بود: تقدیم هدایای سوختنی، سوزاندن بخور، تمام وظایف مربوط به قدس الاقداس و تقدیم قربانی‌ها برای کفاره گناهان بنی اسرائیل. آنها تمام این خدمات را طبق دستورات موسی خدمتگزار خدا انجام می‌دادند. ۵۰ نسل هارون اینها بودند: العازار، فینحاس، ایشوع، ابقی، عزی، زرحیا، ۵۲ مرویوت، امریا، اخیطوب، ۵۳ صادوق و اخیمعص.

۵۴ و ۵۵ طایفه قهات که از نسل هارون بودند، نخستین گروهی بودند که قرعه به نامشان در آمد و شهر حبرون در سرزمین یهودا با چراگاه‌های اطرافش به ایشان داده شد. ۵۶ مزارع و روستاهای اطراف آن قبلاً به کالیب پسر یفنه به ملکیت داده شده بود.)

۵۷ و ۵۸ علاوه بر شهر حبرون که از شهرهای پناهگاه بود، این شهرها نیز با چراگاه‌های اطرافش به نسل هارون داده شد: لینه، یتیر، اشتموع، حیلین، دبیر، عاشان و بیت شمس. ۶۰ از طرف قبیله بنیامین نیز شهرهای جبع، علمت و عناتوت با چراگاه‌های اطرافشان به ایشان داده شد. پس جمعاً سیزده شهر به طایفه قهات داده شد. ۶۱ همچنین برای بقیه طایفه قهات ده شهر در سرزمین غربی قبیله منسی به قید قرعه تعیین شد.

۶۲ خاندانهای طایفه جرشون سیزده شهر به قید قرعه از قبیله‌های یساکار، اشیر، نفتالی و نصف قبیله منسی در باشان دریافت نمودند.

۴۹:۶
خرو ۳۴ و ۳۳:۲۹

۵۰:۶
ا تو ا: ۶-۸۴

۵۴:۶
یوش ۲۱:۱۰ و ۱۰
۵۷-۵۵:۶
یوش ۱۴:۱۳ ؛ ۱۵:۱۳ ؛
۱۹ و ۱۳:۲۱

۵۸:۶
اعد ۳:۵
تث ۴:۴ ؛ ۱۹:۲ ؛
یوش ۲۰:۲۰

۶۱:۶
یوش ۲۱:۵
ا تو ا: ۶۶-۷۰

موعود شدند، شهرهایی را به شهرهای پناهگاه تخصیص دهند (اعداد ۳۵). هدف از ایجاد شهرهای پناهگاه، تأمین جای امن برای کسانی بود که به‌طور غیر عمد مرتکب قتل می‌شدند. زمانی که خدا این حکم را داد، شاید اهمیت آن چندان محسوس نبود، زیرا اسرائیلی‌ها حتی وارد سرزمین موعود هم نشده بودند. گاه خدا دستوراتی به ما می‌دهد که در همان لحظه احساس نمی‌کنیم که به زندگی ما مربوط می‌شوند. اما بعداً می‌توانیم به اهمیت آن دستورها پی ببریم. اگر فکر می‌کنیم که برخی از درس‌های کتاب مقدس در حال حاضر به زندگی ما مربوط نمی‌گردد، این دلیل نمی‌شود که آنها را کنار بگذاریم. اطاعت از خدا در زمان حال ممکن است فراهم‌کننده راه‌گیزی در زمان آینده باشد.

۶۱:۶ اسرائیلی‌ها قرعه می‌انداختند تا تصمیم‌گیری، بدون دخالت انسان و در دست خدا باشد. قرعه کشی مانند تاس ریختن یا آشکال دیگر قرعه ریختن صورت می‌گرفت. قرعه کشی فقط بعد از گرفتن هدایت خدا در دعا انجام می‌گرفت (برای کسب اطلاعات بیشتر درباره قرعه کشی، نگاه کنید به توضیحات مربوط به یوش ۱۸:۸).

۴۹:۶ هارون و نسل او فرامینی را که خدا در مورد عبادت از طریق موسی داده بود، دقیق و موبه‌مو اجرا کردند. آنها فقط به فرامینی عمل نکردند که اطاعت از آنها مطابق میل ایشان بود. دقت کنید که وقتی جزئیات مهم مربوط به طریقه حمل صندوق عهد نادیده گرفته شد، چه اتفاقی بر سر عزا افتاد (۱ تواریخ ۱۳:۱۰-۱۰). ما نباید به‌طور گزینشی و دلخواهی از خدا اطاعت کنیم، یعنی نباید به برخی از فرامین عمل کنیم و برخی را نادیده بگیریم. کلام خدا فقط صاحب اختیار قسمت‌هایی از زندگی که خود تعیین می‌کنیم نیست، بلکه بر تمام جوانب آن حاکمیت دارد.

۴۹:۶ برای کسب اطلاعات بیشتر درباره کاهنان، نگاه کنید به توضیحات مربوط به لایوان ۱:۸.

۵۴:۶ قبیله لاوی بر خلاف سایر قبایل بنی اسرائیل، هیچ بخشی از سرزمین موعود را به میراث نبرد. بلکه لایوان موظف بودند در سراسر کشور پخش شوند تا به همه قبایل در امر عبادت خدا کمک کنند. از این رو، در بخشهایی که به سایر قبایل اختصاص یافته بود، شهرها یا مزارعی به لایوان داده شد (یوش ۱۴:۱۳ ؛ ۲۱).

۵۸:۶ خدا به اسرائیلی‌ها گفته بود که وقتی وارد سرزمین

۶۳ از طرف قبایل رئوبین، جاد و زبولون دوازده شهر به قید قرعه به خاندانهای مراری داده شد.

۶۳:۶
یوش ۴۰-۳۴، ۷:۲۱
اتوا ۷۷:۶

۶۴ به این ترتیب بنی اسرائیل این شهرها را با چراگاههای اطرافشان به لایوان دادند. ۶۵ شهرهای اهدایی قبیله یهودا، شمعون و بنیامین نیز به قید قرعه به ایشان داده شد.

۶۴:۶
یوش ۴۲ و ۴۱، ۳:۲۱
اتوا ۶۰-۵۷:۶

۶۶-۶۹ قبیله افرایم این شهرها و چراگاههای اطراف آنها را به خاندانهای طایفه قهات داد: شکیم (یکی از شهرهای پناهگاه که در کوهستان افرایم واقع بود)، جازر، یقمعام، بیت حورون، ایلون و جت رمون. ۷۰ از سرزمین غربی قبیله منسی، دو شهر عانیر و بلعام با چراگاههای اطراف آنها به خاندانهای دیگر قهات داده شد.

۶۶:۶
یوش ۲۶-۲۰:۲۱
اتوا ۶۱:۶

۷۱ شهرهای زیر با چراگاههای اطرافشان به خاندانهای طایفه جرشون داده شد: از طرف سرزمین شرقی قبیله منسی: شهرهای جولان در زمین باشان و عشتاروت؛

۷۲ از قبیله یساکار: قادش، دابره، ۷۳ راموت، عانیم؛

۷۴ از قبیله اشیر: مش آل، عبدون، ۷۵ حقوق، رحوب؛

۷۶ از قبیله نفتالی: قادش در جلیل، حمون و قریتایم.

۷۷:۶
اتوا ۶۳:۶

۷۷ شهرهای زیر با چراگاههای اطرافشان به خاندانهای طایفه مراری داده شد: ۷۸ و ۷۹ از قبیله زبولون: رمونو و تابور؛ از قبیله رئوبین در شرق رود اردن مقابل شهر اریحا: باصر در بیابان، یهصه، قدیموت و میفعت؛ ۸۰ از قبیله جاد: راموت در ناحیه جلعاد، محنائیم، ۸۱ حشبون و یعزیر.

نسل یساکار

پسران یساکار: تولاع، فوه، یاشوب، شمرون.

۷ پسران تولاع که هر یک از آنها رئیس یک طایفه بود:

عزی، رفايا، یریئیل، یحمای، یبسام و سموئیل.

در زمان داود پادشاه، تعداد کل مردان جنگی این طایفهها ۲۲۶۰۰ نفر بود.

۳ یزرحیا پسر عزی بود. یزرحیا و چهار پسرش به نامهای میکائیل، عوبدیا، یوئیل و یشیا، هر یک رئیس طایفه‌ای بودند. ۴ آنها زنان و پسران زیادی داشتند بطوریکه توانستند ۳۶۰۰۰ مرد برای خدمت سربازی بفرستند. ۵ تعداد کل مردانی که از قبیله یساکار برای خدمت سربازی آمادگی داشتند ۸۷۰۰۰ جنگجوی زبده بود که نام تمام آنها در نسب نامه نوشته شد.

۱:۷
پیدا ۱۳:۶
اعد ۲۳:۲۶
۲:۷
اسمو ۹-۱:۲۴
اتوا ۱:۲۱

نسل بنیامین

۶ پسران بنیامین اینها بودند: بالغ، باکر و یدیئیل.

۷ پسران بالغ: اصبون، عزی، عزیئیل، یریموت، عیری. این پنج نفر رئیس

۶:۷
اتوا ۱:۸

طایفه بودند. تعداد سربازان این طوایف به ۲۲٫۳۴ نفر می‌رسید که نام آنها در نسب نامه نوشته شد.

^۸ پسران باکر: زمیره، یوعاش، الیعازار، الیوعینای، عمری، یریموت، ایبا، عناتوت و علمت. ^۹ تعداد سربازان این طایفه به ۲۰٫۲۰۰ نفر می‌رسید که نام آنها همراه نام رؤسای طوایف در نسب نامه ثبت شد.

^{۱۰} بلهان پسر یدیع‌ئیل بود. پسران بلهان اینها بودند: یعیش، بنیامین، ایهود، کنعنه، زیتان، ترشیش و اخیشاخر.

^{۱۱} اینها رؤسای طوایف یدیع‌ئیل بودند که ۱۷٫۲۰۰ مرد جنگی داشتند. ^{۱۲} شوفی‌ها و حوفی‌ها از نسل غیر بودند و حوشی‌ها از نسل احیر.

نسل نفتالی

^{۱۳} پسران نفتالی: یحیی‌ئیل، جونی، یصر و شلوم. (اینها نوه‌های بلهه، کنیز یعقوب بودند.)

۱۳:۷
پیدا ۲۵:۲۳-۴۶
اعد ۴۹:۲۶

نسل منسی

^{۱۴} پسران منسی که از کنیز او که ارامی بود، بدنیا آمدند، اسرئیل و ماخیر (پدر جلعاد) بودند. ^{۱۵} ماخیر از میان شوفی‌ها و حوفی‌ها برای خود زن گرفت. او خواهری به نام معکه داشت.

۱۴:۷
پیدا ۲۳:۵۰
اعد ۲۹:۲۶
یوش ۳۱:۱۳

صلفحاد یکی دیگر از فرزندان منسی بود که فقط چند دختر داشت. ^{۱۶} ازن ماخیر که او هم معکه نام داشت پسری زایید و نام او را فارش گذاشتند. اسم برادرش شارش بود و پسرانش اولام و راقم نام داشتند. ^{۱۷} بدان پسر اولام بود. اینها پسران جلعاد، نوه‌های ماخیر و نبیره‌های منسی بودند.

^{۱۸} همولکه (خواهر جلعاد) سه پسر بدنیا آورد به نامهای: ایشهود، ایعزر و محله.

^{۱۹} اخیان، شکیم، لقحی، انیعام پسران شمیداع بودند.

نسل افرایم

^{۲۰} و ^{۲۱} نسل افرایم به ترتیب عبارت بودند از: شوتالح، بارد، تحت، العادا، تحت، زاباد، شوتالح، عازر و العاد.

۲۰:۷
اعد ۳۵:۲۶ و ۳۶

العاد و عازر قصد داشتند گله‌های جتی‌ها را که در آن سرزمین ساکن بودند غارت کنند، ولی بدست روستایی‌های آنجا کشته شدند. ^{۲۲} پدرشان افرایم مدت زیادی برای آنها ماتم گرفت و اقوامش به دلداری او آمدند. ^{۲۳} پس از

آن، زن افرایم حامله شده پسری زایید و به یاد آن مصیبت نام او را بریعه (یعنی «فاجعه») گذاشتند.

۲۴:۷
یوش ۳:۱۶

^{۲۴} نام دختر افرایم، شیره بود. شیره، بیت حورون پایین و بالا و اوزین شیره را بنا کرد.

۲۷-۲۵:۷
خرو ۹:۱۷، ۱۳:۲۴

^{۲۵} افرایم پسر دیگری داشت به نام رافح که نسل او عبارت بودند از:

راشف، تالح، تاحن، ^{۲۶} لعدان، عمیهود، الیشمع، ^{۲۷} نون و یهوشوع.

^{۲۸} ناحیه‌ای که آنها در آن زندگی می‌کردند شامل بیت‌ئیل و روستاهای اطرافش بود که از طرف شرق تا نعران و از سمت غرب تا جازر و روستاهای حوالی آن امتداد می‌یافت. شهرهای دیگر این ناحیه شکیم و ایه با دهکده‌های اطراف آنها بودند.

۲۹:۷
یوش ۱۱:۷-۱۷

^{۲۹} قبیلهٔ منسی که از نسل یوسف پسر یعقوب بودند، شهرهای زیر و نواحی اطراف آنها را در اختیار داشتند: بیت‌شان، تعناک، مجدو و دُر.

نسل اشیر

۳۰:۷
پیدا ۱۷:۴۶
اعد ۲۶:۴۴-۴۶

^{۳۰} پسران اشیر عبارت بودند از: یمنه، یشوه، یشوی و بریعه. اشیر دختری به نام سارح نیز داشت.

^{۳۱} پسران بریعه عبارت بودند از: حابر و ملکی‌ئیل (پدر برزاوت).

^{۳۲} پسران حابر عبارت بودند از: یفلیط، شومیر و حوتام. حابر دختری به نام شوعا نیز داشت.

^{۳۳} پسران یفلیط عبارت بودند از: فاسک، بمهال و عشوت.

^{۳۴} پسران شومیر برادر یفلیط اینها بودند:

روهجه، یحبه و آرام.

^{۳۵} پسران برادر او هیلام عبارت بودند از: صوفح، یمناع، شالش و عامل.

^{۳۶} پسران صوفح عبارت بودند از: سوح، حرنفر، شوعال، بییری، یمره، ^{۳۷} باصر، هود، شما، شلشه، یتران و بثیرا.

^{۳۸} پسران یترا عبارت بودند از: یفنه، فسفا و آرا.

^{۳۹} پسران علا عبارت بودند از: آرح، حنی‌ئیل و رصیا.

^{۴۰} همهٔ فرزندان اشیر که سران طایفه‌ها بودند، جنگاورانی کار آزموده و رهبرانی برجسته محسوب می‌شدند. تعداد مردان جنگی این طایفه که در نسب نامه ثبت گردید ۲۶,۰۰۰ نفر بود.

نسل بنیامین

فرزندان بنیامین به ترتیب سن اینها بودند: بالع، اشبیل، اخرخ، ^۲نوحه و رافا.

^۳پسران بالع اینها بودند: ادار، جیرا، ابیهود، ^۴ابیشوع، نعمان، اخوخ، ^۵جیرا، شفوفان و حورام.

^۶و ^۷پسران احوود اینها بودند: نعمان، اخیا و جیرا. اینها رؤسای طوایفی بودند که در جبع زندگی می کردند، اما در جنگ اسیر شده به مناحت تبعید شدند. جیرا (پدر عزا و اخیحود) ایشان را در این تبعید رهبری کرد.

^۸و ^۹اشحرایم زنان خود حوشیم و بعرا را طلاق داد، ولی از زن جدید خود خودش در سرزمین موآب صاحب فرزندان به اسامی زیر شد:

یوباب، ظیبا، میشا، ملکام، یعوص، شکیا و مرمه. تمام این پسران رؤسای طوایف شدند.

^{۱۱}حوشیم، زن سابق شحرایم، ابیطوب و الفعل را برایش زاییده بود.

^{۱۲}پسران الفعل عبارت بودند از: عابر، مشعام و شامد. (شامد شهرهای اونو و لود و روستاهای اطراف آنها را بنا کرد.)

^{۱۳}پسران دیگر او بریعه و شامع، رؤسای طایفه‌هایی بودند که در ایلون زندگی می کردند. آنها ساکنان جت را بیرون راندند.

^{۱۴}و ^{۱۵}و ^{۱۶}پسران بریعه اینها بودند: اخیو، شاشق، یریموت، زبدیا، عارد، عادر، میکائیل، یشفه و یوخا.

^{۱۷}و ^{۱۸}افراد زیر هم پسران الفعل بودند: زبدیا، مشلام، حزقی، حابر، یشرای، یزلیاه و یوباب.

^{۱۹}و ^{۲۰}و ^{۲۱}پسران شمعی: یعقیم، زکری، زبدی، الیعینای، صلتای، ایلی‌ئیل، ادایا، برایا و شمرد.

^{۲۲}-^{۲۵}پسران شاشق: یشفان، عابر، ایلی‌ئیل، عبدون، زکری، حانان، حنیا، عیلام، عنوتیا، یفدیا و فنوئیل.

^{۲۶}پسران یرحام: شمشرای، شحریا، عتلیا، ^{۲۷}یعرشیا، ایلیا و زکری.

^{۲۸}اینها رؤسای طوایفی بودند که در اورشلیم زندگی می کردند.

^{۲۹}یعنی‌ئیل، شهر جبعون را بنا کرد و در آنجا ساکن شد. نام زن او معکه بود.

۱:۸
پیدا ۲۱:۴۶
۱ تا ۱۲:۶:۷

۲۹:۸
۱ تا ۳۸:۳۵:۹

گذشته جایز بود، اما اراده اولیه خدا این نبود: «موسی چنین گفت زیرا می دانست شما چقدر سنگدل و بی رحم هستید. اما این چیزی نبود که خداوند در آغاز خلقت در نظر داشت» (متی ۱۹:۸). تصور نکنید که هر کاری که در جاهای مختلف در کتاب مقدس به آن اشاره شده اما محکوم نشده است، مورد تأیید قرار دارد.

۱۰:۸-۱۱ در عهدعتیق گاه به طلاق و چند همسری اشاره شده، بدون آنکه انتقادی از آن شود. این بدان معنا نیست که خدا طلاق را سرسری می گیرد. ملاکی ۱۵:۲ و ۱۶ می فرماید: «پس مواظب باشید که به همسر خود خیانت نکنید. خداوند، خدای اسرائیل می فرماید: من از طلاق نفرت دارم.» مسیح تشریح کرد که گرچه طلاق در

۳۰ پسر ارشد او عبدون نام داشت و پسران دیگرش عبارت بودند از: صور، قیس، بعل، ناداب، ۳۱ جدور، اخیو، زاکر ۳۲ و مقلوت پدر شماه. تمام این خانواده‌ها با هم در شهر اورشلیم زندگی می‌کردند. ۳۳ نیر پدر قیس، و قیس پدر شائول بود.

یهوناتان، ملکیشوع، اینناداب و اشبعیل پسران شائول بودند.

۳۴ مفیوشت پسر یوناتان و میکا پسر مفیوشت بود.

۳۵ پسران میکا: فیتون، مالک، تاریخ، آحاز.

۳۶ آحاز پدر یهوعدده، و یهوعدده پدر علمت و عزموت و زمری بود. زمری پدر موصا بود.

۳۷ موصا پدر بنعا، بنعا پدر رافه، رافه پدر العاسه و العاسه پدر آصیل بود.

۳۸ آصیل شش پسر داشت: عزریقام، بکرو، اسماعیل، شعریا، عوبدیا و حانان.

۳۹ عیشق برادر آصیل سه پسر داشت: اولام، یعوش و ایفلط.

۴۰ پسران اولام جنگاورانی شجاع و تیراندازانی ماهر بودند. این مردان ۱۵۰ پسر و نوه داشتند، و همه از قبیله بنیامین بودند.

۳- یهودیانی که از تبعید در بابل بازگشتند

۹ اصل و نسب تمام اسرائیلی‌ها در کتاب «تاریخ پادشاهان اسرائیل»

نوشته شد.

مردم یهودا بسبب بت‌پرستی به بابل تبعید شدند. نخستین گروهی که از تبعید بازگشتند و در شهرهای قبلی خود ساکن شدند، شامل خاندانهایی از قبایل

۱:۹

۱ پاد ۱۹:۱۴

۲ پاد ۱۸:۱

۲:۹

عز ۲:۴، ۵۸:۴۳، ۲۰:۸

نح ۱۱:۳-۲۲

یک ملت، برای او اهمیت ویژه‌ای دارد. اطاعت از خدا درست همان چیزی بود که باعث شده بود اسرائیلی‌ها به قومی بزرگ تبدیل شوند.

۱:۹ عواقب بت‌پرستی گریبانگیر تمام قوم یهودا شد. بت‌پرستی صرفاً سجده کردن در مقابل مجسمه‌های چوبی یا سنگی نیست؛ اهمیت بیشتر دادن به هر چیزی به غیر از خدا، بت‌پرستی است، نظیر ثروت، پول، شهرت، یا حتی یک دوست خوب یا نیکوکاری درخور تحسین. با آنکه همه در یهودا بت‌پرست نبودند، اما همه قوم به اسارت برده شدند. گناه عده‌ای، بر همه اثر گذاشت. حتی اگر ما در گناهی که عمومیت دارد سهیم نباشیم، اما باز از کسانی که مرتکب آن می‌شوند، تأثیر خواهیم پذیرفت. کافی نیست که بگوییم: «مرتکب این گناه نمی‌شوم.» ما باید علناً مخالفت خود را با گناهان اجتماع خود بیان داریم.

۲:۹ فقط دو قبیله از ۱۲ قبیله اسرائیل از تبعید بازگشتند، یعنی یهودا و بنیامین (عزرا ۱:۵).

۳۳:۸ شائول، اولین پادشاه اسرائیل، زندگی متناقضی داشت. ماجرای او در اسموئیل ۹-۳۱، و خصوصیات شخصیتی‌اش در توضیحات مربوط به فصل ۱۳ از کتاب اول سموئیل یافت می‌شود. یوناتان، پسر شائول، درست در نقطه مقابل پدرش بود. با آنکه او وارث برحق تاج و تخت بود، اما تشخیص داد که داود، همان کسی است که خدا برای پادشاهی بر اسرائیل برگزیده است. یوناتان به‌جای حسادت به داود، دوست او شد و حتی به داود کمک کرد تا از سوء قصدهای شائول برای قتل او، بگریزد. ماجرای یوناتان در اسموئیل ۱۴-۳۱ نقل شده است. خصوصیات شخصیتی او در توضیحات فصل ۲۱ از کتاب اسموئیل یافت می‌شود.

۱:۹ از نظر ترتیب تاریخی، این فصل می‌توانست در پایان کتاب دوم تواریخ قرار بگیرد، زیرا به نام تبعیدی‌هایی اشاره می‌کند که از اسارت در بابل بازگشتند. نویسنده کتاب تواریخ این فصل را در اینجا گنجانده تا نشان دهد قوم در زمان او و نیاز ایشان به اطاعت از خدا همچون

اسرائیل، کاهنان، لاویان و خدمتگزاران خانه خدا بودند. ^۳ از قبیله‌های یهودا، بنیامین، افرایم و منسی عده‌ای به اورشلیم بازگشتند تا در آنجا ساکن شوند. ^۴ و ^۵ ۶۹۰ نفر بودند در اورشلیم سکونت گزیدند:

خاندان عوتای (عوتای پسر عمیهود، عمیهود پسر عمری، عمری پسر امری، امری پسر بانی بود) از طایفه فارص (فارص پسر یهودا بود)؛
خاندان عسایا (عسایا پسر ارشد شیلون بود) از طایفه شیلون؛
خاندان یعوئیل از طایفه زارح.

^۷ و ^۸ ۹۵۶ نفر بودند در اورشلیم سکونت گزیدند:

خاندان سلو (سلو پسر مشلام نوۀ هودویا نبیره هسنوآه بود)؛
خاندان یینیا (یینیا پسر یروحام بود)؛
خاندان ایله (ایله پسر عزری و نوۀ مکری بود)؛
خاندان مشلام (مشلام پسر شفطیا نوۀ رعوئیل و نبیره یینیا بود).

^{۱۰} و ^{۱۱} کاهنانی که در اورشلیم ساکن شدند، اینها بودند:

یدعیاء، یهویاریب، یاکین و عزریا (پسر حلقیا، حلقیا پسر مشلام، مشلام پسر صادوق، صادوق پسر مرایوت، مرایوت پسر اخیطوب). عزریا سرپرست خانه خدا بود.

^{۱۲} یکی دیگر از کاهنان عداایا نام داشت. (عدایا پسر یروحام، یروحام پسر فشحور، فشحور پسر ملکیا بود).

کاهن دیگر معسای بود. (معسای پسر عدی‌ئیل، عدی‌ئیل پسر یحزیره، یحزیره پسر مشلام، مشلام پسر مشلیمیت، مشلیمیت پسر امیر بود).

^{۱۳} این کاهنان و خاندانهایشان جمعاً ۱۷۶۰ نفر می‌شدند. همگی ایشان شایستگی خدمت در خانه خدا را داشتند.

^۴ و ^۵ و ^۶ لاویانی که در اورشلیم ساکن شدند عبارت بودند از:

شمعیاء (پسر حشوب، نوه عزریقام و نبیره حشیا که از طایفه مراری بود)؛
بقبقر؛ حارش؛ جلال؛

متتیا (پسر میکا، نوه زکری و نبیره آساف)؛

عوبدیا (پسر شمعیاء، نوۀ جلال و نبیره یدوتون)؛

برخیا (پسر آسا و نوۀ القانه که در ناحیه نطوفاتیان ساکن بود).

۹:۹
نح ۸:۱۱

۱۰:۹
نح ۱۴:۱۰-۱۱
ار ۱:۲۰

۱۴:۹
نح ۱۹:۱۵-۱۱

سرپرست معبد بود، و از بین سایر اشخاص که سمت‌های مهم‌تری داشتند، فقط به او اشاره شده است. هر سمتی که در کلیسا دارید، برای خدا حائز اهمیت است.

۱۱ و ۱۰:۹ وقتی ما به خدمت خدا فکر می‌کنیم، معمولاً خدماتی همچون موعظه، تعلیم، سرودخوانی، و سایر سمت‌های مشخص رهبری به ذهن ما می‌رسد. اما عزریا

۱۷:۹ جز ۲وا:۴۶	۱۸ و ۱۷ نگهبانانی که در اورشلیم ساکن شدند عبارت بودند از:
۲۰:۹ اعد ۱۳:۷:۲۵	شلوم (رئیس نگهبانان)، عقوب، ظلمون و اخیمان که همه لاوی بودند. ایشان هنوز مسئول نگهبانی دروازه شرقی کاخ سلطنتی هستند. ^{۱۹} نسل شلوم از قوری و ابیاساف به قورح می‌رسید. شلوم و خویشاوندان نزدیکش که از نسل قورح بودند جلو دروازه خانه خدا نگهبانی می‌دادند، درست همانطور که اجدادشان
۲۰:۹ اعد ۱۳:۷:۲۵ ۲۱:۹ اتوا ۱۴:۲:۲۶	مسئول نگهبانی در ورودی خیمه عبادت بودند. ^{۲۰} در آن زمان فینحاس پسر العازر، بر کار آنها نظارت می‌کرد و خداوند با او بود. ^{۲۱} از کریا پسر مشلمیا مسئول نگهبانی در ورودی خیمه عبادت بود.
۲۲:۹ اتوا ۱:۲۶ اتوا ۱۸ و ۱۵:۳۱	۲۲ تعداد نگهبانان ۲۱۲ نفر بود. آنها مطابق نسب نامه‌هایشان از روستاها انتخاب شدند. اجداد آنها بوسیله داود پادشاه و سموئیل نبی به این سمت تعیین شده بودند.
۲۵:۹ پاد ۷:۵:۱۱ اتوا ۸:۲۳	۲۳ مسئولیت نگهبانی دروازه‌های خانه خداوند بعهده آنها و فرزندانشان گذاشته شده بود. ^{۲۴} این نگهبانان در چهار طرف خانه خداوند شرق و غرب، شمال و جنوب
۲۵:۹ پاد ۷:۵:۱۱ اتوا ۸:۲۳	مستقر شدند. ^{۲۵} خویشاوندان ایشان که در روستاها بودند هر چند وقت یکبار برای یک هفته بجای آنها نگهبانی می‌دادند. ^{۲۶} ریاست نگهبانان را چهار لاوی بعهده داشتند که شغل‌هایشان بسیار حساس بود. آنها مسئولیت اطاقها و خزانه‌های خانه

به خدا از خود نشان می‌دهند (همچنین نگاه کنید به ا تیموتاؤس ۳:۲-۷).

۲۲:۹-۳۲ کاهنان و لاویان وقت زیادی برای عبادت می‌گذاشتند و توجه بسیاری به آن مبذول می‌داشتند. آنها نه تنها وظایف نسبتاً دشواری را انجام می‌دادند (شرح این وظایف در لاویان ۱-۹ آمده است)، بلکه از لوازم کوچک و بزرگ و متعدد معبد نیز نگهداری می‌کردند. هر چیزی که به عبادت مربوط بود، به دقت آماده و نگهداری می‌شد تا هم مردم و هم ایشان، بتوانند با متمرکز ساختن فکر و دل خود بر خدا، به عبادت بپردازند.

در دنیای شلوغ ما، خیلی ساده است که هفته‌ای یک ساعت بدون آنکه از قبل به فکر عبادت باشیم، با عجله عبادت خود را انجام دهیم. در این یک ساعت ما به یاد مشکلاتی می‌افتیم که در طول هفته داشته‌ایم؛ درباره چیزهایی دعا می‌کنیم که به ذهنمان خطور می‌کند؛ و به کلمات سرودی که می‌خوانیم، فکر نمی‌کنیم. اما خدا می‌خواهد که عبادت ما با نظم و ترتیب انجام شود (اقرنتیان ۱۴:۴۰). درست همان طور که ما خود را برای ملاقات نامزد خود یا مهمانان آماده می‌کنیم، باید با دقت خود را برای ملاقات با پادشاه خود آماده سازیم.

۱۷:۹ و ۱۸ نگهبانان از چهار ورودی اصلی معبد محافظت می‌کردند و هر روز صبح دروازه‌ها را به روی کسانی که می‌خواستند برای عبادت وارد معبد شوند، می‌گشودند. به علاوه، آنها سایر کارهای روزانه را نیز انجام می‌دادند تا معبد بی‌وقفه به کار خود ادامه دهد؛ آنها معبد را تمیز می‌کردند، قربانی‌ها را برای تقدیم آماده می‌ساختند، و مسئولیت هدایای نقدی را که به معبد هدیه می‌شد، بر عهده داشتند (۹:۲۲-۳۲).

نگهبانان می‌بایست افرادی قابل اعتماد، صادق، و وفادار باشند (۹:۲۶). افرادی که در کلیسای شما مسئول هدایا هستند و به کارهای مربوط به نگهداری از وسایل ساختمان کلیسا و اموری که در آن انجام می‌شود علاقمندند، خدمت بزرگی می‌کنند و باید آنها را به خاطر قابل اعتماد بودن و خدمتی که انجام می‌دهند، ستود.

۲۲:۹ نگهبانان «مطابق نسب‌نامه‌هایشان» انتخاب شده بودند. اگر از روی اسناد مربوط به نسب‌نامه‌ها ثابت نمی‌شد که فرد از نسل ابراهیم است، او برای کار در معبد واجد شرایط شمرده نمی‌شد. اگر نام او در اسناد مربوطه وجود داشت، تنها در صورت قابل اعتماد و امین بودن، انتخاب می‌شد. ما باید از همین اصل برای انتخاب خادمین و کارمندان کلیساهای خود پیروی کنیم و کسانی را بر گزینیم که قابل اعتمادند و ایمان و وفاداری عمیقی

خدا را بعهدہ داشتند.^{۲۷} خانه‌های ایشان نزدیک خانه خدا بود چون می‌بایست آن را نگهداری می‌کردند و هر روز صبح زود دروازه‌ها را باز می‌نمودند.

^{۲۸} بعضی از لایوان مسئول نگهداری ظروفی بودند که برای قربانی کردن از آنها استفاده می‌شد. هر بار که این ظروف را به جای خود برمی‌گرداندند، با دقت آنها را می‌شمردند تا گم نشوند.^{۲۹} دیگران مأمور حفظ ااث خانه خدا و نگهداری از آرد نرم، شراب، روغن زیتون، بخور و عطریات بودند.^{۳۰} بعضی از کاهنان، عطریات تهیه می‌کردند.^{۳۱} متتیا (یکی از لایوان و پسر بزرگ شلوم قورحی)، مسئول پختن نانی بود که به خدا تقدیم می‌شد.^{۳۲} بعضی از افراد خاندان قهات مأمور تهیه نان مقدس روز سبت بودند.

^{۳۳} برخی از خاندان‌های لایو مسئولیت موسیقی خانه خدا را بعهدہ داشتند. سران این خاندانها در اتاقهایی که در خانه خدا بود، زندگی می‌کردند. ایشان شب و روز آماده خدمت بودند و مسئولیت دیگری نداشتند.

^{۳۴} تمام افرادی که در بالا نام برده شدند، طبق نسب نامه‌هایشان، سران خاندانهای لایو بودند. این رهبران در اورشلیم زندگی می‌کردند.

۲۷:۹

توا ۲۳:۳۰-۳۲

۲۹:۹

توا ۲۳:۲۹

۳۰:۹

خرو ۳۰:۲۳-۲۵

۳۲:۹

لاو ۲۴:۸۵

۳۳:۹

توا ۶:۳۱-۳۲، ۲۵:۱

نسب‌نامه شائول

^{۳۵} یعنی ئیل شهر جبعون را بنا کرد و در آنجا ساکن شد. نام زن او معکه بود.

^{۳۶} پسر ارشد او عبدون و پسران دیگرش عبارت بودند از: صور، قیس، بعل، نیر، ناداب،^{۳۷} جدور، اخیو، زکریا و مقلوت.^{۳۸} مقلوت پدر شمام بود. این خانواده‌ها با هم در اورشلیم زندگی می‌کردند.

^{۳۹} نیر پدر قیس، قیس پدر شائول، و شائول پدر یوناتان، ملکیشوع، اینناداب و اشبل بود.

^{۴۰} یوناتان پدر مفیوشت، مفیوشت پدر میکا،^{۴۱} میکا پدر فیتون، مالک، تحریرع و آحاز،^{۴۲} آحاز پدر یعره، یعره پدر علمت، عزموت و زمری، زمری پدر موصا،^{۴۳} موصا پدر بنعا، بنعا پدر رفایا، رفایا پدر العاسه و العاسه پدر آصیل بود.

^{۴۴} آصیل شش پسر داشت به اسامی:

عزریقام، بکرو، اسماعیل، شعریا، عوبدیا و حانان.

۳۵:۹

توا ۸:۲۹-۳۲

۳۹:۹

توا ۸:۳۳-۳۸

۴۱:۹

توا ۸:۳۵-۳۷

حضور و هدایت خدا آگاه باشیم و فکرمان متوجه خدمت به او باشد، می‌توانیم در همه اوقات عبادت کنیم. ما باید تمام زندگی خود را حول عبادت بنا کنیم، نه آنکه آن را فقط جزئی از برنامه شلوغ روزانه‌مان بسازیم.

۳۳:۹ و ۳۴:۹ برای بسیاری از اسرائیلی‌ها که خدمتشان در خانه خدا بود، عبادت مهم‌ترین جایگاه را در زندگی‌شان داشت. عبادت باید قسمت اصلی زندگی ما را تشکیل دهد، نه اینکه فقط چند دقیقه در هفته را به آن اختصاص دهیم. ما نیز اگر در هر شرایطی از

ب - سلطنت داود (۱:۱۰ تا ۲۹:۳۰)

داود بر تمامی اسرائیل پادشاه می‌شود و شهر اروشلیم را تسخیر می‌کند. خدا به او و به قوم وعده برکت می‌دهد، اما اجازه ساخت معبد را به او نمی‌دهد. در عوض، او مقدمات ساخت آن را فراهم می‌سازد. داود با وجود افت و خیزهای گاه و بیگاه، قدم به قدم با خدا راه می‌رود، و صادقانه می‌خواهد که مطیع خدا باشد. از موفقیت‌ها و شکست‌های داود می‌آموزیم که چقدر مهم است که تمامی قلب خود را به خدا تسلیم کنیم و به او اجازه بدهیم که در مرکز زندگی ما قرار بگیرد؛ همچنین می‌آموزیم که تلاش هر روزه برای اطاعت از اراده او تا چه حد مهم است.

۱ - داود پادشاه تمامی اسرائیل می‌شود
مرگ شائول

۱۰
فلسطینی‌ها با اسرائیلی‌ها وارد جنگ شدند و آنها را شکست دادند. اسرائیلی‌ها فرار کردند و در دامنه کوه جلبوع تلفات زیادی بجای گذاشتند.^۱ فلسطینی‌ها شائول و سه پسر او یوناتان، ابیناداب و ملکیشوع را محاصره کردند و هر سه را کشتند.^۲ عرصه بر شائول تنگ شد و تیراندازان فلسطینی دورش را گرفتند و او را مجروح کردند.^۳ شائول به محافظ خود گفت: «پیش از اینکه بدست این کافرها بیفتم و رسوا شوم، تو با شمشیر خودت مرا بکش!»^۴ ولی آن مرد ترسید اینکار را نکند. پس شائول شمشیر خودش را گرفته، خود را بر آن انداخت و مرد.^۵ محافظ شائول چون او را مرده دید، او نیز خود را روی شمشیرش انداخت و مرد.^۶ شائول و سه پسر او با هم مردند و به این ترتیب خاندان سلطنتی شائول برافتاد.^۷ وقتی اسرائیلی‌های ساکن دره یزرعیل شنیدند که سپاه اسرائیل شکست خورده و شائول و پسرانش کشته شده‌اند، شهرهای خود را ترک کردند و گریختند. آنگاه فلسطینی‌ها آمدند و در آن شهرها ساکن شدند.^۸ روز بعد که فلسطینی‌ها برای غارت کشته‌شدگان رفتند، جنازه شائول و پسرانش را در کوه جلبوع پیدا کردند.^۹ آنها اسلحه شائول را گرفتند و سر او را از تن جدا کرده، با خود بردند. سپس اسلحه و سر شائول را به سراسر فلسطین فرستادند تا خبر کشته شدن شائول را

۱:۱۰
اسمو ۱:۳۱۲:۱۰
اسمو ۲:۳۱۹:۱۰
اسمو ۹:۳۱

۱:۱۰ شرح سرگذشت پادشاهان اسرائیل را آغاز می‌کند. کتاب اول تواریخ با مرگ شائول شروع می‌شود، اما کتاب اول سموئیل تمام سالهای سلطنت او را در بر دارد.

۱:۱۰ وقایع فصل‌های ۹-۱، تاریخ اسرائیل را از خلقت تا تبعید به بابل (۵۸۶ ق.م.) فرا می‌گیرد. و حالا، نویسنده با اشاره به نخستین پادشاه اسرائیل، یعنی شائول،

به بتها و مردم فلسطین برسانند.^{۱۰} آنها اسلحه شائول را در معبد خدایان خود گذاشتند و سرش را به دیوار معبد بت داجون آویختند.

^{۱۱} وقتی ساکنان یابیش جلعاد شنیدند که فلسطینی‌ها چه بلایی بر سر شائول آورده‌اند،^{۱۲} مردان دلاور خود را فرستادند و ایشان جنازه شائول و سه پسر او را به یابیش جلعاد آوردند و آنها را زیر درخت بلوط بخاک سپردند و یک هفته برای ایشان روزه گرفتند.

^{۱۳} مرگ شائول به سبب نافرمانی از خداوند و مشورت با احضار کننده ارواح بود.^{۱۴} او از خداوند هدایت نخواست و خداوند هم او را نابود کرد و سلطنتش را به داود پسر یسی داد.

۱۳:۱۰

اسمو ۱۳:۱۳ و ۱۴
۷:۲۸ و ۱۳:۱۵

۱۴:۱۰

اسمو ۲۸:۱۵

توا ۱۲:۲۳

هم تعمدی است و هم سهوی. کافی نیست که فقط از هر چیزی که نادرست است اجتناب کنیم، بلکه باید فعالانه و آگاهانه هر چیزی را که درست است، تعاقب کنیم.

۱۴:۱۰ و ۱۳:۱۴ آیا شائول هیچ وقت از خدا طلب هدایت کرد؟ در **اسموئیل ۵:۲۸** شائول طلب هدایت کرد، اما مطابق این آیات او چنین نکرد. پاسخ این تناقض آشکار در درک انگیزه‌های شائول نهفته است. او زمانی به‌ناچار از خدا درخواست می‌کرد که خودش همه چیز را به روش خودش آزموده بود. او هرگز به خدا متوسل نشد مگر وقتی که هیچ راه دیگری وجود نداشت که به آن روی آورد. و وقتی در آخر از خدا سؤال کرد، خدا از پاسخ دادن به او اجتناب ورزید. شائول فقط از روی انگیزه‌های خودخواهانه خدا را پیروی می‌کرد، و خدا او را به‌خاطر سرسختی و سرکشی همیشگی‌اش رد نمود.

۱۴:۱۰ در طول بیشتر سالهای سلطنت شائول، داود مجبور بود خود را از او مخفی کند (**اسموئیل ۱۹-۳۰**). در این مدت، داود فرصت‌هایی داشت که شائول را بکشد (**اسموئیل ۲۴ و ۲۶**) و تاج و تختی را که خدا به او وعده داده بود، به دست گیرد (**اسموئیل ۱:۱۶-۱۳**). اما داود به وعده خدا اعتماد داشت که بر طبق آن، او در زمان مناسبی که خدا مقرر کرده پادشاه خواهد شد. با داود نبود که تصمیم بگیرد چه وقتی سلطنت شائول به پایان برسد. با این پیکار، خدا به سلطنت شائول درست زمانی که وعده داده بود، خاتمه داد.

۱۴:۱۰ چرا این آیه می‌گوید: «خداوند هم او را نابود کرد»، در حالی که شائول خودش به زندگی‌اش پایان داد (**اسموئیل ۳۱:۴۰**)؟ خدا شائول را به‌خاطر سرسختی و سرکشی‌اش رد کرده بود (**اسموئیل ۲۲:۱۵ و ۲۳**) و او را به‌خاطر گناهانش مجازات نموده بود (**اسموئیل ۱۶:۲۸-۱۹**). خدا تربیتی داد که شائول در جنگ شکست بخورد و بمیرد و پادشاهی‌اش از خاندان او گرفته شود. اگر شائول خودش به زندگی‌اش پایان نمی‌داد، سربازان فلسطینی او را می‌کشتند.

۱۰:۱۰ فلسطینی‌ها معتقد بودند که داجون، مهم‌ترین بت ایشان، باران می‌باراند و باعث فراوانی محصول می‌شود. وقتی فلسطینی‌ها در سرزمین حاصل‌خیز کنعان ساکن شدند، معابدی را برای داجون ساختند. در زمان خشکسالی، مردم به داجون التماس می‌کردند که به آنها رحم کند، و حتی تا مرحله قربانی کردن فرزندانشان در معابد او پیش می‌رفتند. در زمان فراوانی، برای برگزاری انواع وحشیانه برنامه‌های تفریحی، نظیر تمسخر و تحقیر اسراء از معابد استفاده می‌شد (**داوران ۱۶:۲۳-۳۰**). اما داجون، مانند سایر بتها، در مقابل خدای حقیقی و یکتا ناتوان بود (**اسموئیل ۵:۷-۱**).

۱۱:۱۰ و ۱۲ اقدام قهرمانانه رزمندگانی که اجساد شائول و پسرانش را باز گرداندند و دفن کردند، باید ما را ترغیب کند که به رهبرانی که خدا به ما داده، احترام بگذاریم. داود به مقام شائول احترام می‌گذاشت، حتی زمانی که شائول شرارت می‌ورزید و آشکارا با او دشمنی می‌کرد (**اسموئیل ۲۶**). چقدر آسان است که از کسانی که در رأس کلیسا قرار دارند انتقاد کنیم و فقط ضعف‌های آنها را مورد توجه قرار دهیم. ما نباید گناه را نادیده بگیریم، اما باید به مقام کسانی که در رأس قرار دارند احترام بگذاریم، چه این اشخاص مقامات کلیسایی باشند، چه مقامات دولتی. در **۱ تسالونیکیان ۲:۱۵ و ۱۳** دستورالعمل‌هایی برای احترام گذاشتن به رهبران کلیسایی ارائه شده است. در رومیان **۱:۱۳** نیز دستورالعمل‌هایی در مورد احترام به رهبران حکومتی داده شده است.

۱۳:۱۰ و ۱۴ ناطاعتی شائول، هم جنبه تعمدی داشت و هم جنبه سهوی؛ او نه تنها مرتکب خطا شد، بلکه **از انجام عمل دست نیز غفلت ورزید**. او با تلاش برای ارتکاب قتل، نادیده گرفتن دستورهای خدا، و هدایت گرفتن از یک جادوگر، عمداً از خدا ناطاعتی کرد. او در امر اداره کشور، از طلبیدن هدایت خدا غفلت ورزید و با این کار سهواً از خدا ناطاعتی کرد. اطاعت نیز همچون ناطاعتی،

داود اورشلیم را تسخیر می کند

۱۱ رهبران اسرائیل به حبرون نزد داود رفتند و به او گفتند: «ما گوشت و استخوان تو هستیم؛^۲ حتی زمانی که شائول پادشاه بود، سپاهیان ما را تو به جنگ می بردی و بسلامت بر می گرداندی؛ و خداوند، خدایت فرموده است که تو باید شبان و رهبر قوم او باشی.»

۳ پس در حبرون داود در حضور خداوند با رهبران اسرائیل عهد بست و ایشان همانطور که خداوند به سموئیل فرموده بود، او را بعنوان پادشاه اسرائیل انتخاب کردند. سپس داود و آن رهبران به اورشلیم که محل سکونت یبوسی ها بود و یبوس نیز نامیده می شد، رفتند. ^۴ولی اهالی یبوس از ورود آنها به شهر جلوگیری کردند. پس داود قلعه صهیون را که بعد به «شهر داود» معروف شد، تسخیر کرد و به افراد خود گفت: «اولین کسی که به یبوسی ها حمله کند، فرمانده سپاه خواهد شد.» یوآب پسر صرویه اولین کسی بود که به یبوسی ها حمله کرد؛ پس مقام فرماندهی سپاه داود به او داده شد. ^۵داود در آن قلعه ساکن شد و بهمین جهت آن قسمت از شهر اورشلیم را شهر داود نامیدند.

^۶داود بخش قدیمی شهر را که اطراف قلعه بود به سمت بیرون وسعت داد و یوآب بقیه شهر اورشلیم را تعمیر کرد. ^۷به این ترتیب روز بروز بر قدرت و نفوذ داود افزوده می شد، زیرا خداوند، خدای قادر متعال با او بود.

۱:۱۱

اسمو ۵:۳۱، ۶:۳

۲:۱۱

اسمو ۵:۲، ۷:۷

۳:۱۱

اسمو ۱:۱۶، ۲:۳، ۱۳ و ۱۳

۴:۱۱

یوش ۱۵:۳۸، ۲۱:۱

۶:۱۱

اسمو ۸:۱۶

۹:۱۱

اسمو ۳:۱۳

دلایل نظامی انتخاب کرد. اورشلیم نزدیک مرکز کشور بود و به خاطر قرار داشتن بر روی مرز جداکننده قبایل از هم، در قلمرو «بی طرف» واقع بود. از این رو موقعیت جغرافیایی اورشلیم حسادت های قبیله ای را کاهش می داد. از طرفی، اورشلیم روی کوه بلندی قرار داشت که حمله به آن را مشکل می ساخت (برای کسب اطلاعات بیشتر در باره شهر اورشلیم، مراجعه کنید به توضیحات مربوط به ^۲اسموئیل ۶:۵).

۹:۱۱ قدرت و شهرت داود پادشاه در نتیجه مستقیم توکل همیشگی او به خدا افزایش می یافت. برعکس، از قدرت و شهرت شائول پادشاه کاسته می شد، زیرا او همه افتخارات را برای خودش می خواست و خدا را نادیده می گرفت (اسموئیل ۱۵:۱۷-۲۶). آنانی که در فکر کسب اسم و رسم برای خود هستند، در خطر از دست دادن همان شهرتی هستند که در آرزوی آنند. ما باید به فکر پرهیزکاری، صداقت، و فضیلت باشیم، و شهرت را به خدا واگذار کنیم.

۱۱:۲۱ جزئیات مربوط به نحوه به قدرت رسیدن داود، در دوم سموئیل به طور کامل تری بیان شده است. کتاب تواریخ تأکید می کند که با آنکه داود برای رسیدن به قدرت، از تلاشهای افراد متعدد، حتی از بعضی از افراد خانواده شائول سود جست، اما خدا بود که او را به قدرت رساند. خدا هنوز بر تاریخ حاکمیت مطلق دارد، و وقایعی را که در تاریخ روی می دهد، در راستای انجام اراده اش هدایت می کند. کتاب تواریخ نشان می دهد که مهم نیست که انسان ها برای سد کردن کار خدا چه کارهایی انجام می دهند، زیرا خدا در هر صورت بر همه وقایع کنترل دارد و اراده اش را به واسطه آنها عملی می کند.

۱۱:۴۳ داود پیش از تسخیر اورشلیم، به مدت هفت سال و نیم پادشاه یهودا بود. وقتی بالاخره پادشاه تمام اسرائیل شد، ۲۰ سال از زمانی که سموئیل او را مسح کرده بود، می گذشت (اسموئیل ۱:۱۶-۱۳). وعده های خدا ارزش انتظار کشیدن را دارد.

۱۱:۴ داود اورشلیم را هم بنا به دلایل سیاسی و هم

شجاع ترین جنگجویان داود

این است اسامی سربازان شجاع داود که همراه قوم اسرائیل او را مطابق کلام خداوند، پادشاه خود ساختند و سلطنت او را استوار نمودند:

^{۱۱}یشبعام (مردی از اهالی حکمون) فرمانده افسران شجاع داود پادشاه بود. او یکبار با نیزه خود سیصد نفر را کشت.

^{۱۲}العازار پسر دودو، از خاندان اخوخ در رتبه دوم قرار داشت. ^{۱۳}او در جنگی که با فلسطینی‌ها در فسدمیم در گرفت، داود را همراهی می‌کرد. در محلی که مزرعه جو بود، سپاه اسرائیل در برابر فلسطینی‌ها تاب نیاوردند و پا به فرار گذاشتند، ^{۱۴}ولی العازار و افرادی در آن مزرعه جو در برابر فلسطینی‌ها ایستادگی کردند و آنها را شکست دادند و خداوند پیروزی بزرگی نصیب ایشان نمود.

^{۱۵}درحالی که عده‌ای از فلسطینی‌ها در دره رفائیم اردو زده بودند، سه نفر از سی سردار شجاع داود پیش او که در غار عدولام پنهان شده بود، رفتند. ^{۱۶}داود در پناهگاه خود بود و اردوی فلسطینی‌ها در بیت لحم مستقر شده بود. ^{۱۷}در این هنگام داود گفت: «چقدر دلم می‌خواهد از آب چاهی که نزدیک دروازه بیت لحم است بنوشم!» ^{۱۸}پس آن سه سردار قلب اردوی فلسطینی‌ها را شکافته، از آن گذشتند و از آن چاه آب کشیدند و برای داود آوردند. ولی داود آن آب را ننوشید، بلکه آن را چون هدیه به حضور خداوند ریخت ^{۱۹}و گفت: «نه ای خدا، من این آب را نمی‌نوشم! این آب، خون این سه نفر است که برای آوردنش جان خود را به خطر انداختند.»

^{۲۰}ایشای برادر یوآب، فرمانده آن سه نفر بود. او یکبار با کشتن سیصد نفر با نیزه خود، مانند آن سه نفر معروف شد. ^{۲۱}هر چند ایشای رئیس آن سه دلاور و معروفتر از ایشان بود، ولی جزو آن سه نفر محسوب نمی‌شد.

^{۲۲}بنایا پسر یهویداع اهل قبصئیل، سرباز معروفی بود و کارهای متهورانه انجام می‌داد. بنایا دو سردار معروف موآبی را کشت. او همچنین در یک

۱۰:۱۱
۲ سمو ۳۹:۲۳
۱ توآ ۳:۱۱

۱۱:۱۱
۲ سمو ۸:۲۳
۲ توآ ۲:۲۷

۱۲:۱۱
۱ توآ ۴:۲۷

۱۳:۱۱
۲ سمو ۱۱:۲۳ و ۱۲

۱۵:۱۱
۱ توآ ۹:۱۴
۱ سمو ۱۶:۱۱
۱ سمو ۵:۱۰

۲۲:۱۱
۲ سمو ۱۸:۸

خشنود ساختن داود به خطر انداختند. داود تشخیص داد که وفاداری آنها به او برخاسته از وفاداری آنها به خدا است. از اینرو آب را به‌عنوان هدیه آشامیدنی روی زمین ریخت تا نشان دهد که تنها خدا شایسته چنین وفاداری‌ای است. آنها آب را به داود دادند، و داود هم آن را به خدا داد. درست همان‌طور که این مردان برای خدمت به داود دست به جانبازی زدند، ما نیز برای خدمت به سایر مسیحیان، باید علائق خود را کنار بگذاریم (۱ یوحنا ۳:۱۶). با خدمت به دیگران، خدا را نیز خدمت می‌کنیم.

۱۴:۱۲-۱۴:۱۱ اقدام العازار روند جنگ را تغییر داد. وقتی همه کسانی که در اطرافش بودند فرار کردند، او در آن مزرعه ایستادگی کرد و خداوند او را نجات داد. در هر جنگ و کشمکش، ترس می‌تواند ما را از ایستادگی برای خدا و سهم شدن در پیروزی‌های او باز دارد. در برابر ترس خود بایستید. اگر در خدا استوار باشید و در راه او ایستادگی کنید، پیروزی نصیبتان خواهد شد.

۱۵:۱۱ این سی سردار، شجاع‌ترین و بلند پایه‌ترین افسران سپاه داود بودند.

۱۹-۱۵:۱۱ این سه مرد جان خود را فقط برای

روز برفی به حفره‌ای داخل شد و شیری را کشت. ^{۳۳} یکبار با یک چوبدستی یک جنگجوی مصری را که قدش دو متر و نیم و نیزه‌اش به کلفتی چوب نساجان بود، از پای درآورد. آن مصری نیزه‌ای در دست داشت و بنایا نیزه را از دست او ربود و وی را با آن نیزه کشت. ^{۳۴} این بود کارهای بنایا که او را مانند سه سردار ارشد معروف ساخت. ^{۳۵} او از آن سی نفر معروف‌تر بود ولی جزو سه سردار ارشد محسوب نمی‌شد. داود او را به فرماندهی گارد سلطنتی گماشت.

^{۲۶-۴۷} سربازان معروف دیگر داود پادشاه اینها بودند:

عسائیل (برادر یوآب)،
 الحانان (پسر دودو) اهل بیت لحم،
 شموت اهل هرور،
 حالص اهل فلونی،
 عیرا (پسر عقیش) اهل تقوع،
 ایعزر اهل عناتوت،
 سبکای اهل حوشات،
 عیلائی اهل اخوخ،
 مهرای اهل نطوفات،
 خالد (پسر بعنه) اهل نطوفات،
 اتای (پسر ریبای) از جبعه بنیامین،
 بنایا اهل فرعاتون،
 حورای اهل وادی‌های جاعش،
 ابی‌ئیل اهل عربات،
 عزموت اهل بحروم،
 الیحبای اهل شعلبون،
 پسران هاشم اهل جزون،
 یوناتان (پسر شاجای) اهل حرار،
 اخیام (پسر ساکار) اهل حرار،
 الیفال (پسر اور)،
 حافر اهل مکررات،
 اخیا اهل فلون،
 حصرو اهل کرمل،
 نعرای (پسر ازبای)،
 یوئیل (برادر ناتان)،

مبحار (پسر هجری)،
 صالح اهل عمون،
 نحرای اهل بیروت (او سلاحدار سردار یوآب بود)،
 عیرا اهل یتر،
 جارب اهل یتر،
 اوریا اهل حیت،
 زاباد (پسر احلائی)،
 عدینا (پسر شیزا) از قبیله رئوین (او جزو سی و یک رهبر قبیله رئوین بود).
 حانان (پسر معکه)،
 یوشافاط از اهالی متنا،
 عزیا اهل عشروت،
 شاماع و یعوئیل (پسران حوتام) اهل عروعیر،
 یدییعی ئیل (پسر شمیری)،
 یوخا (برادر یدییعی ئیل) از اهالی تیص،
 الی ئیل اهل محوی،
 یریبای و یوشویا (پسران الناعم)،
 یتمه اهل موآب،
 الی ئیل، عوبید و یعیسی ئیل اهل مصوبات.

جنگجویان به داود ملحق می‌شوند

وقتی داود از دست شائول پادشاه خود را پنهان کرده بود، عده‌ای از سربازان شجاع اسرائیلی در صقلغ به او ملحق شدند. **۱۲** همه اینها

۱:۱۲
 سمو ۲۷:۳
 ۲:۱۲
 داو ۱۵:۳ ؛ ۱۶:۲۰

خادم داود باشند؟ (۱) آنها برای کامل کردن مهارت‌های جنگی خود (با کمان، قلاب سنگ، یا نیزه) به مدت طولانی سخت تمرین کرده بودند؛ (۲) آنها از نظر روانی محکم و مصمم بودند (آنها دل شیر داشتند)؛ (۳) از نظر بدنی ترکیب بی‌نقصی داشتند (مانند غزال چابک بودند)؛ و (۴) آنها خود را وقف خدمت به خدا و داود کرده بودند. رهبران ضعیف مورد تهدید افراد زیردست خود که کارآمد هستند، قرار می‌گیرند. اما رهبران قوی خود را با برجسته‌ترین افراد احاطه می‌کنند. آنها از توانایی و مهارت پیروان خود هراسان نمی‌شوند.

۱۲:۱-۷ تمام جنگجویانی که در اینجا از آنها نام برده شده، از قبیله بنیامین بودند. حتی افراد قبیله خود شائول

۱:۱۲ صقلغ شهری در فلسطین بود که داود برای مخفی کردن خود از شائول به آنجا گریخته بود. اخیش، حاکم فلسطینی آن منطقه، خوشحال بود از اینکه جنگجوی مشهور اسرائیلی به سرزمین او پناهنده شده است. اما او نمی‌دانست که داود فقط وانمود می‌کند که به او وفادار است. اخیش شهر صقلغ را به داود و خانواده و سپاهیان او داد (اسموئیل ۲۷:۵-۷). محل داود، مکان چندان دورافتاده‌ای نبود، و بسیاری از مریدان وفادار او در آنجا به او ملحق شدند.

۱:۱۲ داود خود را با جنگجویان کارآموده‌ای که برجسته‌ترین نفرات سپاه اسرائیل بودند، احاطه کرده بود. چه ویژگی‌هایی آنها را شایسته کرده بود که جنگجو و

در تیراندازی و پرتاب سنگ با فلاخن بسیار مهارت داشتند و می‌توانستند دست چپ خود را مثل دست راستشان بکار ببرند. آنها مانند شائول از قبیله بنیامین بودند.

^{۳-۷} رئیس آنان اخیعزر پسر شماعه اهل جبعات بود. بقیه افراد عبارت بودند از:

یوآش (برادر اخیعزر)؛ یزیئیل و فالط (پسران عزموت)؛ براکه و بیهو اهل عناتوت؛ یشمعیا اهل جبعون (جنگجوی شجاعی که در ردیف یا برتر از آن سی سردار بود)؛ ارمیا، یحزیئیل، یوحانان و یوزاباد اهل جدیرات؛ العوزای، یریموت، بعلیا، شمیریا و شفتیا اهل حروف؛ القانه، یشیا، عزریئیل، یوعزر و یشبعام از طایفه قورح؛ یوعیله و زبدیا (پسران یروحام) اهل جدور.

^{۸-۱۳} سربازان شجاع قبیله جاد نیز نزد داود به پناهگاه او در بیابان رفتند. ایشان در جنگیدن با نیزه و سپر بسیار ماهر بودند، دل شیر داشتند و مثل غزال کوهی چابک و تیزرو بودند. این است اسامی ایشان به ترتیب رتبه: عازر، عوبدیا، الی‌آب، مشمنه، ارمیا، عتای، الی‌ئیل، یوحانان، الزاباد، ارمیا و مکبنای.

^۴ این افراد همه سردار بودند. کم توانترین آنها ارزش صد سرباز معمولی را داشت و پرتوانترین ایشان با هزار سرباز حریف بود! ^{۱۵} آنها در ماه اول سال، هنگامیکه رود اردن طغیان می‌کند، از رود گذشتند و ساکنان کناره‌های شرقی و غربی رود را پراکنده ساختند.

^۶ افراد دیگری نیز از قبیله‌های بنیامین و یهودا نزد داود آمدند. ^{۱۷} داود به استقبال ایشان رفت و گفت: «اگر به کمک من آمده‌اید، دست دوستی بهم می‌دهیم ولی اگر آمده‌اید مرا که هیچ ظلمی نکرده‌ام به دشمنانم تسلیم کنید، خدای اجدادمان ببیند و حکم کند.»

۸:۱۲

اسمو ۲: ۱۸

۱۴:۱۲

تث ۳۰: ۳۲

۱۵:۱۲

یوش ۱۵: ۳ ؛ ۱۸: ۴

۱۶:۱۲

اسمو ۲۲: ۷

انحصار فلسطینی‌ها بود (اسموئیل ۱۳: ۱۹ و ۲۰). بدنه تیر را از نی یا چوب می‌ساختند، و زه کمان را از روده حیوانات تهیه می‌کردند.

۸:۱۲ مردان بنیامینی تیراندازان و سنگ‌اندازان ماهری بودند، در حالی که جنگجویان قبیله جاد در استفاده از سپر و نیزه مهارت داشتند. بدنه نیزه‌های اسرائیلی چوبی بود و سر نیزه‌های آنها از استخوان یا سنگ بود. بدنه نیزه‌های فلسطینی مفرغی بود و سر نیزه‌های آنها آهنی بود؛ و سپرهای آنها از چوب بود که روکش چرمی داشت. سپرهای بزرگ را غالباً سلاح‌دار حمل می‌کرد که وظیفه اصلی‌اش حفاظت از جنگجویی بود که سلاحش را حمل می‌کرد.

(اسموئیل ۹: ۲۱) او را ترک کردند تا به داود کمک کنند که پادشاه تمام اسرائیل شود. برای آنها محرز بود که خدا داود را انتخاب کرده تا رهبر بعدی اسرائیل شود.

۲:۱۲ تیراندازان و سنگ‌اندازان از سلاح‌های مخصوصی استفاده می‌کردند. فلاخن چندان هبیتی نداشت، اما در جنگ سلاح کشنده‌ای بود. فلاخن چرم نازک کیسه‌ای‌شکلی بود که تسمه‌ای از چرم یا موی بز به هر دو طرف آن وصل بود؛ تسمه چرمی را دور سر می‌چرخاندند و سنگ را که درون چرم کیسه‌ای قرار داشت، بسوی هدف پرتاب می‌کردند. از تیر و کمان هزاران سال بود که استفاده می‌شد. سر تیرها را از سنگ، چوب، یا استخوان می‌ساختند زیرا صنعت فلز هنوز در

^{۱۸}سپس روح خدا بر عماسای (که بعد رهبر آن سی نفر شد) آمد و او جواب داد: «ای داود، ما در اختیار تو هستیم. ای پسر یسی، ما طرفدار تو می‌باشیم.

برکت بر تو و بر تمام یاران ت باد، زیرا خدایت با توست.»

پس داود آنها را پذیرفت و ایشان را فرماندهان سپاه خود کرد.

^{۱۹}بعضی از سربازان قبیله منسی به داود که همراه فلسطینی‌ها به جنگ شائول می‌رفت، ملحق شدند. (اما سرداران فلسطینی به داود و افرادی که اجازه ندادند

که همراه آنها بروند. آنها پس از مشورت با یکدیگر داود و افرادی که پس فرستادند، چون می‌ترسیدند ایشان به شائول پیوندند) ^{۲۰}وقتی داود به صقلغ

می‌رفت، این افراد از قبیله منسی به او پیوستند: عدناح، یوزاباد، یدعی ئیل، میکائیل، یوزاباد، الیهو و صلتای. این افراد سرداران سپاه منسی بودند. ^{۲۱}ایشان

جنگاورانی قوی و بی‌باک بودند و داود را در جنگ با عملیاتی‌های مهاجم کمک کردند. ^{۲۲}هر روز عده‌ای به داود می‌پیوستند تا اینکه سرانجام سپاه

بزرگ و نیرومندی تشکیل شد.

^{۲۳}این است تعداد افراد مسلحی که در حبرون به داود ملحق شدند تا سلطنت شائول را به داود واگذار کنند، درست همانطور که خداوند فرموده بود:

^{۲۴-۲۷}از قبیله یهودا ۶۸۰۰ نفر مجهز به نیزه و سپر؛

از قبیله شمعون ۷۱۰۰ مرد زبده جنگی؛

۱۸:۱۲
داو ۱۰:۳؛ ۳۴:۶
۱۷:۲

۱۹:۱۲
اسمو ۲۹:۴

۲۱:۱۲
اسمو ۳۰:۱

۲۲:۱۲
یوش ۵:۱۳-۱۵

۲۳:۱۲
اسمو ۲:۳
توا ۱۰:۱۱؛ ۱۴:۱۰

۲۴:۱۲
اسمو ۲:۹؛ ۸:۱۷
توا ۶:۵۳؛ ۱۲:۲
استر ۱:۱۳
مز ۲:۱۲

جذب ما می‌شوند تا در کار نجات انسانها به ما ملحق گردند.

۳۷:۲۴-۱۲ در اعداد ۱:۴۷-۵۰، خدا به لایوان گفت که باید از خدمت نظام معاف باشند. پس چرا نام آنها در فهرست سپاهیان داود قرار دارد؟ با آنکه آنها از خدمت نظام معاف بودند، اما اینجا قویاً از داود حمایت کردند و داوطلبانه وارد خدمت شدند تا کمک کنند داود به پادشاهی برسد.

۳۲:۱۲ ۲۰۰ سردار از قبیله یساکار، موقعیت جنگی را خوب تشخیص می‌دادند؛ به همین جهت، دانش و قدرت تشخیص آنها، بازوی تصمیم‌گیری قوم را تشکیل می‌داد. امروز نیز به اندازه آن زمان، رهبران برای آنکه بتوانند بهترین تصمیمات را در کلیسا پیاده کنند، ضرورت دارد که از اتفاقاتی که در جامعه روی می‌دهد، آگاه باشند. آگاهی از وقایع جاری، جهت‌گیریهای روز، و نیازهای زمان حاضر، به فرد کمک می‌کند که افکار و نگرشهای مردم را درک کند. این به رهبران کمک می‌کند که تصمیمات عاقلانه‌ای برای کلیسا اتخاذ کنند و بدانند که چطور پیغام خدا را به زندگی خود مرتبط سازند.

۱۸:۱۲ روح‌القدس در زمان عهدعتیق چگونه عمل می‌کرد؟ هر وقت که لازم بود کار مهمی انجام بگیرد، خدا یک نفر را برای انجام آن بر می‌گزید، و روح قدرت و توانایی لازم را به او می‌داد. روح به بصلیل توانایی هنری (خروج ۳۱:۵)، به یفتاح قابلیت نظامی (داوران ۱۱:۲۹)، به داود قدرت فرمانروایی (اسموئیل ۱۶:۱۳)، و به زکریا اقتدار نبوت (تواریخ ۲۴:۲۰) داد. اینجا روح‌القدس بر جنگجویان داود قرار می‌گیرد. به‌منظور انجام اهدافی خاص، روح بر تک‌تک آنها قرار گرفت. اما از روز پنطیکاست به بعد، روح بر همه ایمانداران قرار گرفت (اعمال ۲:۱۴-۲۱).

۲۲:۱۲ سپاه داود، «سپاه خدا» نامیده می‌شد. این عده به‌واسطه شهرت جنگجویان بزرگ داود، و اخبار پیروزیهای او، و اشتیاقی که برای مشاهده انجام اراده خدا در پادشاه شدن او داشتند، جذب وی می‌شدند. مردم غالباً جذب جنبشهای بزرگ و افراد شجاع و مصمم می‌شوند که عاملین آنها هستند. ما ایمانداران، عاملین بزرگترین جنبش، یعنی نجات بشر هستیم. اگر ما شجاع، مصمم، و با ایمان باشیم، دیگران

از قبیله لاوی ۴۶۰۰ نفر، شامل یهویداع، سرپرست خاندان هارون با ۳۷۰۰ نفر و صادوق که جنگاوری جوان و بسیار شجاع بود با ۲۲ سردار؛ از قبیله بنیامین، همان قبیله‌ای که شائول به آن تعلق داشت، ۳۰۰۰ مرد که اکثر آنها تا آن موقع نسبت به شائول وفادار مانده بودند؛ از قبیله افرایم ۲۰۸۰۰ مرد جنگی و نیرومند که همه در طایفه خود معروف بودند؛ از نصف قبیله منسی ۱۸۰۰۰ نفر که انتخاب شده بودند تا بیایند و داود را برای پادشاه شدن کمک کنند؛ از قبیله یساکار ۲۰۰ سردار، با افراد زیر دست خود (این سرداران موقعیت جنگی را خوب تشخیص می‌دادند و می‌دانستند چگونه اسرائیلی‌ها را برای جنگ بسیج کنند)؛ از قبیله زبولون ۵۰۰۰۰ مرد جنگی کارآموده و مسلح که نسبت به داود وفادار بودند؛ از قبیله نفتالی ۱۰۰۰۰ سردار و ۳۷۰۰۰ سرباز مجهز به نیزه و سپر؛ از قبیله دان ۲۸۶۰۰ سرباز آماده جنگ؛ از قبیله اشیر ۴۰۰۰۰ سرباز تعلیم دیده و آماده جنگ؛ از آنسوی رود اردن (محل سکونت قبایل رثوبین و جاد و نصف قبیله منسی) ۱۲۰۰۰ سرباز مجهز به انواع اسلحه؛^{۳۸} تمام این جنگجویان برای یک هدف به حبرون آمدند و آن اینکه داود را بر تمام اسرائیل پادشاه سازند. در حقیقت، تمام قوم اسرائیل با پادشاه شدن داود موافق بودند.^{۳۹} این افراد جشن گرفتند و سه روز با داود خوردند و نوشیدند. چون قبلاً خانواده‌هایشان برای ایشان تدارک دیده بودند. همچنین مردم اطراف از سرزمین یساکار، زبولون و نفتالی خوراک بر پشت الاغ و شتر و قاطر و گاو گذاشته، آورده بودند. مقدار خیلی زیادی آرد، نان شیرینی، کشمش، شراب، روغن و تعداد بی‌شماری گاو و گوسفند برای این جشن آورده شد، زیرا در سراسر کشور شادی و سرور بود.

۳۸:۱۲

اسمو ۳:۱۵

اتوا ۱۲:۳۳

۴۰:۱۲

اسمو ۱۸:۲۵

داد. کلیساها و سایر گروهها باید از اهداف خود مانند سپاه داود آگاه باشند.

۴۰:۱۲ مردم آماده تغییر بودند. آنها دیگر تحمل رهبری و ناطاعتی شائول از خدا را نداشتند. آنها بقدری از تاجگذاری داود به شوق آمده بودند که با گشاده‌دستی در جشن شرکت کردند. سخاوتمند بودن برای برگزاری مراسم شاد عبادتی کار درست و به‌جایی است. خدا خالق شادی است، و در جشنهای ما با ما خواهد بود.

۳۸:۱۲ تعداد این سربازان بالغ بر ۳۰۰۰۰ نفر بود. هدف واحد آنها نشان دادن حمایت همه جانبه از داود و پادشاه ساختن او بود. خدا این مردان را گرد هم آورده بود و نیروی ایشان را بر یک هدف واحد متمرکز کرده بود. کلیساها اغلب نیروی خود را با امتحان کردن راههای مختلف به هدر می‌دهند. به‌جای این کار، آنها باید از خدا بخواهند که توجه‌شان را معطوف هدف اصلی سازند، هدفی که کلیسا را بنا خواهد کرد و خدا را جلال خواهد

۲- داود صندوق عهد را به اورشلیم می آورد عزا به صندوق عهد دست می زند و می میرد

داود پس از مشورت با فرماندهان سپاه،^{۱۳} خطاب به مردان اسرائیل که در حبرون جمع شده بودند چنین گفت:

«حال که شما قصد دارید مرا پادشاه خود سازید و خداوند، خدای ما نیز پادشاهی مرا قبول فرموده است، بیایید برای تمام برادرانمان در سراسر اسرائیل پیغام بفرستیم و آنها را با کاهنان و لاویان دعوت کنیم که بیایند و به جمع ما ملحق شوند.^۳ بیایید برویم و صندوق عهد خدا را باز آوریم، زیرا از وقتی که شائول پادشاه شد به آن توجه نکرده‌ایم.»

همه این پیشنهاد را پسندیدند و با آن موافقت کردند.^۵ پس داود تمام مردم را از سراسر خاک اسرائیل احضار نمود تا وقتی که صندوق عهد خداوند را از قریه^۶ یعاریم می آورند، حضور داشته باشند.

آنگاه داود و تمام قوم اسرائیل به بعله (که همان قریه یعاریم در یهوداست) رفتند تا صندوق عهد خداوند را که به نام خداوند نامیده می شود و روی صندوق، مجسمه^۷ دو فرشته قرار دارد، از آنجا بیاورند.^۷ پس آن را از خانه^۸ ایناداب برداشتند و بر عرابه‌ای نو گذاشتند. عزا و اخیو، گاوهای عرابه را می رانندند.^۸ آنگاه داود و تمام قوم با سرود همراه با صدای بربط و عود، دف

۳:۱۳
اسمو ۲وا:۷

۵:۱۳
اسمو ۲۱:۶؛ ۱:۷
اسمو ۱:۶
پاد ۶۵۸
توا ۳:۱۵

۶:۱۳
یوش ۹:۱۵
پاد ۱۵:۱۹

۷:۱۳
اسمو ۱:۷

۸:۱۳
توا ۱۶:۱۵

بود. صندوق عهد، جعبه بزرگی بود که لوح‌های سنگی که خدا ده فرمان را روی آن نوشته بود، در آن قرار داشت (خروج ۲۵:۱۰-۲۲). داود اورشلیم را مرکز سیاسی خود قرار داده بود (۹:۱۱-۹:۴). و حالا به این امید که اورشلیم را مرکز عبادتی قوم سازد، صندوق عهد را به آنجا آورد.

۳:۱۳ صندوق عهد سالهای متمادی در قریه^۶ یعاریم بود. بی توجهی به صندوق، مظهر بی توجهی اسرائیل به خدا بود. آوردن صندوق به مرکز حیات اسرائیل، بیانگر علاقه داود پادشاه بود برای یادآوری این حقیقت به قوم که بنیاد حقیقی آنها خدا است. بی توجهی به چیزهایی که یادآور خدا برای ما هستند، مثل کتاب مقدس، کلیسا، و غیره، باعث خواهد شد که به خدا نیز بی توجه باشیم. نباید فراموش کنیم که خدا را همیشه مرکز زندگی خود قرار دهیم.

۸:۱۳ عبادت در عهدعتیق چیزی بیش از مراسم آرام و سنگین عبادتی بود. شادی و نشاط داود به هنگام پرستش خدا همراه با رقص و موسیقی، از نظر کتاب مقدس کار پسندیده‌ای است. عبادت ما باید از تعادل مناسبی برخوردار باشد؛ گاه ما باید تعمق کنیم و جدی باشیم (خروج ۱۹:۱۴)، و گاه نیز باید شور و حرارت از خود

۱۳:۱ به بعد شرح موازی ماجرای باز آوردن صندوق عهد در سمو ۵، نشان می دهد که طرح‌های ساختمانی داود «پیش از اینکه» صندوق عهد را به اورشلیم بیاورد خاتمه یافته بود. نویسنده کتاب تواریخ ماجرای باز آوردن صندوق عهد را اول آورده، زیرا قصدش این بود که موفقیت‌های روحانی داود و رابطه‌اش را با خدا برجسته سازد، نه اینکه شرح تاریخی دقیقی ارائه دهد.

۱:۱۳ داود برای مشورت با تمام فرماندهان خود وقت صرف می کرد. او به عنوان پادشاه، بالاترین مقام را داشت و می توانست خودش دستورات را صادر کند، اما ترجیح می داد دیگران را هم در امر رهبری دخالت دهد. شاید به همین دلیل بود که سایرین متفقاً از تصمیمات او حمایت می کردند (۱۳:۵-۱۳:۵). وقتی در رأس کاری قرار داریم، وسوسه می شویم که تصمیماتی یک طرفه بگیریم و نظرات خود را بر دیگران تحمیل کنیم. اما رهبران کارآمد به دقت به نظرات دیگران گوش می دهند و دیگران را تشویق می کنند که در تصمیم گیری شرکت نمایند.

۳:۱۳ صندوق عهد، صندوق خدا نیز نامیده می شد. صندوق در قدس الاقداس، یعنی مقدس ترین اتاق معبد قرار داشت، و مقدس ترین شیء و مظهر ایمان عبرانی‌ها

و سنج، و شیپور در حضور خدا با تمام قدرت به شادی پرداختند. ^۹ اما وقتی به خرمنگاه کیدون رسیدند، پای گاوها لغزید و عزا دست خود را دراز کرد تا صندوق عهد را بگیرد. ^{۱۰} در این موقع خشم خداوند بر عزا افروخته شد و او را کشت، چون به صندوق عهد دست زده بود. پس عزا همانجا در حضور خدا مرد. ^{۱۱} داود از این عمل خداوند غمگین شد و آن مکان را «مجازات عزا» نامید که تا به امروز هم به این نام معروف است.

^{۱۲} آن روز، داود از خدا ترسید و گفت: «چطور می‌توانم صندوق عهد خدا را به خانه ببرم؟ ^{۱۳} بنابراین تصمیم گرفت بجای شهر داود، آن را به خانه عوبید ا دوم که از جت آمده بود، ببرد. ^{۱۴} صندوق عهد سه ماه در خانه عوبید ماند و خداوند عوبید و تمام اهل خانه او را برکت داد.

۹:۱۳
۲ سمو ۶:۶

۱۰:۱۳
لاو ۲:۱۰
۱ توا ۱۵:۱۳ و ۱۵

۱۳:۱۳
۲ توا ۲۴:۲۵
۱۴:۱۳
۱ توا ۲۶:۴ و ۲۷

پیروزی بزرگ داود

۱۴ حیرام، پادشاه صور قاصدانی نزد داود فرستاد. همراه این قاصدان نجاران و بنایانی با چوب درختان سرو نیز فرستاد تا برای داود

۱:۱۴
۲ سمو ۱۱:۵

می‌کنند. این مجازات ممکن است یا فوری یا در طول زمان انجام بگیرد، اما در هر صورت انجام خواهد گرفت. گاه ما توجه خود را فقط معطوف به برکاتی می‌کنیم که خدا به ما می‌دهد، در حالی که وقتی گناه می‌کنیم از یاد می‌بریم که «افتادن به دستهای خدای زنده بسیار وحشتناک خواهد بود» (عبرانیان ۱۰:۳۱). با وجود این، مواقع دیگر هم آنقدر به مرگ و محکومیت توجه می‌کنیم که برکاتش را از دست می‌دهیم. در مورد خدا دیدگاهی تک‌بعدی نداشته باشید. خدا در کنار برکاتی که می‌دهد، از شما می‌خواهد که مطابق با معیارهای او زندگی کنید و به انصاف، راستی و عدالت عمل نمایید.

۱۱:۱۳ داود، هم از دست خدا خشمگین بود و هم از دست خودش. او دانست که در حمل و نقل صندوق عهد مرتکب اشتباهی شده است، و عصبانی بود از اینکه برنامه‌های او برای باز گرداندن شادمانه صندوق عهد، با مرگ یک نفر خاتمه یافته بود. اما خشم او فروکش کرد، و صندوق عهد را در خانه عوبید ا دوم گذاشت تا وقتی که بتواند درباره نحوه رساندن آن به اورشلیم فکری بکند. این امر به او امکان داد که به دستوراتی که خدا در مورد حمل و نقل صندوق عهد داده بود، پی ببرد. جابه‌جایی بعدی صندوق عهد مطابق فرامین خدا انجام گرفت.

۱:۱۴ حیرام پادشاه برای کمک به ساختن معبد برای سلیمان نیز الوار و صنعتگر فرستاد (۲ تواریخ ۱:۲).

نشان دهیم و شادی کنیم. عبادت نیز مانند زندگی باید متعادل باشد. کلیسای شما به چه چیزی نیاز دارد، تعمق بیشتر یا شادی و پایکوبی بیشتر؟

۱۰:۱۳ چرا عزا مرد؟ او به صندوق عهد دست زده بود، و این کار گناهی بود که مجازاتش مرگ بود. خدا درباره نحوه جابه‌جایی و حمل صندوق عهد، دستورالعمل‌های خاصی داده بود (اعداد ۴:۱۵-۱۵)، و در اینجا به این دستورالعمل‌ها بی‌توجهی شد. لاویان مسؤول جابه‌جایی صندوق عهد بودند، و آنها باید صندوق را به واسطه چوبهایی که آنها را از حلقه‌های روی صندوق عبور می‌دادند، بر می‌داشتند و روی دوش خود حمل می‌کردند. هرگز نباید کسی به صندوق دست می‌زد. آوردن صندوق روی عرابه، عملی بود به شیوه فلسطینی‌ها (۱ سموئیل ۶:۸۱). اگر چه عزا صادقانه قصد داشت از صندوق حفاظت کند، اما باید با عواقب گناهش روبه‌رو می‌شد؛ و به داود نیز یادآوری شد که اطاعت او از قوانین خدا مهم‌تر از شور و اشتیاق او است.

۱۴:۱۰:۱۳ عزا به‌خاطر دست زدن به صندوق عهد، فوراً مرد. اما خدا خانه عوبید ا دوم، یعنی جایی را که صندوق عهد در آنجا نگهداری می‌شد، برکت داد. این امر قدرت دوگانه خدا را نشان می‌دهد: او مظهر کامل محبت است و نیز مظهر کامل عدالت. برکات بزرگ نصیب کسانی می‌شود که از فرامین او اطاعت می‌کنند، اما مجازات گریبانگیر کسانی می‌شود که از او ناطاعتی

کاخ‌ی بسازند.^۲ پس داود فهمید که خداوند بخاطر قوم خود اسرائیل، او را پادشاه ساخته است و به سلطنتش این چنین عظمتی بخشیده است.

^۳ داود پس از آنکه به اورشلیم نقل مکان نمود، زنان بیشتری گرفت و صاحب دختران و پسران دیگری شد.^{۴-۷} فرزندان او که در اورشلیم دنیا آمدند اینها هستند: شموع، شوباب، ناتان، سلیمان، ییحار، الیشوع، ایفالت، نوجه، نافج، یافیع، الیشامع، بعلیاداع، ایفלט.

۴:۱۴
۲ سمو ۱۴:۵
توا ۳: ۸۵

داود بر فلسطینی‌ها پیروز می‌شود

^۸ وقتی فلسطینی‌ها شنیدند داود، پادشاه اسرائیل شده است، نیروهای خود را برای جنگ با او بسیج نمودند. وقتی داود این را شنید سپاه خود را برای مقابله با دشمن جمع کرد. ^۹ فلسطینی‌ها به درهٔ رفائیم آمده، در آنجا پخش شدند. ^{۱۰} داود از خدا سؤال کرد: «اگر به جنگ آنها بروم آیا مرا پیروز خواهی ساخت؟» خداوند جواب داد: «بلی، تو را بر دشمن پیروز خواهم ساخت.»

۹:۱۴
توا ۱۱: ۱۵؛ ۱۴: ۱۳

^{۱۱} پس داود در بعل فراصیم به فلسطینی‌ها حمله کرد و آنها را شکست داد. داود گفت: «خدا بدست من دشمنان ما را شکست داد! او چون سیلاب بر آنها رخنه کرد.» به همین سبب آن محل را بعل فراصیم (یعنی «خدای رخنه کننده») نامیدند. ^{۱۲} فلسطینی‌ها تعداد زیادی بت بر جای گذاشتند و داود دستور داد آنها

است. شما چه وقت از خدا طلب کمک می‌کنید؟ آیا از در ماندگی به‌عنوان آخرین راه چاره به او متوسل می‌شوید؟ اما به‌جای این کار، از همان اول نزد او بروید! شما نیز مانند داود ممکن است از کمک شگفت‌انگیز خدا برخوردار شوید و از مشکلی بزرگ رهایی پیدا کنید.

۱۲:۱۴ همین واکنش سریع و قاطع داود در مقابل بتها بود که از او پادشاه بزرگی ساخت. او با این کار از شریعت خدا اطاعت می‌کرد که در آن خدا فرموده بود: «قربانگاه‌های کافران را بشکنید، ستونهایی را که می‌پرستند خرد کنید و مجسمه‌های شرم‌آور را تکه‌تکه نموده، بتهایشان را بسوزانید» (تثنیه ۷:۵). قصور در نابودی بتها، بزرگترین ضعف جانشینان داود بود.

۱۲:۱۴ سربازان می‌خواستند یادگاری‌هایی از جنگ برای خود نگه دارند، اما داود به آنها دستور داد که بتها را بسوزانند. تنها واکنش مناسب در مقابل گناه، از میان برداشتن کامل آن است. شما نمی‌توانید پیرو خدا باشید و در عین حال، به قسمت‌هایی از زندگی گذشته‌تان بچسبید که مانع از پیروی از او می‌شود. خدا باید در مرکز افکار و اعمال‌تان باشد. هر چیزی که این جایگاه را در زندگی‌تان اشغال کند از میان بردارید، و با سرسپردگی کامل از او پیروی نمایید.

۲:۱۴ خدا به داود عزت و موفقیت بخشید، اما نه صرفاً به‌خاطر پیروزی‌هایی که او شخصاً به دست آورده بود. داود متوجه شد که خدا او را به یک دلیل خاص برکت داده است: برای شادی قوم خدا! ما اغلب وسوسه می‌شویم که از موقعیت یا دارایی خود فقط برای منافع خودمان استفاده کنیم. به‌جای این کار، باید به یاد داشته باشیم که موقعیت و دارایی ما از خدا است، تا به این وسیله، ما باعث شادی و برکت نه‌تنها خود، بلکه دیگران نیز بشویم.

۳:۱۴ گرفتن زنان و کنیزان زیاد در آن زمان در بین خانواده‌های سلطنتی در خاورمیانه مرسوم بود، اما مطلوب خدا نبود (پیدایش ۲:۲۴). گرفتن زنان متعدد قدرت و نفوذ بیشتری برای داود به ارمغان آورد، اما از طرف دیگر باعث درگیری، حسادت، و حتی قتل در خانواده‌اش شد. (برای اینکه بدانید تعدد زوجات چه عواقب دیگری دارد، مراجعه کنید به جدول موجود در ۲ سموئیل ۱۳).

۱۶:۸-۱۴ نقشه جغرافیایی این جنگ در ۲ سموئیل فصل ۵ آمده است.

۱۰:۱۴ داود قبل از آنکه به جنگ برود، با خدا مشورت کرد و طالب حضور و هدایت او شد. بسیاری اوقات تا وقتی که کاملاً در مشکل قرار نگیریم، به خدا متوسل نمی‌شویم. و در آن وقت دیگر عواقب اعمالمان گریبانگیرمان شده

را بسوزانند.^{۱۳} فلسطینی‌ها بار دیگر بازگشتند و در درهٔ رفائیم پخش شدند.^{۱۴} داود باز هم از خدا سؤال کرد که چکار کند و خدا در جواب او فرمود: «از روبرو به آنها حمله نکن بلکه دور بزن و از میان درختان توت به ایشان حمله کن!»^{۱۵} وقتی صدای پایی بر سر درختان توت شنیدی آنگاه حمله را شروع کن، زیرا این علامت آن است که من پیشاپیش شما حرکت می‌کنم و لشکر فلسطینی‌ها را شکست می‌دهم.»^{۱۶} پس داود مطابق دستور خدا عمل کرده، سپاه فلسطینی‌ها را از جبعون تا جازر سرکوب نمود.^{۱۷} به این ترتیب شهرت داود در همه جا پخش شد و خداوند ترس او را در دل تمام ملتها جای داد.

۱۳:۱۴
توا ۹:۱۴

۱۷:۱۴
خرو ۱۴:۱۵
تت ۲۵:۲

لاویان صندوق عهد را به اورشلیم می‌برند

داود برای خود چند کاخ سلطنتی در شهرش ساخت و یک خیمهٔ تازه هم برای صندوق عهد خدا درست کرد.^۲ آنگاه چنین دستور داد: «کسی غیر از لاوی‌ها نباید صندوق عهد را بردارد، چون خداوند ایشان را برای همین منظور انتخاب کرده است. آنها خدمتگزاران همیشگی او هستند.»^۳ پس داود تمام قوم اسرائیل را به شهر اورشلیم احضار نمود تا در مراسم انتقال صندوق عهد به خیمهٔ جدید شرکت کنند.^{۴-۱۰} این است تعداد کاهنان و لاویانی که در اورشلیم حاضر شدند:

۱۵

۱۲۰ نفر از طایفهٔ قهات به سرپرستی اوری‌ئیل؛
۲۲۰ نفر از طایفهٔ مراری به سرپرستی عسایا؛
۱۳۰ نفر از طایفهٔ جرشوم به سرپرستی یوئیل؛
۲۰۰ نفر از خاندان الیصافان به سرپرستی شمعیاء؛
۸۰ نفر از خاندان حبرون به سرپرستی ایلی‌ئیل؛
۱۱۲ نفر از خاندان عزی‌ئیل به سرپرستی عمیناداب.

^{۱۱} اسپس داود صادق و ایباتار کاهنان اعظم و اوری‌ئیل، عسایا، یوئیل، شمعیاء، ایلی‌ئیل و عمیناداب رهبران لاویان را بحضور خواست^{۱۲} و به ایشان گفت: «شما سران طایفه‌های لاویان هستید؛ پس خود را با سایر برادران تقدیس

۱:۱۵
توا ۱:۱۶ ؛ ۱:۱۷
مز ۵:۲؛ ۱۳:۲

۲:۱۵
اعد ۱۵:۴
تت ۸:۱۰

۳:۱۵
اسمو ۱۷، ۱۲:۶
۱ پاد ۱:۸
توا ۵:۱۳ ؛ ۱۲:۱۵ ؛ ۱۲:۱۰

۴:۱۵
توا ۱۶:۶ ؛ ۱۶:۱۲

۱۱:۱۵
اسمو ۲۰:۲۲
۱ پاد ۳۵، ۲۶:۲
توا ۲۸:۱۲

۱۲:۱۵
خرو ۱۵ و ۱۹
توا ۶:۳۵

برای زندگی‌تان تلقی نخواهید کرد، بلکه آنها را فرصتی خواهید دانست تا به آن وسیله خدا به طرق جدید عمل کند.

۱۲:۱۵ کاهنان خود را تقدیس کردند تا برای حمل صندوق آمادگی لازم را داشته باشند. معنی تقدیس در زبان اصلی به معنای *جمله شدن* است. کاهنان به‌طور نمادین خود را از گناه و بدی جدا کردند. تقدیس با شستشوی تن و جامه‌هایشان با مراسمی خاص صورت می‌گرفت (اعداد ۸:۸-۸).

۱۶:۱۳-۱۴ داود تقریباً در هر موقعیت جدیدی که قرار می‌گرفت، دعا می‌کرد تا خدا او را هدایت کند. پیشرفتهای تازه، علاوه بر خطرات تازه، چالشهای تازه‌ای نیز به همراه دارد. ما در هر موقعیتی باید طالب هدایت خدا باشیم، زیرا این به ما کمک خواهد کرد که از خطرات احتمالی به‌دور باشیم. تصور نکنید که اراده خدا یا نحوه عملکرد او در زندگی‌تان همیشه یکسان خواهد بود. اگر وقتی اوضاع و شرایط تغییر می‌کند، طالب رهبری خدا باشید، دیگر تغییرات ایجادشده را تهدیدی

کنید تا صندوق عهد خداوند، خدای اسرائیل را به خیمه‌ای که برایش آماده کرده‌ام بیاورید.^{۱۳} دفعهٔ پیش به سبب اینکه شما لای‌ها آن را حمل نکردید و این برخلاف دستور خدا بود خداوند ما را تنبیه کرد.»^{۱۴}

پس کاهنان و لایویان خود را تقدیس کردند تا صندوق عهد خداوند، خدای اسرائیل را به محل جدید بیاورند.^{۱۵} آنگاه لای‌ها، همانطور که خداوند به موسی فرموده بود، چوبهای حامل صندوق عهد را روی دوش خود گذاشتند و آن را حمل نمودند.

۱۵:۱۵
خرو ۱۴:۲۵
اعد ۵:۴

داود به رهبران لایویان دستور داد که از میان لایویان دستهٔ موسیقی تشکیل دهند تا عود و بربط و سنج بنوازند و با صدای بلند و شاد سرود بخوانند.^{۱۶-۱۷}

رهبران، این افراد را تعیین کردند تا سنجهای مفرغی بنوازند: هیمان (پسریوئیل)، آساف (پسر برکیا) و ایتان (پسر قوشیا) از طایفهٔ مراری. برای کمک به ایشان این افراد نیز تعیین شدند تا با نواختن عود ایشان را همراهی کنند: زکریا، بین، یعزیئیل، شمیراموت، یحیئیل، عون، الی‌آب، بنایا و معسیا.

۱۶:۱۵
توا ۱:۲۵ ؛ ۸:۱۳

۱۷:۱۵
توا ۱:۲۵

برای نواختن بربط نیز اشخاص زیر انتخاب شدند: متتیا، ایلفلیا، مقتیا، عزریا و همچنین عوبید دوم و یعیئیل که هر دو از نگهبانان خیمه بودند.

را حمل کنند (اعداد ۴:۱۵-۵). شاید ما کاملاً به عللی که در پس دستورات خدا وجود دارد پی نبریم، اما این را می‌دانیم که حکمت او کامل و داوری او بری از اشتباه است. راه دانستن دستورات عمل‌های او، دانستن کلام او است. کودکان تا وقتی به بزرگسالی نرسند، علت همه دستورات عمل‌های والدینشان را نخواهند فهمید؛ ما نیز همه دستورات عمل‌های خدا را در این دنیا درک نخواهیم کرد. پس بهتر آن است که اول از خدا اطاعت کنیم، و بعد در پی دانستن علت‌ها باشیم.

۲۵-۱۶:۱۵ گروه بزرگ موسیقی برای این منظور تشکیل شد که به‌هنگام رویدادهای بزرگ، مردم به‌طور شایسته‌ای آن رویدادها را همراهی کنند. موسیقی شور و هیجان را به اوج خود می‌رساند، قلب و فکر مردم را تعالی می‌بخشید، و توجه ایشان را معطوف آن رویداد می‌ساخت. از طرفی، موسیقی باعث می‌شد آن رویداد تا سالها در خاطره آنها حک شود. شروع هر کاری با پرستش خدا سبب می‌گردد که تشویق شویم به بهترین وجه برای خدا کار کنیم. عادت شکرگزاری از خدا را در خود تقویت کنید که در این صورت در رویارویی با هر کاری از شادی و قوت بیشتری برخوردار خواهید بود.

۱۳:۱۵ واقعه‌ای که داود به آن اشاره می‌کند، در همین کتاب ۱۳:۱۱-۱۱:۶ سموئیل ثبت شده است. وقتی صندوق عهد را روی عرابه به اورشلیم می‌آوردند، پای گاوهایی که عرابه را می‌کشیدند، لغزید. عزا که سعی کرد با دستش صندوق را نگاه دارد، فوراً کشته شد. اشتباه کار به‌خاطر اشتیاق داود برای انتقال صندوق عهد نبود، بلکه در شیوه جابه‌جایی آن بود. داود یا به دستورات عمل‌های خاصی که در شریعت خدا درباره نحوه جابه‌جایی صندوق عهد وجود داشت بی‌اعتنایی کرد، یا از آنها بی‌اطلاع بود. از قرار معلوم حالا او به اشتباهش پی برده بود و حاضر بود آن را اصلاح کند. هدف از این رویداد، دادن درسی الهی به تمامی اسرائیل بود در خصوص اینکه داود تحت تأثیر خدا بود و نه وضع موجود. اگر داود اجازه پیدا می‌کرد که صندوق خدا را با بی‌اعتنایی جابه‌جا کند، این کار او چه چیزی را به مردم در مورد ایمانشان نشان می‌داد؟

۱۵-۱۳:۱۵ وقتی تلاش اول داود برای جابه‌جایی صندوق عهد با شکست مواجه شد (تواریخ ۱۳:۱-۱۴)، او درس مهمی گرفت: وقتی خدا دستورات عمل‌های مشخصی می‌دهد، عاقلانه آن است که دقیقاً به آنها عمل کنیم. این بار داود خاطر نشان ساخت که لایویان صندوق عهد

۲۲ رهبر سرایندگان کننیا رئیس لایوان بود که بخاطر مهارتش انتخاب شد.
 ۲۳ برکیا و القانه محافظ صندوق عهد بودند. ۲۴ شبنیا، یوشافاط، تننیل، عماسای، زکریا، بنایا و الیعزر که همه کاهن بودند، پیشاپیش صندوق عهد شیپور می‌نواختند. عوبید ادوم و یحیی از صندوق عهد مواظبت می‌کردند.
 ۲۵ آنگاه داود و بزرگان اسرائیل و سرداران سپاه با شادی فراوان به خانه عوبید ادوم رفتند تا صندوق عهد را به اورشلیم بیاورند. ۲۶ آنها هفت گاو و هفت قوچ قربانی کردند، زیرا خدا لایوان را کمک کرد تا صندوق عهد را بتواند حمل کنند. ۲۷ داود و لایوانی که صندوق عهد را حمل می‌کردند، سرایندگان و کننیا رهبر سرایندگان، همه لباس‌هایی از کتان لطیف پوشیده بودند. داود نیز لباس مخصوص کاهنان را بر تن کرده بود. ۲۸ به این ترتیب بنی‌اسرائیل با هلهله و شادی و صدای سرنا و شیپور، سنج و عود و بریط، صندوق عهد را به اورشلیم آوردند.
 ۲۹ هنگامی که صندوق عهد خداوند وارد اورشلیم شد، میکال زن داود که دختر شائول پادشاه بود، از پنجره نگاه می‌کرد. وقتی داود را دید که با شادی می‌رقصد در دل خود او را تحقیر کرد.

داود خدا را شکر و سپاس می‌گوید

به این ترتیب بنی‌اسرائیل صندوق عهد را به خیمه‌ای که داود
 ۱۶ برایش برپا کرده بود، آوردند و در حضور خدا قربانی‌های سوختنی و سلامتی تقدیم کردند. ۲ در پایان مراسم قربانی، داود بنی‌اسرائیل را به نام خداوند برکت داد. ۳ سپس او به هر یک از زنان و مردان یک قرص نان، یک نان خرما و یک نان کشمش داد.

۴ داود بعضی از لایوان را تعیین کرد تا در جلو صندوق عهد قرار گیرند و خداوند، خدای اسرائیل را با سرود شکر و سپاس بگویند. آنانی که برای این خدمت تعیین شدند اینها بودند: ۵ آساف (سرپرست این عده که سنج

۲۴:۱۵
 اتوا ۱۶:۶

۲۵:۱۵
 ۲ سمو ۱۲:۱۵،
 اتوا ۱۳:۱۳
 ۲۶:۱۵
 اعد ۲۹:۱، ۲۳

۱:۱۶
 ۲ سمو ۱۷:۶
 ۱ پاد ۵:۸
 اتوا ۱:۱۵

۴:۱۶
 اتوا ۱۶:۱۵

صندوق عهد به اورشلیم شادی کند. طرز ابراز احساسات قلبی برخی از مؤمنین شاید تحقیرآمیز به نظر برسد، اما ما باید آنها را ببی‌دریم. به همین ترتیب، نباید از ابراز احساسات خود به خدا به شکلی که مناسب به نظر می‌رسد، بترسیم.

۴:۱۶ بعضی از لایوان تعیین شده بودند تا به‌طور دائمی حمد و ثنا به حضور خدا تقدیم کنند. حمد و شکرگزاری باید جزء همیشگی زندگی ما باشد، نه اینکه فقط در اعیاد مذهبی خدا را سپاس گوئیم. تصمیم بگیرید که دائماً خدا را حمد بگوئید؛ در این صورت خواهید آموخت که برکات او حق مسلم شما و بدهی خدا به شما نیست.

۲۲:۱۵ کننیا مهارتی را که در موسیقی داشت، تقویت کرده بود، و همین امر موجب شد که فرصت‌های بیشتری برای خدمت نصیبش شود. آیا شما مهارت‌هایی ذاتی دارید که بتوان در خدمت به خدا به کار گرفت؟ بگذارید کننیا نمونه‌ای برای ترغیب شما باشد که مهارت‌های خود را تقویت کنید و بهبود بخشید تا بتوانید آنها را به‌عنوان هدایایی ارزشمند به خداوند تقدیم کنید.

۲۹:۱۵ داود برای ابراز تمام و کمال و خالصانه شکرگزاری از خدا، حاضر بود عده‌ای به او به دیده تحقیر بنگرند. در مقابل، میکال بقدری از عملکرد به‌دور از شأن و مرتبه داود منزجر شد که نتوانست به‌خاطر بر گرداندن

هم می‌نواخت)، زکریا، یعی ئیل، شمیراموت، یحی ئیل، متتیا، الی آب، بنایا، عوبیدادوم و یعی ئیل. این افراد عود و بریط می‌نواختند. بنایا و یحزی ئیل که کاهن بودند، همیشه در جلو صندوق عهد شیپور می‌نواختند.

۷در آن روز، داود گروه سرایندگان را تشکیل داد تا در خیمهٔ عبادت برای شکر و سپاس خداوند سرود خوانند. آساف رهبر گروه سرایندگان بود.

۸سرودی که آنها می‌خواندند این بود:

خداوند را شکر کنید و نام او را بخوانید؛
کارهای او را به تمام ملل جهان اعلام نمایید.
۹در وصف او بسرایید و او را ستایش کنید؛
از کارهای شگفت‌انگیز او سخن بگویید.

۱۰ای طالبان خداوند شادی نمایید

و به نام مقدس او فخر کنید!

۱۱خداوند و قوت او را طالب باشید

و پیوسته حضور او را بخواهید.

۱۲ای فرزندان بندهٔ خدا یعقوب،

و ای پسران برگزیدهٔ او اسرائیل،

آیات و معجزات او را

و فرامینی را که صادر می‌کند، به یاد آورید.

۱۳و خداوند، خدای ماست،

و قدرتش در تمام دنیا نمایان است.

۱۴عهد او را همیشه بیاد داشته باشید

عهدی که با هزاران پشت بسته است؛

۱۵عهد او را با ابراهیم،

و وعدهٔ او را به اسحاق!

۱۶او با یعقوب عهد بست

و به اسرائیل وعده‌ای جاودانی داد.

۷:۱۶

۱ سمو ۲:۲۲

۸:۱۶

۱ پاد ۴۳:۸

۲ پاد ۱۹:۱۹

مز ۱۰۵:۱۵-۱۵

۱۲:۱۶

مز ۴۳:۷۸ ؛ ۲:۱۰۳

۱۴:۱۶

مز ۴۸:۱۰

۱۶:۱۶

پیدا ۲:۱۷ ؛ ۲:۲۲ ؛ ۱۸:۱۶

۳:۲۶

۱۷:۱۶

پیدا ۱۱:۳۵ و ۱۲

۸:۱۶ قسمت‌های متعددی از این سرود مشابه مزامیر ذیل است: ۸:۱۶-۲۲ مشابه مزمور ۱:۱۰۵-۱۵ ؛ ۱۶:۲۳-۳۳ با مزمور ۹۶ ؛ ۱۶:۳۴-۳۶ با مزمور ۱:۱۰۶ و ۴۷ و ۴۸.

۱۶:۱۵-۱۸ این عهد با ابراهیم بسته شد (پیدایش ۱۵:۱۸-۲۱)، و سپس به اسحاق (پیدایش ۲۶:۲۴ و ۲۵) و یعقوب (پیدایش ۲۸:۱۳-۱۵) رسید. خدا وعده داد که سرزمین کنعان (فلسطین) را به نسل آنها بدهد. او همچنین وعده داد که مسیحای موعود از تبار آنها ظهور خواهد کرد.

۳۶:۷-۱۶ آیا تا به حال احساس نکرده‌اید که صرفاً گفتن «متشکرم» به خدا، برای سپاسگزاری از او کافی نیست؟ چهار عامل شکرگزاری حقیقی در سرود زیر وجود دارد: (۱) به یاد آوردن کارهایی که خدا انجام داده است؛ (۲) بازگو کردن آنها به دیگران؛ (۳) نشان دادن جلال خدا به دیگران؛ و (۴) تقدیم هدایایی از وجود و وقت و اموال خود به او. خود را عادت دهید که حمد و سپاس خدا را تمام و کمال ابراز کنید.

- ۱۸:۱۶
پیدا ۱۵:۱۳
- ۱۹:۱۶
پیدا ۳۰:۳۴
تث ۷:۷
- ۲۱:۱۶
پیدا ۱۷:۱۲ ؛ ۳:۲۰
خرو ۱۵:۷
- ۲۲:۱۶
پیدا ۷:۲۰
- ۲۳:۱۶
مز ۱۳:۱۰۶
- ۲۵:۱۶
مز ۷:۸۹ ؛ ۳:۱۴۴
- ۲۶:۱۶
لاو ۴:۱۹
مز ۲۵:۱۰۲
- ۲۹:۱۶
مز ۲:۲۹
- ۳۱:۱۶
مز ۱۰:۹۶ ؛ ۱:۹۳
اش ۲۳:۴۴ ؛ ۱۳:۴۹
- ۳۲:۱۶
مز ۷:۹۸
- ۱۸ او گفت: «سرزمین کنعان را به شما می‌بخشم تا ملک و میراثتان باشد.»
- ۱۹ بنی اسرائیل قومی کوچک بودند و در آن دیار غریب؛
- ۲۰ میان قومه‌ها سرگردان بودند و از مملکتی به مملکتی دیگر رانده می‌شدند.
- ۲۱ اما خداوند نگذاشت کسی به آنها صدمه برساند، و به پادشاهان هشدار داد که بر ایشان ظلم نکنند:
- ۲۲ «برگزیدگان مرا آزار ندهید!
- بر انبیای من دست ستم دراز نکنید!»
- ۲۳ ای مردم روی زمین، در وصف خداوند بسرایید! هر روز اعلام کنید که او نجات می‌دهد!
- ۲۴ شکوه و جلال او را در میان ملت‌ها ذکر کنید، و از معجزات او در میان قومه‌ها سخن بگویید.
- ۲۵ خداوند عظیم است، او را ستایش کنید؛ او برتر از تمام خدایان است، وی را احترام نمایید.
- ۲۶ خدایان سایر قومه‌ها بت‌هایی بیش نیستند، اما خداوند ما آسمان‌ها را آفریده است.
- ۲۷ شکوه و جلال در حضور اوست، و قدرت و شادمانی در خانه او.
- ۲۸ ای تمام قوم‌های روی زمین، خداوند را توصیف نمایید؛ قدرت و شکوه او را توصیف نمایید؛
- ۲۹ عظمت نام خداوند را توصیف نمایید!
- با هدایا به حضورش بیایید، او را در شکوه قدوسیتش پرستید!
- ۳۰ ای تمام مردم روی زمین، در حضور او بلرزید، در حضور او که دنیا را استوار نموده است!
- ۳۱ آسمان شادی کند و زمین به وجد آید، تمام قومه‌ها بگویند: «این خداوند است که سلطنت می‌کند.»
- ۳۲ دریا و موجوداتش غرش نمایند، صحرا و حیواناتش وجد کنند،
- ۳۳ درختان جنگل با شادی بسرایند، در حضور خداوند که برای داوری جهان می‌آید.

^{۳۴} خداوند را سپاس گویند، زیرا او نیکوست و محبتش ابدی.

^{۳۵} بگویند: «ای خدای نجات دهنده ما، ما را نجات ده، ما را جمع کن و از میان قومها برهان، تا نام مقدس تو را سپاس گوئیم و با فخر تو را ستایش کنیم.»

^{۳۶} از ازل تا ابد، بر خداوند، خدای اسرائیل سپاس باد! و همه گفتند: «آمین» و خداوند را ستایش کردند.

^{۳۷} داود ترتیبی داد که آساف و همکاران لای او بطور مرتب در جایی که صندوق عهد خداوند نگهداری می شد خدمت کنند و کارهای روزانه آنجا را انجام دهند. ^{۳۸} عویید ادوم (پسر یدوتون) با شصت و هشت همکارش نیز به ایشان کمک می کرد. عویید ادوم و حوسه مسئول نگهداری از دروازه ها بودند.

^{۳۹} در ضمن خیمه عبادت قدیمی که در بالای تپه جبعون بود به همان صورت باقی ماند. داود، صادق کاهن و همکاران کاهن او را در آن خیمه گذاشت تا خداوند را در آنجا خدمت کنند. ^{۴۰} آنها هر روز صبح و عصر، روی قربانگاه، قربانیهای سوختنی به خداوند تقدیم می کردند، همانطور که خداوند در تورات به بنی اسرائیل فرموده بود. ^{۴۱} داود هیمان و یدوتون و چند نفر دیگر را هم که انتخاب شده بودند تعیین کرد تا خداوند را بخاطر محبت ابدی اش ستایش کنند. ^{۴۲} آنها با نواختن شیپور و سنج و سایر آلات موسیقی، خدا را ستایش می کردند. پسران یدوتون کنار دروازه می ایستادند.

^{۴۳} پس از پایان مراسم، مردم به خانه هایشان رفتند و داود بازگشت تا خانه خود را تبرک نماید.

۳۴:۱۶

مز ۱:۱۰۶؛ ۱:۳۶

۳۵:۱۶

مز ۴۸ و ۷:۱۰۶ و ۴۸

۳۶:۱۶

تث ۱۵:۲۷

۱ پاد ۱۵:۸

نح ۶:۸

مز ۱۸:۷۲

۳۷:۱۶

۲ تو ۱۴:۸

عز ۴:۳

۳۸:۱۶

۱ تو ۱۳:۱۴؛ ۱۰:۲۶

۳۹:۱۶

۱ پاد ۴:۳

۱ تو ۱۱:۱۵

۴۰:۱۶

خرو ۳۸:۲۹

اعد ۴۰:۲۸

۴۱:۱۶

۱ تو ۳۳:۶؛ ۱:۲۵

۲ تو ۱۳:۵

۴۲:۱۶

۱ تو ۷:۲۵

۲ تو ۶:۷؛ ۲۷:۲۹

خدا به داود وعده برکت می دهد

پس از آنکه داود در کاخ سلطنتی خود ساکن شد، روزی به ناتان نبی گفت: «من در این کاخ زیبا که با چوب سرو ساخته شده است

۱۷

۱:۱۷

۲ سمو ۷:۱

^{۳۹:۱۶} با آنکه خیمه عبادت هنوز در جبعون بود، داود صندوق عهد را به اورشلیم آورد. او در نظر داشت خیمه عبادت و صندوق عهد را در معبد جدید در اورشلیم با هم متحد سازد، معبدی که می رفت تا یگانه مرکز عبادتی اسرائیل باشد. اما معبد تا پیش از عهد سلیمان ساخته نشد. در این فاصله، اسرائیل دو مرکز عبادتی و دو کاهن اعظم داشت (۱۱:۱۵)، یکی در جبعون و یکی در اورشلیم.

^{۱:۱۷} داود احساس گناه می کرد که خودش در کاخ زندگی کند، اما صندوق عهد که مظهر حضور خدا بود، در یک خیمه نگهداری شود. اشتیاق داود به جا بود، اما زمانی که او برای ساختن خانه ای برای خدا تعیین کرده بود، درست نبود. خدا به داود فرمود که خودش

^{۳۷:۱۶} آساف و لایوانی که همکار او بودند، در معبد خدمت می کردند و هر روز مشغول انجام وظایف خود در آنجا بودند. انجام کار خدا صرفاً انجام امور مذهبی نیست. کار خدا شامل سایر امور ضروری نیز می شود. حتی اگر این فرصت به شما دست ندهد که تعلیم دهید یا موعظه کنید، خدا می تواند شما را به خدمت بگیرد. چه کارهایی جزو خدمت خدا است؟ کمک به انسانها، محبت نشان دادن به ایشان، گوش دادن به درد دلشان، دعا کردن برای مردم، نظافت و پذیرایی و سرود خواندن در کلیسا، برنامه ریزی کردن و رسیدگی به امور اداری کلیسا و بسیار کارهای دیگر، همگی می توانند جزو خدمت خدا به شمار آیند. راههایی را پیدا کنید که از آن طرق هر روز خدا را خدمت کنید.

زندگی می‌کنم، در حالی که صندوق عهد خداوند در یک خیمه نگهداری می‌شود!»

ناتان در جواب داود گفت: «آنچه را که در نظر داری انجام بده زیرا خدا با توست.»

اولی همان شب خدا به ناتان فرمود^۴ که برود و به خدمتگزار او داود چنین بگوید: «تو آن کسی نیستی که باید برای من خانه‌ای بسازد. زیرا من هرگز در ساختمانی ساکن نبوده‌ام. از آن زمان که بنی‌اسرائیل را از مصر بیرون آوردم تا به امروز خانه من یک خیمه بوده است و از جایی به جای دیگر در حرکت بوده‌ام. قدر طول این مدت هرگز به هیچکدام از رهبران اسرائیل که آنها را برای شبانی قوم خود تعیین نموده بودم، نگفتم که چرا برایم خانه‌ای از چوب سرو نساخته‌اید؟

و حال خداوند قادر متعال می‌فرماید که وقتی چوپان ساده‌ای بیش نبودی و در چراگاه‌ها از گوسفندان نگهداری می‌کردی، تو را به رهبری قوم اسرائیل برگزیدم. هر جایی که رفته‌ای با تو بوده‌ام و دشمنانت را نابود کرده‌ام. تو را از این هم بزرگتر می‌کنم تا یکی از معروفترین مردان دنیا شوی!^۵ برای قوم خود سرزمینی انتخاب کردم تا در آن سروسامان بگیرند. این وطن آنها خواهد بود و قومهای بت پرست دیگر مثل سابق که قوم من تازه وارد این سرزمین شده بود، بر آنها ظلم نخواهند کرد. تو را از شر تمام دشمنانت حفظ خواهم کرد. این منم که خانه تو را می‌سازم.^{۱۱} وقتی تو بمیری و به اجدادات ملحق شوی، من یکی از پسرانت را وارث تاج و تخت تو می‌سازم و حکومت او را تثبیت می‌کنم.^{۱۲} او همان کسی است که خانه‌ای برای من می‌سازد. من سلطنت او را تا به ابد پایدار می‌کنم.^{۱۳} من پدر او و او پسر من خواهد بود و

۴:۱۷

۱توا ۳:۲۸

اعما ۴:۷

۵:۱۷

خرو ۳و۲:۴۰

۶:۱۷

۲سمو ۶:۷

۶:۱۷

۲سمو ۷:۷

۱۱:۱۷

۲سمو ۱۲:۷

۱پاد ۴:۲؛ ۵:۵؛ ۸:۲۵

۱۳:۱۷

۱توا ۱۰:۱۴

عبر ۵:۱

۱۰:۱۷ خدا وعده داد که دشمنان داود را سرکوب کند. فصل‌های ۱۸-۲۰ بیان می‌کند که چگونه خدا به این وعده عمل کرد.

۱۴:۱۲-۱۷ چرا بعد از آنکه خدا این وعده جاودانی را داد، اسرائیلی‌ها عاقبت از سرزمین موعود به اسارت برده شدند؟ وعده‌ای که خدا به داود داد، دو قسمت داشت. قسمت اول شرطی بود: تا وقتی که نسل داود از احکام خدا پیروی کنند و او را جلال دهند، همیشه می‌توانستند بر اسرائیل حکومت کنند. قسمت دوم غیر شرطی بود: سلطنت یکی از پسران داود تا به ابد پایدار خواهد بود. این پسر، عیسی مسیح بود. قسمت اول وعده به اطاعت وفادارانه نسل داود بستگی داشت. قسمت دوم در هر صورت و قطع نظر از نحوه عملکرد نسل داود عملی می‌شد.

معبد را *نسازد* (۱۷:۳-۴)، و داود پذیرفت که مطابق برنامه زمانی خدا قدم بر دارد. اگر شما در رفاه نسبی زندگی می‌کنید در حالی که کار خدا، خانه یا خادمین او با کمبودهایی مواجه‌اند، شاید خدا از شما می‌خواهد که تغییری در این وضع ایجاد کنید. مانند داود، در از بین بردن نابرابری‌ها پیشقدم باشید، اما خود را با برنامه زمانی خدا هماهنگ سازید.

۱۴:۳-۱۷ خدا نمی‌خواست که یک جنگجو معبدش را بسازد (۲۸:۴؛ ۱پادشاهان ۵:۳). داود به دستور خدا برای متحد ساختن قوم، خونهای زیادی ریخته بود. از اینرو، اقتضای ساختن معبد نصیب پسرش، سلیمان شد. داود کشوری متحد و بدون جنگ و نزاع را برای سلیمان بر جای گذارد، کشوری که برای شروع ساختن معبدی زیبا آماده بود.

محبت من از او دور نخواهد شد، آنطور که از شائول دور شد.^{۱۴} تا به ابد او را بر قوم خود و سرزمین اسرائیل خواهم گماشت و فرزندانش همیشه پادشاه خواهند بود.»
^{۱۵}پس ناتان نزد داود بازگشت و آنچه را که خداوند فرموده بود به او باز گفت.

داود در دعا خود را تسلیم خدا می کند

^{۱۶}آنگاه داود به خیمه عبادت رفت و در آنجا نشست، در حضور خداوند چنین دعا کرد: «ای خداوند، من کیستم و خاندان من چیست که مرا به این مقام رسانده‌ای؟^{۱۷} به این هم اکتفا نکردی بلکه به نسل آینده من نیز وعده‌ها دادی. ای خداوند، تو مرا از همه مردم سرافرازتر کرده‌ای.^{۱۸} دیگر چه بگویم که تو می‌دانی من نالایق هستم ولی با وجود این سرافرازم کرده‌ای.^{۱۹} این خواست تو بود که بخاطر خدمتگزاریت داود این کارهای بزرگ را انجام دهی و وعده‌های عظیم را نصیب خدمتگزارت گردانی.^{۲۰} هرگز نشنیده‌ایم که خدایی مثل تو وجود داشته باشد! تو خدای بی‌ظنیری هستی!^{۲۱} در سراسر دنیا، کدام قوم است که مثل قوم تو، بنی اسرائیل، چنین برکاتی یافته باشد؟ تو بنی اسرائیل را رهانیدی تا از آنها برای خود قومی بسازی و نامت را جلال دهی. با معجزات عظیم، مصر را نابود کردی.^{۲۲} بنی اسرائیل را تا به ابد قوم خود ساختی و تو ای خداوند، خدای ایشان شدی.

۱۷:۱۷
۲ سمو ۷:۱۹

۱۹:۱۷
۲ سمو ۷:۲۱
اش ۳۵:۳۷

۲۲:۱۷
خرو ۱۹:۶

^{۲۳}«ای خداوند باشد آنچه که درباره من و خاندانم وعده فرموده‌ای، به انجام رسد.^{۲۴} اسم تو تا به ابد ستوده شود و پایدار بماند و مردم بگویند: خداوند قادر متعال، خدای اسرائیل است. تو خاندان مرا تا به ابد حفظ خواهی کرد.^{۲۵} ای خداوند من، تو به من وعده دادی که خاندانم تا به ابد بر قوم تو سلطنت کند.

۲۴:۱۷
۲ سمو ۷:۱۶ و ۱۲
۱ پاد ۴:۲۵

تو وجود ندارد! تو خدای بی‌ظنیری هستی!» وقتی خدا مقرر می‌کند که طرح‌های شما را کس دیگری به مرحله اجرا در آورد، آیا در این صورت نیز می‌توانید با چنین توافقی در مقابل خواست او سر فرود آورید؟
۲۱:۱۷ اشاره داود به خروج اسرائیل از مصر اهمیت خاصی برای خوانندگان اولیه کتاب اول تواریخ داشته است، زیرا آنها یا در آستانه دومین خروج بزرگ از اسارت در بابل و بازگشت به اسرائیل بودند، یا به تازگی از بابل خارج شده و وارد فلسطین شده بودند. به یاد آوردن وعده‌ها و رحمت و حفاظت خدای اولین خروج، تشویقی بود برای تبعیدی‌ها تا بار دیگر به اسرائیل باز گردند، درست همان‌طور که خدا وعده داده بود.

۲۷:۱۶-۱۷ داود در دعایی که به حضور خدا کرد، خود را متواضع ساخت (۱۷:۱۶-۱۸)، خدا را ستایش نمود (۱۷:۱۹ و ۲۰)، برکات او را مورد تصدیق قرار داد (۱۷:۲۱ و ۲۲)، و تصمیمات و وعده‌ها و فرامین خدا را پذیرفت (۱۷:۲۳ و ۲۴).

۲۷:۱۶-۱۷ داود در مقابل خدا نه با دلگیری، بلکه با تواضع عمیق و اکنش نشان داد. این پادشاه که دشمنانش را شکست داده بود و محبوب مردمش بود، گفت: «من کیستم... که مرا به این مقام رسانده‌ای؟» داود متوجه بود که خدا پادشاه **حقیقی** است. خدا در حق ما نیز نیکی می‌کند. ما نیز مانند داود باید خود را متواضع سازیم و جلال را به خدا بدهیم و بگوییم: «ای خداوند، خدای مثل

به همین سبب است که جرأت کرده‌ام چنین دعایی در حضورت بنمایم.^{۲۶} ای خداوند تو واقعاً خدا هستی و تو این چیزهای خوب را به من وعده فرموده‌ای.^{۲۷} ای خداوند، بگذار این برکت همیشه از آن فرزندان من باشد زیرا وقتی تو برکت می‌دهی، برکت تو ابدی است.»

۳- فتوحات نظامی داود

داود دشمنان زیادی را شکست می‌دهد

۱:۱۸
اسمو ۱:۸

۱۸ پس از چندی باز داود به فلسطینی‌ها حمله کرده، آنها را شکست داد و شهر جت و روستاهای اطراف آن را از دست ایشان گرفت. داود همچنین موآبی‌ها را شکست داد و آنها تابع داود شده، به او باج و خراج می‌دادند.

۳ در ضمن، داود نیروهای هددعزر، پادشاه صوبه را در نزدیکی حمات در هم شکست، زیرا هددعزر می‌کوشید نواحی کنار رود فرات را به چنگ آورد. در این جنگ داود هزار عرابه، هفت هزار سرباز سواره و بیست هزار سرباز پیاده را به اسیری گرفت. او صد اسب برای عرابه‌ها نگه داشت و رگ پای بقیه اسبان را قطع کرد. همچنین با بیست و دو هزار سرباز سوری که از دمشق برای کمک به هددعزر آمده بودند، جنگید و همه آنها را کشت. داود در دمشق چندین قرارگاه مستقر ساخت و مردم سوریه تابع داود شده، به او باج و خراج می‌پرداختند. به این ترتیب داود هر جا می‌رفت، خداوند او را پیروزی می‌بخشید. داود سپرهای طلای سرداران هددعزر را برداشت و به

۲:۱۸ در ۲ سموئیل ۱:۸ و ۲ اشاره شده که داود دو سوم موآبی‌ها را کشت. جده او، روت موآبی بود. ۱۴ و ۱۸ خدا به داود پیروزی بخشید، و در عوض داود با عدل و انصاف حکومت کرد. اگر چه خدا وعده پیروزی در هر نبرد نظامی را به ما نداده است، اما در موفقیت درخشان داود، نشانه‌ای از چگونگی سلطنت آینده مسیح را می‌بینیم: پیروزی کامل و حکومتی عادلانه. اگر پیروزی داود از شکوه و جلال بزرگی برخوردار بود، چقدر بیشتر حکومت مسیح با شکوه و پر جلال خواهد بود. اطمینان ما این است که از طریق ایمان شایستگی آن را پیدا می‌کنیم که به عیسی مسیح پیوند بیابیم. آن روز که با او سلطنت کنیم، در جلال او سهم خواهیم شد.

۱۱:۱۸ وقتی داود هدایایی از توعو پادشاه دریافت داشت، آنها را به خدا وقف کرد، با علم به اینکه همه چیز از او است و باید برای او به کار گرفته شود. خدا چه



داود دشمنان را سرکوب می‌کند. داود به کمک خداوند، قلمرو حکومت خود را گسترش می‌داد. او با گرفتن جت، فلسطینی‌ها را سرکوب کرد، موآب را به تصرف در آورد، و در جنگهایی که در شمال تا مناطق صوبه و حمات در گرفت، پیروز شد (و سوریه را که برای کمک به این اقوام دشمن آمده بود، شکست داد)، و سایر اقوامی را که در همسایگی عمون و عمالیک قرار داشتند، تابع خود ساخت.

اورشلیم برد.^۸ در ضمن مقدار زیادی مفرغ از طحبت و کان شهرهای هددعزر گرفته، آنها را نیز به اورشلیم برد. (بعدها سلیمان از این مفرغ برای ساختن لوازم خانه خدا و حوض و ستونهای واقع در آن استفاده کرد.)^۹ توعو، پادشاه حما، و قتی شنید که داود بر لشکر هددعزر پیروز شده است،^{۱۰} پسرش هدورام را فرستاد تا سلام وی را به او برساند و این پیروزی را به او تبریک بگوید، چون هددعزر و توعو با هم دشمن بودند. هدورام هدایایی از طلا و نقره و مفرغ به داود داد.^{۱۱} داود همه این هدایا را با طلا و نقره‌ای که خود از ادومی‌ها، موآبی‌ها، عمونی‌ها، فلسطینی‌ها، عمالیقی‌ها به غنیمت گرفته بود وقف خداوند کرد.

^{۱۲} ایبشای (پسر صرویه) هجده هزار سرباز ادومی را در دره نمک کشت.^{۱۳} او در سراسر ادوم، قرارگاه‌هایی مستقر کرد و ادومی‌ها تابع داود شدند. داود به هر طرف می‌رفت خداوند به او پیروزی می‌بخشید.
^{۱۴} داود با عدل و انصاف بر اسرائیل حکومت می‌کرد.^{۱۵} فرمانده سپاه او یوآب (پسر صرویه) و وقایع نگار او یهوشافات (پسر اخیلود) بود.^{۱۶} صادوق (پسر اخیطوب) و اخیملک (پسر ایباتار) هر دو کاهن بودند و سرایا منشی دربار بود.^{۱۷} بنایا (پسر یهویداع) فرمانده گارد سلطنتی داود بود. پسران داود مشاوران دربار بودند.

۱۵:۱۸
توا ۱۱:۶

جنگ سپاه داود با عمونی‌ها

پس از چندی ناحاش، پادشاه عمون مرد و پسرش بر تخت او نشست.^{۱۹} داود پادشاه پیش خود فکر کرد: «باید رسم دوستی را با حانون، پسر ناحاش بجا آورم، چون پدرش دوست باوفای من بود.» پس داود نمایندگان به دربار حانون فرستاد تا به او تسلیت بگویند.

۱:۱۹
۲ سمو ۱۰:۱

۱:۱۹ سرزمین عمون در شرق فلسطین قرار داشت. این قوم به طرزی ناپسند و زشت پا به عرصه وجود گذاشت: مؤسس قوم، بن عمی بود که در اثر آمیزش لوط با دخترش به وجود آمد (پیدایش ۱۹:۳۰-۳۸). عمونی‌ها که دشمنان همیشگی اسرائیل بودند، در زمان داوران به اوج قدرت خود رسیدند. داود اولین رهبر نظامی اسرائیل بود که آنها را از میان برد. آنها سالهای متمادی، دیگر نتوانستند مزاحمتی ایجاد کنند.

۲:۱۹-۳ حانون منظور داود را غلط تعبیر کرد. سوء ظن بیش از اندازه او باعث شد گرفتار مصیبت گردد. تجربیات گذشته، می‌تواند به آسانی شخص را دچار سوء ظن افراطی کند، طوری که هر حرکتی برایش سؤال برانگیز می‌شود و حدس‌هایی بی‌مورد درباره انگیزه‌های

چیزی به شما داده است؟ همه هدایا و اموال خود را وقف او کنید و برای جلال او به کار ببرید.

۱۳:۱۸ همه جنگ‌هایی که در این فصل به آنها اشاره شده، نشان می‌دهد که چطور خدا پیوسته به داود پیروزی می‌بخشید. افراد بی‌ایمان فکر می‌کنند که پیروزی در اثر مهارت خودشان، و نیز اندکی بخت و اقبال، به دست می‌آید. همان‌طور که داود به نقشی که خدادر پیروزی‌اش داشت پی برد، ما نیز باید این حقیقت را اذعان داریم.

۱۷:۱۸ کربتی‌ها و فلیتی‌ها احتمالاً گروهی از سربازان بیگانه بودند که در زمانی که داود از دست شائول فرار می‌کرد، به او ملحق شده بودند. آنها در طول سلطنت داود به او وفادار ماندند (۲ سموئیل ۱۷:۱۵ و ۱۸) و جزء گارد سلطنتی او شدند.

ولی وقتی نمایندگان به عمون رسیدند،^۳ بزرگان عمون به حانون گفتند: «این اشخاص به احترام پدرت به اینجا نیامده‌اند، بلکه داود آنها را فرستاده است تا پیش از حمله به ما، شهرها را جاسوسی کنند.»^۴ از این رو، حانون فرستاده‌های داود را گرفته، ریششان را تراشید، لباسشان را از پشت پاره کرد و ایشان را نیمه برهنه به کشورشان برگردانید.

نمایندگان داود خجالت می‌کشیدند با این وضع به وطن مراجعت کنند. داود چون این خبر را شنید، دستور داد آنها در شهر اریحا بمانند تا ریش‌شان بلند شود.

مردم عمون وقتی فهمیدند با این کار، داود را دشمن خود کرده‌اند، سی و چهار تن نقره فرستادند تا از معکه و صوبه، واقع در سوریه، عرابه‌ها و سواره نظام اجیر کنند.^۵ با این پول سی و دو هزار عرابه و خود پادشاه معکه و تمام سپاه او را اجیر کردند. این نیروها در میدبا اردو زدند و سربازان حانون پادشاه هم که از شهرهای عمون جمع شده بودند، در آنجا به ایشان پیوستند.^۶ وقتی داود از این موضوع با خبر شد، یوآب و تمام سپاه اسرائیل را به مقابله با آنها فرستاد.^۷ عمونی‌ها از دروازه‌های شهر خود دفاع می‌کردند و نیروهای اجیر شده در صحرا مستقر شده بودند.

^۸وقتی یوآب دید که باید در دو جبهه بجنگد، گروهی از بهترین رزمندگان خود را انتخاب کرده، فرماندهی آنها را بعده گرفت تا به جنگ سربازان سوری برود.^۹ بقیه سربازان را نیز به برادرش ابیشای سپرد تا به عمونی‌ها که از شهر دفاع می‌کردند، حمله کند.

^{۱۰}یوآب به برادرش گفت: «اگر از عهده سربازان سوری برنیامدم به کمک من بیا، و اگر تو از عهده عمونی‌ها برنیامدی، من به کمک تو می‌آیم.»^{۱۱} شجاع باش! اگر واقعاً می‌خواهیم قوم خود و شهرهای خدای خود را نجات دهیم، امروز باید مردانه بجنگیم. هر چه خواست خداوند باشد، انجام می‌شود.^{۱۲} وقتی یوآب و سربازانش حمله کردند، سوری‌ها پا به فرار گذاشتند.^{۱۳}

۷:۱۹
اعد ۲۱:۳۰
یوش ۱۳:۹، ۱۶

۱۴:۱۹
اسمو ۱۰:۱۴

۶:۱۹ حانون به‌جای آنکه اشتباهش را بپذیرد و در پی بخشش و مصالحه باشد، سی و چهار تن نقره خرج کرد تا خود را از عواقب خطایش محفوظ نگاه دارد. این کار برای او سنگین تمام شد (۳-۱:۲۰). پوشاندن خطا اغلب برایمان سنگینتر تمام می‌شود تا وقتی که آن را صادقانه می‌پذیریم. به‌جای آنکه با گرفتن حالت تدافعی، وضع را بدتر کنید، به محض آنکه به اشتباه خود پی بردید، در پی بخشش و مصالحه باشید. با این کار خود و دیگران را از رنج و عذاب فراوان نجات خواهید داد.

دیگران می‌زند. اما ما در ارتباط خود با دیگران، در همان حال که باید محتاط و عاقل باشیم، نباید تصور کنیم که هر عملی که از دیگران سر می‌زند، مقصود بدی در پس آن نهفته است.

۵و۴:۱۹ مردان یهودی همیشه ریش داشتند. تراشیده شدن ریش، آن هم به شکلی خشونت‌بار، به اندازه کافی برای این مردها خجالت‌آور بود، اما علاوه بر این، آنها را نیمه‌برهنه نیز روانه کردند. رفتار حانون باعث تحقیر این مردها شد و توهینی بود به اسرائیل.

۱۵ عمونی‌ها نیز وقتی دیدند مزدوران سوری فرار می‌کنند، آنها هم گریختند و تا داخل شهر عقب‌نشینی نمودند. سپس یوآب به اورشلیم مراجعت کرد. ۱۶ سوری‌ها وقتی دیدند نمی‌توانند در مقابل اسرائیلی‌ها مقاومت کنند، سربازان سوری شرق رود فرات را نیز به کمک طلبیدند. فرماندهی این نیروها بعهده شوپک فرمانده سپاه هددعزر بود.

۱۶:۱۹
۲ سمو ۱۰:۱۶

۱۷ داود چون این را شنید، همه سربازان اسرائیلی را جمع کرده، از رود اردن گذشت و با نیروهای دشمن وارد جنگ شد. ۱۸ ولی سوری‌ها باز هم گریختند و داود و سربازانش هفت هزار عرابه سوار و چهل هزار پیاده سوری را کشتند. شوپک نیز در این جنگ کشته شد. ۱۹ وقتی پادشاهان مزدور هددعزر دیدند که سربازان سوری شکست خورده‌اند، با داود صلح نموده، به خدمت او درآمدند. از آن پس دیگر سوری‌ها به عمونی‌ها کمک نکردند.

سپاه داود عمونی‌ها را شکست می‌دهد

۲۰ سال بعد در فصل بهار، فصلی که پادشاهان معمولاً درگیر جنگ هستند یوآب سپاه اسرائیل را بسیج کرد و به شهرهای عمونی‌ها حمله برد، اما داود پادشاه در اورشلیم ماند. یوآب شهر ربه را محاصره نموده، آن را گرفت و ویران کرد. ۱ وقتی داود به میدان جنگ آمد، تاج گرانبهای پادشاه عمونی را از سر او برداشت و بر سر خود گذاشت. این تاج حدود سی و پنج کیلو وزن داشت و از طلا و جواهرات قیمتی ساخته شده بود. داود غنیمت زیادی از شهر ربه گرفت و با خود برد. ۲ داود، مردم آن شهر را اسیر کرده، اره و تیشه و تبر بدستشان داد و آنها را به کارهای سخت گماشت. او با اهالی شهرهای دیگر عمون نیز همینطور عمل کرد. سپس داود و قشون او به اورشلیم بازگشتند.

۱:۲۰
۲ سمو ۱۱:۱، ۱۲:۲۶

۲:۲۰
۲ سمو ۱۲:۲۹ و ۳۰

۳:۲۰
۲ سمو ۱۲:۳۱

جنگ داود با فلسطینی‌ها

۴ پس از مدتی باز جنگی با فلسطینی‌ها در جازر در گرفت. سبکای حوشاتی، سفای را که یک غول فلسطینی بود، کشت و فلسطینی‌ها تسلیم شدند.

۴:۲۰
۲ سمو ۲۱:۱۸

جنگ بودند؟ پادشاهان متخاصم در طول زمستان طرح و نقشه جنگهای آینده را می‌کشیدند. سپس، وقتی هوا مساعد می‌شد، خشم فرو خورده و نیروی انباشته شده خود را در جنگ تخلیه می‌کردند. در انتظار «بهارهای» آینده زندگی خود باشید، یعنی مواقعی که در آنها بیش از هر موقع دیگری نسبت به مسائل اطراف خود حساس هستید. سپس ترس و تلخی‌ها و خشمی را که در وجود خود دارید، به خدا اعتراف کنید و تصمیم بگیرید که این حالات منفی را از خود دور کنید و بگذارید خدا شما را شفا دهد.

۱:۲۰ زناى داود و بتشبع در این هنگام روی داد، موقعی که داود به‌جای رفتن به جنگ، در اورشلیم ماند (۲ سموئیل ۱۱ و ۱۲). این ماجرا در کتاب اول تواریخ گنجانده نشده است، شاید به این علت که هدف اصلی این کتاب، نشان دادن توجه همیشگی خدا به قوم اسرائیل و به معبد به‌عنوان مظهر حضور او در میان آنها می‌باشد. ماجرای داود و بتشبع در راستای این هدف نبود. ماجرای سرکشی ابسالوم نیز که در بین این فصل و فصل بعدی اتفاق افتاد، به همین علت ذکر نشده است (۲ سموئیل ۱۵ و ۱۸). ۱:۲۰ چرا بهار فصلی بود که پادشاهان معمولاً درگیر

۵ در طی جنگ دیگری با فلسطینی‌ها، الحانان (پسر یاعیر)، لحمی را که برادر جلیات جتی بود و نیزه‌ای به کلفتی چوب نساچها داشت، کشت.
 ۶ یک بار هم وقتی فلسطینی‌ها در جت با اسرائیلی‌ها می‌جنگیدند، یک غول فلسطینی که در هر دست و پایش شش انگشت داشت، نیروهای اسرائیلی را به ستوه آورد. آنگاه یوناتان، برادر زادهٔ داود که پسر شمعا بود، او را کشت.
 ۸ این سه مرد که به دست داود و سربازان او کشته شدند، از نسل غول‌پیکران جت بودند.

داود مردان جنگی را می‌شمارد

۲۱ شیطان خواست اسرائیل را دچار مصیبت نماید، پس داود را اغوا کرد تا اسرائیل را سرشماری کند. ^۱ داود به یوآب و سایر رهبران اسرائیل چنین دستور داد: «به سراسر اسرائیل بروید و مردان جنگی را سرشماری کنید و نتیجه را به من گزارش دهید.»
^۲ یوآب جواب داد: «خداوند لشکر خود را صد برابر افزایش دهد. همهٔ این سربازان مال پادشاه هستند، پس چرا آقام می‌خواهد دست به سرشماری بزند و اسرائیل را گناهکار سازد؟»

۵:۲۰

اسمو ۷:۴:۱۷

اسمو ۱۹:۲۱

اتوا ۲۳:۱۱

۱:۲۱

اسمو ۱:۲۴

۲:۲۱

اتوا ۲۴:۲۷ و ۲۴

۳:۲۱

تث ۱۱:۱

تشخیص داد که این سرشماری گناه است. درسی که از این عملکرد داود می‌گیریم این است که عملی که شاید ذاتاً نادرست نباشد، اگر با انگیزه‌هایی نظیر طمع، تکبر، یا خودخواهی انجام گیرد، می‌تواند گناه‌آلود باشد. اغلب این انگیزه‌های ما است که موجب گناه می‌شود، نه اعمال ما. همیشه باید قبل از اقدام به انجام کاری، انگیزه‌های خود را بسنجیم.

۲۱:۱-۳ داود در دام وسوسه شیطان افتاد. خدا از طریق مشورتی که یوآب داد، راه فراری از این دام برای داود مهیا کرد، اما تکبر آتش کنجکاو او را فروزان نگه داشت. ایمان او به‌جای آنکه به قدرت خدا باشد، به قدرت خودش بود. غرور و کنجکاو می‌تواند باعث سقوط ما نیز بشود. اگر ما خود را خودکفا بدانیم و بدون توکل به خدا، فقط به قدرت خودمان متکی باشیم، خیلی زود گرفتار توطئه‌های شیطان می‌شویم. ما در خودکفایی امنیت خود را از دست می‌دهیم. برای فرار از وسوسه، تمایلات قلبی خود را بررسی کنید تا پی ببرید چرا وسوسه‌های بیرونی اینقدر جذابند. (برای کسب اطلاعات بیشتر درباره فرار از وسوسه، نگاه کنید به اقرنتیان ۱۰:۱۳).

۲۱:۱ سرشماری داود مصیبت به بار آورد، زیرا بر خلاف سرشماری‌ای که در کتاب اعداد به فرمان خدا صورت گرفت (اعداد ۲۰)، این سرشماری برای آن بود که داود بتواند به قدرت سپاهش افتخار کند. داود با ارزیابی میزان قدرت نظامی خود، کم‌کم بر قدرت نظامی تکیه می‌کرد تا بر قدرت خدا. ما می‌توانیم با اطمینان خاطر به خدا اتکا کنیم، یا مغرور شویم از اینکه خدا ما را برای انجام مقاصد بزرگ به کار گرفته است؛ بین این دو حالت خط باریکی وجود دارد.

۲۱:۱ از متن کتاب مقدس چنین بر می‌آید که شیطان داود را مجبور به گرفتن تصمیم برای سرشماری کرد. آیا شیطان می‌تواند مردم را وا دارد که خطا کنند؟ نه، شیطان فقط با ایجاد طرح سرشماری در ذهن داود، او را وسوسه کرد؛ اما عملی کردن وسوسه با داود بود. از زمان باغ عدن، شیطان همیشه مردم را وسوسه کرده است که گناه کنند. سرشماری داود بر خلاف شریعت خدا نبود، اما انگیزه او از انجام سرشماری نادرست بود و آن، افتخار کردن به سپاه قدرتمندش بود؛ در حالی که او فراموش کرده بود که قدرت واقعی‌اش از خدا سرچشمه می‌گیرد. حتی یوآب، که از نظر اخلاقیات شخص برجسته‌ای نبود،

اما پادشاه نظرش را عوض نکرد. پس یوآب مطابق آن دستور، سراسر خاک اسرائیل را زیرپا گذاشت و پس از سرشماری به اورشلیم بازگشت. ۵:۲۱
اعد ۱۶:۱۷؛
اسمو ۲:۹

گزارش کار را تقدیم پادشاه کرد. تعداد مردان جنگی در تمام اسرائیل یک میلیون و صد هزار نفر بود که از این عده چهار صد و هفتاد هزار نفر از یهودا بودند. ۶:۲۱
توا ۲۷:۲۴

یوآب از قبیله‌های لاوی و بنیامین سرشماری نکرد، زیرا با دستور پادشاه مخالف بود.

این کار داود در نظر خدا گناه محسوب می‌شد، پس او اسرائیل را بسبب آن تنبیه نمود. ۸:۲۱
اسمو ۱۲:۱۳

آنگاه داود به خدا عرض کرد: «با این کاری که کردم گناه بزرگی مرتکب شدم. التماس می‌کنم این حماقت مرا ببخش.»
۹:۲۱
اسمو ۹:۹
اسمو ۲:۲۴
توا ۲۹:۲۹

خداوند به جاد، نبی داود فرمود: ۱۰ «برو و به داود بگو که من سه چیز پیش او می‌گذارم و او می‌تواند یکی را انتخاب کند.»

۱۱ جاد پیش داود آمد و پیغام خداوند را به او رسانده، گفت: «بین این سه، یکی را انتخاب کن: ۱۲ سه سال قحطی، یا سه ماه فرار از دست دشمن، یا سه روز مرض مهلک و کشتار بوسیله فرشته خداوند. در این باره فکر کن و به من بگو که به خدا چه جوابی بدهم.»

۱۳ داود جواب داد: «در تنگنا هستم. بهتر است بدست خداوند بیفتم تا بدست انسان، زیرا رحمت خداوند بسیار عظیم است.»
۱۳:۲۱
مز ۱:۵۱؛ ۱۳۰:۷

۱۴ پس خداوند مرض مهلکی بر اسرائیل فرستاد و هفتاد هزار نفر مردند.

۷:۲۱ رهبری، مسؤولیت به همراه دارد. وقتی داود مرتکب اشتباه شد، قومش عواقب ناشی از آن را متحمل شدند. داود در تصمیم‌گیری برای سرشماری، با خدا مشورت نکرد یا به مشورت یوآب گوش نداد، و قوم به سختی لطمه دید. وقتی در مقابل تصمیمات مهم قرار می‌گیریم، اول باید هدایت خدا را بطلبیم. خدا ممکن است پاسخ دعا را به چندین طریق بدهد، اما اغلب به شکل مشورت دیگران عمل می‌کند. با آنکه شنیدن مشورتی که بر خلاف نقشه‌های ما است سخت است، اما ممکن است ما را از عواقب دردناک نجات دهد.

۸:۲۱ وقتی داود متوجه گناهش شد، مسؤولیت آن را به عهده گرفت، و قبول کرد که اشتباه کرده، و از خدا خواست که او را ببخشد. بسیاری از مردم دوست دارند خدا و برکاتش را به زندگی خود ضمیمه کنند، بدون آنکه گناه یا خطای شخصی خود را بپذیرند. اما اعتراف و توبه باید قبل از طلبیدن بخشش انجام بگیرد. ما مانند داود باید کاملاً مسؤولیت اعمالمان را به عهده بگیریم و پیش از آنکه انتظار داشته باشیم او ما را ببخشد و به عمل خود در زندگی مان ادامه دهد، باید به آنها اعتراف کنیم.

۱۴:۲۱ وقتی گناهی صورت می‌گیرد، زنجیروار پیامدهایی به دنبال دارد. خدا گناه ما را می‌بخشد به شرط آنکه از او بخواهیم؛ اما پیامدهای این گناه بخشیده‌شده، دیگر به جریان افتاده است. داود از خدا تقاضا کرد که به او رحم کند، و خدا با باز داشتن فرشته از انجام کامل مأموریتی که برای کشتن داشت، دعای او را مستجاب کرد. با وجود این، پیامدهای گناه داود، صدمه سختی وارد کرده بود. خدا همیشه گناهان ما را می‌بخشد و غالباً برای کاستن پیامدهای تلخ آنها دخالت می‌کند، اما اثر نامطلوب آنها باقی می‌ماند. پیش از آنکه دست به اقدامی بزنیم، لازم است پیامدهای احتمالی آن را مد نظر قرار دهیم؛ این کار می‌تواند ما و دیگران را از رنج و اندوه زیاد برهاند.

۱۴:۲۱ چرا ۷۰,۰۰۰ نفر بی‌گناه به‌خاطر گناه داود مردند؟ جامعه ما برای زندگی فرد فرد انسانها اهمیت زیادی قائل می‌شود. اما در زمان‌های قدیم، بزرگ خانواده یا رهبر قبيله و یا پادشاه نماینده افراد تحت رهبری خود بود؛ انتظار می‌رفت که مردم نه فقط در موفقیت‌ها و پیروزیهای ایشان سهمیم باشند، بلکه در شکست‌ها و مجازات‌هایشان نیز. داود به‌خاطر گناهی که مرتکب شد

- ۱۵:۲۱ خرو ۱۴:۳۲
اسمو ۱۱:۱۵
یونس ۱۰:۳
- ۱۶:۲۱
۲۷:۲۱
- ۱۷:۲۱
اسمو ۸:۷
مر ۱:۷۴
- ۱۸:۲۱
توا ۱:۳
- ۲۴:۲۱
اسمو ۲۴:۲۴
- ۱۵ سپس فرشته‌ای فرستاد تا اورشلیم را نابود کند. اما خداوند از این کار متأسف شد و به فرشته مرگ چنین دستور داد: «کافی است! دست نگهدار!» در این هنگام فرشته خداوند در زمین خرمکوبی شخصی به نام ارونة ییوسی ایستاده بود.^{۱۶} داود فرشته خداوند را دید که بین زمین و آسمان ایستاده و شمشیرش را بطرف اورشلیم دراز کرده است. پس داود و بزرگان اورشلیم پلاس پوشیدند و در حضور خداوند به خاک افتادند.
- ۱۷ داود به خدا گفت: «من مقصر و گناهکار هستم، زیرا من بودم که دستور سرشماری دادم. اما این مردم بیچاره چه کرده‌اند؟ ای خداوند، من و خاندان مرا مجازات کن ولی قوم خود را از بین نبر.»
- ۱۸ فرشته خداوند به جاد دستور داد به داود بگوید که در زمین خرمکوبی ارونة ییوسی، قربانگاهی برای خداوند بسازد.^{۱۹} پس داود رفت تا به دستور خداوند عمل کند.^{۲۰} ارونة که مشغول کوبیدن خرمن گندم بود وقتی روی خود را برگرداند فرشته خداوند را دید. چهار پسر او از ترس دویدند و خود را پنهان کردند.^{۲۱} ارونة، داود پادشاه را دید که بطرف او می‌آید. پس فوری دست از کوبیدن خرمن کشید و در حضور پادشاه بخاک افتاد.
- ۲۲ داود به ارونة گفت: «زمین خرمکوبی خود را به من بفروش؛ قیمت آن هر چه باشد به تو می‌دهم. می‌خواهم در اینجا برای خداوند قربانگاهی بسازم تا این بلا رفع شود.»
- ۲۳ ارونة به پادشاه گفت: «آن را پیشکش می‌کنم. همه چیز در اختیار شماست گاو برای قربانی، خرمن کوب برای روشن کردن آتش قربانی و گندم برای هدیه آردی. همه را به پادشاه تقدیم می‌کنم.»
- ۲۴ پادشاه جواب داد: «نه، من تمام قیمت آن را می‌پردازم، چون نمی‌توانم مال تو را بگیرم و به خداوند هدیه کنم. نمی‌خواهم چیزی که برای من مفت تمام شده، بحضور خداوند تقدیم کنم.»

خدا از این مجازات سخت پی ببریم. ما نمی‌دانیم انبیا، سران قوم، و سایر مشاورین در طول وقوع این رویداد کجا بودند و نمی‌دانیم که آیا آنها با پادشاه موافق بودند یا نه. اما می‌دانیم که اتکای صرف به قدرت نظامی، بت پرستی است. هر چیزی که جای خدا را بگیرد، گناه آلود است و گناه به مرگ می‌انجامد.

۲۴:۲۱-۲۲:۲۱ وقتی داود خواست زمین ارونة را بخرد تا قربانگاهی در آنجا بسازد، او با سخاوتمندی آن را به داود هدیه کرد. اما داود نپذیرفت و گفت: «نمی‌توانم مال تو را بگیرم و به خداوند هدیه کنم.» داود می‌خواست قربانی به خدا تقدیم کند. کلمه *قربانی* دلالت دارد بر دادن

مستحق مجازات بود، اما مرگ او می‌توانست به اغتشاش سیاسی و تجاوزات سپاهیان دشمن بینجامد که متعاقب آن صدها هزار نفر کشته می‌شدند. در عوض، خدا از روی فیض خود، از گرفتن جان داود صرف نظر کرد. همچنین خدا نزول بلا بر اسرائیل را متوقف ساخت، به طوری که بیشتر مردم اسرائیل از مرگ رهایی پیدا کردند.

خدا ما را به گونه‌ای آفریده که با هم کار کنیم و به یکدیگر وابسته باشیم. این را چه عادلانه بدانیم چه ندانیم، افراد گروه معمولاً از گناهان رهبر گروه لطمه می‌بینند. به همین شکل، اعمال ما چه بخواهیم چه نخواهیم، همیشه بر سایرین اثر می‌گذارد. ما نمی‌توانیم به طور کامل به قصد

۲۵ پس داود ششصد مثقال طلا به ارونه پرداخت. ۲۶ و در آنجا برای خداوند یک قربانگاه ساخت و روی آن قربانی‌های سوختنی و سلامتی تقدیم کرد. سپس نزد خداوند دعا کرد و خداوند هم با فرستادن آتش از آسمان و سوزانیدن قربانی‌های روی قربانگاه، او را مستجاب فرمود. ۲۷ آنگاه خداوند به فرشته دستور داد که شمشیرش را غلاف کند. ۲۸ داود چون دید که خداوند جواب دعایش را داده است، بار دیگر در آنجا قربانی‌هایی به او تقدیم کرد.

۲۹ در آن هنگام خیمهٔ عبادت که موسی در بیابان آن را درست کرده بود، و نیز قربانگاه، در بالای تپه جبعون قرار داشت، ۳۰ ولی داود نمی‌توانست برای دعا به آنجا برود، زیرا از شمشیر فرشتهٔ خداوند می‌ترسید.

۲۶:۲۱

لاو ۲۴:۹
داو ۲۱:۶

۲۹:۲۱

پاد ۴:۳
توا ۱۶:۳۹

۴- داود مقدمات ساختن معبد را فراهم می‌کند داود مصالح ساختن معبد را آماده می‌کند

۲۲ سپس داود در کنار قربانگاهی که ساخته بود، ایستاد و گفت: «این همان جایی است که باید خانهٔ خداوند بنا شود و این قربانگاه برای قربانی‌های قوم اسرائیل خواهد بود.»

۲ داود تمام ساکنان غیر یهودی اسرائیل را برای ساختن خانهٔ خدا بکار گرفت. از بین آنها افرادی را برای تراشیدن سنگ تعیین کرد. ۳ او مقدار زیادی آهن تهیه کرد تا از آن میخ و گیره برای دروازه‌ها درست کنند. او همچنین بقدری مفرغ تهیه کرد که نمی‌شد آن را وزن نمود! ۴ مردان صور و صیدون نیز تعداد بیشماری الوار سرو برای داود آوردند.

۵ داود گفت: «پسر سلیمان، جوان و کم تجربه است و خانهٔ خداوند باید پرشکوه و در دنیا معروف و بی‌نظیر باشد. بنابراین، من از حالا برای بنای آن تدارک می‌بینم.»

پس داود پیش از وفاتش، مصالح ساختمانی زیادی را فراهم ساخت و به پسر خود سلیمان سفارش کرد خانه‌ای برای خداوند، خدای اسرائیل بنا کند.

۱:۲۲

۲ سمو ۱۸:۲۴

توا ۲۱:۱۸

توا ۱:۳ ؛ ۶:۵و۶

۲:۲۲

پاد ۱۷:۵ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱

توا ۲:۱۷

۴:۲۲

پاد ۵:۵

۵:۲۲

پاد ۳:۷

توا ۱:۲۹

به معبد می‌رفتند، به خاطر می‌آوردند که خدا پادشاه حقیقی آنها است و هر کسی دیگری از جمله پادشاه، انسان است و جایز الخطا و در معرض گناه قرار داد. خدا می‌تواند حتی اعمال گناه‌آلود ما را برای اهداف نیک به کار گیرد، به شرط آنکه از اعمال خود پشیمان و در پی بخشش او باشیم. وقتی به گناهان خود اعتراف می‌کنیم، راه برای خدا باز می‌شود تا از وضعیتی بد، نتایج نیکی به‌وجود آورد.

۵:۲۲ داود قبلاً سلیمان را برای جانشینی خود انتخاب کرده بود.

چیزی که به بهای نیرو یا وقت یا پول ما تمام شود. آیا برای ما خدمت به خدا به بهای مایه گذاشتن از چیزی تمام می‌شود، یا اینکه از مازاد چیزی که داریم بدون درد سر به او خدمت می‌کنیم؟ اگر چیزی را که برایمان مفت تمام شده به خدا بدهیم، این نشان‌دهنده وفاداری ما به او نیست.

۱۶:۲۲ اشتباه مصیبت‌بار داود منتهی شد به خرید قطعه زمینی که می‌بایست محل ساخت معبد خدا گردد، معبدی که مظهر حضور خدا در بین قومش بود. هر بار که مردم

۷:۲۲ ۳ سمو ۲:۷ ۱:۱۷ اتوا	داود به سلیمان گفت: «ای پسر من خودم می‌خواستم خانه‌ای برای خداوند، خدای خود بسازم، ^۸ اما خداوند به من فرمود که چون جنگهای بزرگ کرده‌ام و دستم به خون انسانهای زیادی آلوده شده است، نمی‌توانم خانه‌ او را بسازم. ولی او به من وعده داده، فرمود: پسری به تو می‌دهم که مردی صلح‌جو خواهد بود و من شر تمام دشمنان را از سر او کم خواهم کرد. نام او سلیمان یعنی «صلح» خواهد بود. در طی سلطنت او به قوم اسرائیل صلح و آرامش خواهم بخشید. ^۹ او خانه‌ای برای من بنا خواهد کرد. او پسر من و من پدر او خواهم بود، و پسران و نسل او را تا به ابد بر تخت سلطنت اسرائیل خواهم نشاند.
۱۰:۲۲ ۲ سمو ۱۲:۲۴ و ۲۵ ۱ اتوا ۱۲:۱۷	«پس حال ای پسر من، خداوند همراه تو باشد و تو را کامیاب سازد تا همانطور که فرموده است بتوانی خانه‌ خداوند، خدایت را بسازی. ^{۱۰} خداوند به تو بصیرت و حکمت عطا کند تا وقتی پادشاه اسرائیل می‌شوی تمام قوانین و دستورات او را بجا آوری. ^{۱۱} چون اگر مطیع دستورات و احکام خداوند که توسط موسی به بنی‌اسرائیل داده است باشی، او تو را موفق می‌گرداند. پس قوی و دلیر باش، و ترس و واهمه را از خود دور کن!
۱۱:۲۲ ۱ اتوا ۱۶:۲۲ ۱۲:۲۲ ۱ پاد ۹:۳ ۱ اتوا ۱۰:۱	«من با تلاش زیاد سه هزار و چهار صد تن طلا و سی و چهار هزار تن نقره جمع‌آوری کرده‌ام، و این علاوه بر آهن و مفرغ بی‌حساب، الوار و سنگی است که برای خانه‌ خداوند آماده ساخته‌ام. تو نیز باید به این مقدار اضافه کنی. ^{۱۲} تو سنگتراشها و بناها و نجارها و صنعتگران ماهر بسیار برای انجام هر نوع کاری در خدمت خود داری. ^{۱۳} ایشان در زرگری و نقره‌سازی و فلزکاری مهارت بسیار دارند. پس کار را شروع کن. خداوند با تو باشد!»
۱۴:۲۲ ۱ اتوا ۳:۲۲؛ ۴:۲۹	«سپس داود به تمام بزرگان اسرائیل دستور داد که پسرش را در انجام این

بخوانند، و فرق میان درست و نادرست را تشخیص دهند و به اهمیت کلیسای پی ببرند.

۱۳ و ۱۲:۲۲ داود آموخت که برای خشنود ساختن خدا وقف کامل به او لازم است؛ یعنی، اطاعت از او «با تمام نیروی خود» (۱۹:۲۲). و این مستلزم گرفتن تصمیمات درست (داوری مناسب)، و هم داشتن وضعیت درست (وقت، جرأت، و اشتیاق) است. کافی نیست که فقط بدانیم خدا چه می‌خواهد؛ قلب شما باید کاملاً وقف او باشد. عیسی فرمود: «کسی که تمام هوش و حواسش متوجه خدمت به من نباشد، لایق این خدمت نیست» (لوقا ۶:۲۹). هر چیزی را که حواس شما را از توجه به خدا پرت می‌کند، از خود دور سازید، و با تمام وجود او را خدمت کنید.

۱۰-۷:۲۲ خدا به داود فرمود که معبد به دست او بنا نخواهد شد، بلکه این کار بر عهده پسرش، سلیمان خواهد بود. داود با بزرگواری، پاسخ منفی خدا در مورد ساختن معبد را پذیرفت. او از اینکه افتخار ساختن معبد از آن پسرش می‌شود حسادت نکرد، بلکه مقدمات را برای سلیمان آماده کرد تا کاری را که بر عهده او گذاشته شده بود، به‌انجام برساند. به همین شکل، ما امروز باید اقدامات لازم را برای آماده کردن راه برای فرزندانمان به‌عمل بیاوریم تا ایشان در آینده به دعوت خدا پی ببرند و اراده او را در زندگی خود عملی سازند. فرزندان ما دیر یا زود باید تصمیم خود را بگیرند. اما ما با تجهیز کردن آنها با ابزار مناسب، می‌توانیم به آنها کمک کنیم، یعنی به آنها بیاموزیم که چگونه دعا کنند، چگونه کلام خدا را

کار کمک کنند.^{۱۸} داود به آنان گفت: «خداوند، خدای شما با شماست. او از هر طرف به شما صلح و آرامش بخشیده، زیرا من به یاری خداوند دشمنان این سرزمین را شکست دادم و آنها الان مطیع شما و خداوند هستند.^{۱۹} پس با تمام نیروی خود خداوند، خدای خویش را اطاعت کنید. دست بکار شوید و خانه خداوند را بسازید تا بتوانید صندوق عهد و سایر اشیا مقدس را به خانه خداوند بیاورید!»

۱۸:۲۲

توا ۹:۲۲؛ ۲۵:۲۳

۱۹:۲۲

۱ پاد ۲۱:۶-۸

توا ۹:۲۸

توا ۷:۵

داود وظایف لایوان را تعیین می کند

وقتی داود پیر و سالخورده شد پسرش سلیمان را بر تخت سلطنت اسرائیل نشانند.

۲۳

۱:۲۳

توا ۵:۲۸؛ ۲۸:۲۲؛ ۲۹

داود تمام رهبران اسرائیل و کاهنان و لایوان را جمع کرد. سپس دستور داد که از لایوان سرشماری بعمل آید. تعداد کل مردان لاوی سی ساله و بالاتر، سی و هشت هزار نفر بود. داود فرمان داد که بیست و چهار هزار نفر از آنها بر کار ساختمان خانه خداوند نظارت کنند، شش هزار نفر قاضی و مأمور اجرا باشند،^۵ چهار هزار نفر نگهبان خانه خدا و چهار هزار نفر دیگر با آلات موسیقی که او تهیه کرده بود خداوند را ستایش کنند.

۳:۲۳

اعد ۴۸:۳-۴

توا ۲۴:۲۳

۴:۲۳

توا ۱۶:۱۵؛ ۲۶:۲۹

عز ۹:۸؛ ۳

سپس داود آنها را برحسب طایفه های لاوی، به سه دسته تقسیم کرد: جرشون، قهات و مراری.

۶:۲۳

توا ۱:۶

دسته جرشون از دو گروه به نامهای پسرانش لعدان و شمعی تشکیل شده بود.^{۱۰} این دو گروه نیز از شش گروه دیگر تشکیل شده بودند که به نام پسران لعدان و شمعی خوانده می شدند. اسامی پسران لعدان یحیئیل، زیتام و یوئیل بود. ایشان رهبران خاندان لعدان بودند. اسامی پسران شمعی شلومیت، حزیئیل و هاران بود.

خاندان های شمعی به اسم یحت، زینا، یعوش و بریعه (چهار پسر شمعی) نامیده می شدند.^{۱۱} یحت بزرگتر از همه بود و بعد زینا. اما یعوش و بریعه با هم یک خاندان را تشکیل می دادند، چون هیچکدام پسران زیادی نداشتند.

اطلاعات درباره مراحل ساخت آن حتماً برای ایشان ارزشمند بوده است. پنج فصل بعدی نشان می دهد که سازماندهی برای خدمت مؤثر ضروری است.

۳:۲۳ چرا این سرشماری قابل قبول بود، اما سرشماری قبلی چنین نبود (۲۱)؟ این سرشماری فقط از لایوان یعنی از کسانی که برای خدمت به خدا وقف شده بودند، به عمل آمد و از آن برای سازماندهی کار بنای معبد استفاده شد. اساس این سرشماری برخلاف سرشماری قبلی که از مردان جنگی به عمل آمد، بر غرور یا خودکفایی استوار نبود.

۱:۲۳ برای کسب اطلاعات بیشتر درباره تاجگذاری سلیمان و کوششهایی که او برای حفظ تاج و تختش کرد، مراجعه کنید به اول پادشاهان فصل های ۱ و ۲.

۱:۲۳ اگر چه داود نتوانست معبد را بسازد، اما توانست مقدمات کار را فراهم کند، و در این کار نیز با جدیت عمل کرد. او نه تنها بودجه و مصالح لازم برای ساختن خانه خدا را جمع آوری کرد، بلکه ترتیب بیشتر امور اجرایی معبد و مراسم عبادتی آن را نیز داد. خوانندگان اولیه کتاب تواریخ معبد را بازسازی می کردند، و این

۱۲ دستة قهات از چهار گروه به نامهای پسرانش عمارم، یصهار، حبرون و عزى ئیل تشکیل شده بود.

۱۳ عمارم پدر موسی و هارون بود. هارون و نسل او برای خدمت مقدس تقدیم قربانی و هدایای بنی اسرائیل به حضور خداوند انتخاب شدند تا پیوسته خداوند را خدمت کنند و بنی اسرائیل را به نام خداوند برکت دهند.

۱۴ و ۱۵ جرشوم و العازار پسران موسی، مرد خدا نیز جزو قبیله لاوی بودند. ۱۶ این پسران جرشوم، شبوئیل رهبر بود. ۱۷ العازار فقط یک پسر داشت به نام رحبیا. رحبیا رهبر خاندان خود بود و فرزندان بسیار داشت.

۱۸ از پسران یصهار، شلومیت رهبر خاندان بود.

۱۹ پسران حبرون عبارت بودند از: یریا، امریا، یحزی ئیل و یقمعام.

۲۰ پسران عزى ئیل، میکا و یشیا بودند.

۲۱ مراری دو پسر داشت به نامهای محلی و موشی. العازار و قیس پسران محلی بودند. ۲۲ وقتی العازار مرد پسری نداشت. دخترانش با پسر عموهای خود، یعنی پسران قیس ازدواج کردند. ۲۳ موشی هم سه پسر داشت: محلی، عادر و یریموت.

۲۴ هنگام سرشماری، تمام مردان لاوی که بیست ساله یا بالاتر بودند، جزو این طوایف و خاندانها اسم نویسی شدند و همه برای خدمت در خانه خداوند تعیین گردیدند.

۲۵ داود گفت: «خداوند، خدای اسرائیل به ما صلح و آرامش بخشیده و برای همیشه در اورشلیم ساکن شده است. ۲۶ پس دیگر لزومی ندارد لایوان خیمه عبادت و لوازم آن را از مکانی به مکان دیگر حمل کنند.» ۲۷ به این ترتیب طبق آخرین دستور داود تمام مردان قبیله لاوی بیست ساله و بالاتر، سرشماری شدند. ۲۸ وظیفه لایوان این بود که در خدمت خانه خداوند کاهنان را که از نسل هارون بودند، کمک کنند. نگهداری حیاط و اتاقهای خانه خدا و نیز طهارت اشیاء مقدس نیز بعهده ایشان بود. ۲۹ تهیه نان

۱۳:۲۳

خرو ۶:۲۰، ۱:۲۸، ۶:۳۰
اعد ۳:۲۵، ۳:۲۶، ۵:۸، ۵:۹

۱۴:۲۳

تت ۱:۳۳

۲۱:۲۳

اتوا ۱۹:۱۹-۲۱

۲۴:۲۳

اعد ۱۰:۱۷، ۱۰:۱۸

اتوا ۳:۲۳

۲۵:۲۳

اتوا ۲۲:۱۸

۲۶:۲۳

اعد ۷:۱۵، ۷:۹

۲۹:۲۳

لاو ۶:۲۱، ۱۹:۳۵، ۳۶:۵

۵:۲۴

پاد ۷:۴۸

اتوا ۹:۳۱

کاهنان علاوه بر آن می‌بایست به خاندان هارون منتسب باشند، یعنی به اولین کاهن اعظم اسرائیل (خروج ۱:۲۸-۳). کاهنان و لایوان از طریق ده یک اسرائیلی‌ها و درآمد بعضی از شهرهایی که به آنها داده شده بود، معاش خود را تأمین می‌کردند. عبادت در معبد، بدون تلاش مشترک کاهنان و لایوان ممکن نبود. آنها وظایف متفاوتی داشتند، اما کار آنها در نقشه خدا از اهمیت یکسانی برخوردار بود. هر کاری که برای خدمت خدا در کلیسا انجام می‌دهید، برای عملکرد سالم کلیسا حائز اهمیت است.

۱۴:۲۳ چکیده مطالبی که اینجا درباره موسی بیان شده، این است که موسی «مرد خدا» بود. چه توصیف پرمغزی! مرد یا زن خدا کسی است که زندگی‌اش منعکس کننده حضور، برتری، و قدرت خدا باشد.

۲۳:۲۸-۳۲ کاهنان و لایوان در درون و محوطه معبد به کارهای مختلفی اشتغال داشتند. کاهنان مسؤول تقدیم قربانی بودند. لایوان برای کمک به کاهنان تعیین شده بودند. آنها کار شیخ، شماس، سرایدار، دستیار، پادو، تعمیرکار را انجام می‌دادند. هم کاهنان و هم لایوان از قبیله لاوی بودند؛ اما

مقدس، آرد برای هدیه آردی، نانهای فطیر، پختن و آغشته کردن هدایا به روغن زیتون و وزن کردن هدایا نیز جزو وظایف لایوان بود.^{۳۱} ایشان هر روز صبح و عصر در حضور خداوند می ایستادند و با سرود او را ستایش می کردند.^{۳۱} همین کار را هنگام تقدیم قربانی‌های سوختنی در روز سبت و ماه نو و جشن‌های سالیانه انجام می دادند. لایوان مؤظف بودند به تعداد مناسب و به طریق تعیین شده بطور مرتب خدمت کنند.^{۳۲} ایشان از خیمه عبادت و خانه خداوند مواظبت می نمودند و کاهنان را که از نسل هارون بودند، کمک می کردند.

۳۱:۲۳

لاو ۴:۲۳

اش ۱۴:۱۳

۳۲:۲۳

اعد ۳۸:۵۳

توا ۲۷:۹

داود کاهنان را گروه بندی می کند

کاهنان که از نسل هارون بودند در دو گروه به نامهای العازار و ایتامار (پسران هارون) خدمت می کردند. ناداب و ابیهو هم پسران هارون بودند، ولی قبل از پدر خود مردند و پسری نداشتند. پس فقط العازار و ایتامار باقی ماندند تا خدمت کاهنی را ادامه بدهند.^۳ داود با نظر صادق (نماینده طایفه العازار) و اخیملک (نماینده طایفه ایتامار)، نسل هارون را برحسب وظایف ایشان به چند گروه تقسیم کرد.

۲۴

نسل العازار شانزده گروه بودند و نسل ایتامار هشت گروه، زیرا تعداد مردان رهبر در نسل العازار بیشتر بود.^۵ هم در نسل العازار و هم در نسل ایتامار مقامات بلند پایه روحانی بودند؛ بنابراین برای اینکه تبعیض پیش نیاید، قرار شد به قید قرعه وظایف هر گروه تعیین شود. نسل العازار و ایتامار به نوبه قرعه کشیدند. سپس شمعیای لاوی، پسر تنئیل، که منشی بود در حضور پادشاه، صادق کاهن، اخیملک پسر ایتامار، و سران کاهنان و لایوان اسامی

۱:۲۴

خرو ۲۳:۶

۲:۲۴

لاو ۲:۱۰

۶:۲۴

توا ۱۶:۱۸؛ ۳۱:۲۴

صادوق هر دو کاهن اعظم بودند: یکی در اورشلیم خدمت می کرد، یعنی در جایی که صندوق عهد خدا نگهداری می شد، و دیگری در جبعون و در خیمه عبادت. از این آیه و آیه ۱۶:۱۸ چنین بر می آید که وقتی ایتامار پیر شد، پسرش اخیملک بعضی از وظایف پدرش را بر عهده گرفت.

۴:۲۴ نسل العازار (برخلاف نسل ایتامار که به ۸ گروه تقسیم شد)، به سه دلیل به ۱۶ گروه تقسیم شد: (۱) العازار به خاطر آنکه دو برادر بزرگش، ناداب و ابیهو، کشته شده بودند (لایوان ۱۰) از حقوق فرزند ارشد برخوردار بود. حقوق فرزند ارشد شامل داشتن سهم دو برابر از مال پدری بود. (۲) نسل او از حیث تعداد، بیشتر از نسل ایتامار بود. (۳) نسل او از توانایی رهبری بیشتری برخوردار بود.

۱:۲۴ مراسم معبد از سازماندهی بسیار دقیقی برخوردار بود، اما این امر مانع کار روح خدا نشد، بلکه زمینه منظمی برای عبادت فراهم ساخت (مقایسه کنید با اقرنتیان ۱۴:۴۰). ما گاه فکر می کنیم که برنامه ریزی و سازماندهی، فعالیت‌هایی غیرروحانی هستند که ممکن است مانع از عبادت خودجوش شوند. اما نظم و انتظام می تواند به ما کمک کند که بدون حواس پرتی و دغدغه با خدا ارتباط برقرار کنیم. همان‌طور که وقتی ما خود را پیشاپیش با عقل و درایت آماده می سازیم، از شادی، آزادی، و آرامش برخوردار می شویم، نظم هم باعث جلال خدا می شود.

۳:۲۴ این اخیملک پسر ایتامار و نوه آن اخیملکی است که جزو آن کاهنانی بود که به دستور شائول قتل عام شدند (اسموئیل ۲۲:۱۱-۱۸). در زمان داود، ایتامار و

و وظایف ایشان را نوشت. ۷-۱۸ بیست و چهار گروه به حکم قرعه به ترتیب زیر تعیین شدند:

- ۱ یهویاریب؛ ۲ یدعیاء؛ ۳ حاریم؛ ۴ سعوریم؛
 ۵ ملکیه؛ ۶ میامین؛ ۷ هقوص؛ ۸ اییا؛ ۹ یشوع؛ ۱۰ شکنیا؛ ۱۱ الیاشیب؛
 ۱۲ یاقیم؛ ۱۳ حفه؛
 ۱۴ یشب آب؛ ۱۵ بلجه؛ ۱۶ امیر؛ ۱۷ حیزیر؛
 ۱۸ هفصیص؛ ۱۹ فتحیا؛ ۲۰ یحزقی ئیل؛ ۲۱ یاکین؛ ۲۲ جامول؛ ۲۳ دلایا؛ ۲۴ معزیا.

۷:۲۴
 نج ۴:۱۲
 لو ۵:۱

وظایف تعیین شده در معبد	
وظایف اداری	داود پادشاه همه این افراد را به کار گماشت تا با تمام نیروی خود انجام وظیفه کنند (۱تواریخ ۲۲:۱۷-۱۹). خدا نه فقط به انبیا و کاهنان، بلکه به افرادی از هر زمینه کاری نیاز دارد که کار او را انجام دهند.
وظایف عبادتی	تهیه کنندگان نان مقدس وزن کنندگان هدایا سرایدارها
امور مالی	مسئولین نگهداری خزانه مسئولین نگهداری هدایا
امور هنری	نوازندگان سرایندگان
امور حفاظتی	نگهبانان معبد نگهبانان دروازه‌ها و انبارها
وظایف فردی	منشی کاهن مخصوص پادشاه نبی مخصوص پادشاه رئیس نگهبانان ناظر خزانه
تواریخ ۴:۲۳ و ۵:۴	ناظران
تواریخ ۴:۲۳ و ۵:۴	مأمورین اجرایی
تواریخ ۴:۲۳ و ۵:۴	قاضی‌ها
تواریخ ۲۶:۲۹ و ۳۰	مسئولین امور عمومی
تواریخ ۱:۲۴	کاهنان
تواریخ ۱:۲۵	انبیا
تواریخ ۲۳:۲۹-۳۱	دستیاران برای تقدیم قربانی
تواریخ ۲۳:۲۷ و ۲۸	دستیاران برای طهارت مناسک
تواریخ ۲۳:۲۹	تهیه کنندگان نان مقدس
تواریخ ۲۳:۲۹	وزن کنندگان هدایا
تواریخ ۲۳:۲۸	سرایدارها
تواریخ ۲۶:۲۰	مسئولین نگهداری خزانه
تواریخ ۲۶:۲۸-۲۸	مسئولین نگهداری هدایا
تواریخ ۲۵:۶	نوازندگان
تواریخ ۲۵:۷	سرایندگان
تواریخ ۲۳:۵	نگهبانان معبد
تواریخ ۲۶:۱۲-۱۸	نگهبانان دروازه‌ها و انبارها
تواریخ ۲۴:۶	منشی
تواریخ ۲۵:۴	کاهن مخصوص پادشاه
تواریخ ۲۵:۲	نبی مخصوص پادشاه
تواریخ ۲۶:۱	رئیس نگهبانان
تواریخ ۲۶:۲۳ و ۲۴	ناظر خزانه

یکی از اعضای گروه ایبا (یا اخیا) بود. زمانی که نوبت کار او در معبد فرا رسید، فرشته‌ای بر او ظاهر شد و پیشگویی کرد که پسری به نام یحیی خواهد داشت.

۱۸:۷:۲۴ هر یک از این ۲۴ گروه کاهنان در سال دو هفته در معبد خدمت می‌کردند. آنها بقیه سال را در شهرهای خودشان به خدمت می‌پرداختند. در زمان عیسی، این شیوه هنوز پا بر جا بود (لوقا ۱:۵-۹). زکریا

۱۹ هر یک از این گروه‌ها وظایف خانه خداوند را که در ابتدا خداوند بوسیله جد آنها هارون تعیین فرموده بود، انجام می‌دادند.

۱۹:۲۴
توا ۲۵:۹

۲۰ از بقیه نسل لاوی اینها رئیس خاندان بودند: از نسل عمرام، شبوئیل؛ از نسل شبوئیل، یحیدیا؛^{۲۱} از نسل رحیا، یشیا؛^{۲۲} از نسل یصهار، شلوموت؛ از نسل شلوموت، یحت.

۲۳:۲۴
توا ۱۹:۲۳

۲۳ پسران حبرون عبارت بودند از: یریا، امریا، یحزی‌ئیل و یقمعام.^{۲۴} و^{۲۵} از نسل عزری‌ئیل، میکا؛ از نسل میکا، شامیر؛ از نسل یشیا (برادر میکا)، زکریا.

۲۶ و^{۲۷} از نسل مراری، محلی و موشی و یعزیا؛ از نسل یعزیا، بنو و شوهم و زکور و عبری؛^{۲۸} از نسل محلی، العازار (که پسری نداشت)^{۲۹} و قیس؛ از نسل قیس، یرحمی‌ئیل؛^{۳۰} از نسل موشی، محلی و عادر و یریموت.

۳۱:۲۴
توا ۶:۲۴

این افراد از خاندانهای لاوی بودند.^{۳۱} وظایف آنها هم مثل فرزندان هارون بدون در نظر گرفتن سن و مقامشان به قید قرعه تعیین گردید. این عمل در حضور داود پادشاه، صادوق، اخیملک، و رهبران کاهنان و لایوان انجام شد.

وظایف نوازندگان

داود پادشاه و رهبران قوم اشخاصی را از خاندان آساف و هیمان و یدوتون انتخاب کردند تا به همراهی بربط و عود و سنج پیامهای

۲۵

۱:۲۵
۱۵:۳
توا ۱۶:۱۵ ؛ ۳۹، ۳۳:۶

خدا را اعلان کنند. اسامی آنها و نوع خدمتشان بشرح زیر است:

۱ از کور، یوسف، نتنیا و اشریله (پسران آساف) که تحت سرپرستی آساف بودند. آساف به دستور پادشاه، پیام خداوند را اعلان می‌کرد؛

۲ جدلیا، صری، اشعیا، حبشیا و متتیا (پسران یدوتون) که به سرپرستی پدرشان و به همراهی بربطها پیام خداوند را اعلان می‌کردند و او را با سرود ستایش می‌نمودند؛

۳:۲۵
توا ۴۲ و ۴۱:۱۶

۳ هیمان؛ بقیه، متنیا، عزری‌ئیل، شبوئیل، یریموت، حننیا، حنانی، الیاته، جدلتی، روممتی عزز، یشبقاشه، ملوتی، هوتیر و محزیوت (پسران هیمان).^۴ خدا

۴:۲۵
۲ سمو ۱۱:۲۴
توا ۹:۲۱

۱:۲۵-۷ برای شرکت در مراسم عبادتی در خیمه عبادت، راههای زیادی وجود داشت. برخی نبوت می‌کردند (۱:۲۵)، بعضی رهبری دعا را بر عهده داشتند (۳:۲۵) و سایرین می‌نواختند و می‌سرودند (۷:۲۵ و ۷). خدا می‌خواهد که همه افراد قومش در عبادت شرکت جویند. شاید شما استاد نوازندگی، نبی، یا معلم نباشید، اما خدا می‌تواند از هر چیزی که برای تقدیم به او دارید، استفاده کند. عطایای خاص خود را پرورش دهید و برای خدمت به خدا از آنها استفاده کنید (رومیان ۱۲:۳-۱۱؛ اقرنتیان ۱۲:۲۹-۳۱).

۱:۲۵ نبوت فقط پیشگویی آینده نیست. نبوت شامل خواندن سرودهای پرستشی و موعظه پیغام خدا نیز می‌شود (اقرنتیان ۱:۱۴-۳). نبی می‌تواند نوازنده، کشاورز (عاموس ۱:۱)، زن (۲ پادشاهان ۱۴:۲۲)، یارهربر (تثنیه ۳۴:۱۰) یا هر کسی باشد که با شجاعت و با صراحت از جانب خدا سخن می‌گوید و می‌کوشد مردم را به پرستش و عبادت خدا ترغیب نماید. داود از بین گروه بزرگی از نوازندگان، کسانی را انتخاب کرد که توانایی استثنایی در آشکار کردن خدا و تشویق سایرین برای سرود خواندن از خود نشان داده بودند.

این چهارده پسر را به هیمان که نبی مخصوص پادشاه بود، بخشیده بود تا طبق وعده‌اش به هیمان به او عزت و قدرت داده باشد. هیمان سه دختر نیز داشت.

تمام این مردان به سرپرستی پدرانشان در خانه خداوند سنج و عود و بریط می‌نواختند و به این ترتیب خدا را خدمت می‌کردند. آساف و یدوتون و هیمان مستقیماً از پادشاه دستور می‌گرفتند. تمام این افراد و لاویانی که با ایشان همکاری می‌کردند برای سراییدن در وصف خداوند تربیت شده و در نواختن سازها ماهر بودند. تعداد کل گروه آنها ۲۸۸ نفر بود. ^۸وظایف مخصوص سرایندگان، بدون در نظر گرفتن سن و تجربه، به قید قرعه تعیین شد.

۶:۲۵
اتوا ۱۵:۱۹ و ۱۹:۲۳؛ ۵:

۸:۲۵
اتوا ۱۳:۲۶

محل آیات	موارد برجسته استفاده از موسیقی و آواز در کتاب مقدس	موسیقی در زمان کتاب مقدس
پیدایش ۲۱:۴	یوبال پدر همه موسیقی‌دانان است.	پولس به روشنی توضیح داده که
خروج ۲۱-۱:۱۵	مریم و سایر زنان در مدح خدا سراییدند و رقصیدند.	اشیاء و وسایل به‌خودی خود خوب
خروج ۳۵ و ۳۴:۲۸	کاهن باید زنگوله‌هایی به لبه دامنش می‌آویخت.	یا بدنستند (نگاه کنید به رومیان ۱۴ و اقرنتیان ۱۴:۷ و ۲۶:۸). مثلاً
اعداد ۶:۳۱	صندوق عهد با نواختن شیپور همراهی می‌شد.	آنچه مهم است، عبادت خداوند یا
یوشع ۲۰-۴:۶	اریحا با صدای شیپورها سقوط کرد.	کمک به دیگران است به واسطه
۱ پادشاهان ۱:۳۹ و ۴۰	تاجگذاری پادشاه با موسیقی همراهی می‌شد.	وسایل این دنیا، از جمله موسیقی.
جامعه ۸:۲	در دربار پادشاه موسیقی‌دانان حضور داشتند.	موسیقی را خدا ایجاد کرد و آن
اسموئیل ۸۵:۱۰	به نظر می‌رسید که نظر شائول در مورد موسیقی بر گرفته از نظر	را می‌توان برای پرستش او به
اسموئیل ۱۴-۱۶:۱۶	اقوام بت پرست بود.	او تقدیم نمود. آیا موسیقی‌ای
۱ تواریخ ۱۵-۱۶:۲۴	از زمان داود به بعد، استفاده از موسیقی در عبادت، سازماندهی	که می‌نوازید یا گوش می‌دهید،
۱ تواریخ ۷-۴:۱۶	بیشتری پیدا کرد. موسیقی‌ای که در معبد از آن استفاده می‌شد،	تأثیر مثبت بر رابطه‌تان با خدا
۱ تواریخ ۱۴-۱۱:۵	اصلاح شد.	می‌گذارد یا تأثیر منفی؟
مزمو ۱۵۰	برای ستایش خداوند همه باید از همه چیز استفاده می‌کردند.	
متی ۳۰:۲۶	در عهد جدید، عبادت در کنایس ادامه پیدا کرد تا وقتی که مسیحیان را در آنجا نپذیرفتند. از این رو، میراث غنی موسیقی مذهبی یهودیت به جا ماند. این حقیقت که به موسیقی در عهد جدید کمتر اشاره شده است تا در عهد عتیق، بدین معنا نیست که در عهد جدید از اهمیت کمتری برخوردار بود.	
اعمال ۲۵:۱۶	عیسی و شاگردان سرود مخصوص عید را خواندند.	
افسیان ۱۹:۵ و ۲۰	پولس و سیلاس در زندان سرود خواندند.	
کولسیان ۱۶:۳	ما به عنوان واکنش مثبت در مقابل کاری که خداوند در زندگی ما انجام داده، باید برای او بسراییم.	
یعقوب ۱۳:۵		

۹-۳۱ قرعۀ اول به نام یوسف از خاندان آساف اقتاد.
 دوم: جدلیا و پسران و برادرانش، ۱۲ نفر؛
 سوم: زکور و پسران و برادرانش، ۱۲ نفر؛
 چهارم: یصری و پسران و برادران او، ۱۲ نفر؛
 پنجم: نتنیا و پسران و برادران وی، ۱۲ نفر؛
 ششم: بقیا و پسران و برادران او، ۱۲ نفر؛
 هفتم: یشریئله و پسران و برادرانش، ۱۲ نفر؛
 هشتم: اشعیا و پسران و برادران او، ۱۲ نفر؛
 نهم: متنیا و پسران و برادرانش، ۱۲ نفر؛
 دهم: شمعی و پسران و برادران وی، ۱۲ نفر؛
 یازدهم: عزیئیل و پسران و برادران او، ۱۲ نفر؛
 دوازدهم: حشیا و پسران و برادران او، ۱۲ نفر؛
 سیزدهم: شبوئیل و پسران و برادرانش، ۱۲ نفر؛
 چهاردهم: متتیا و پسران و برادران وی، ۱۲ نفر؛
 پانزدهم: یریموت و پسران و برادران او، ۱۲ نفر؛
 شانزدهم: حننیا و پسران و برادران او، ۱۲ نفر؛
 هفدهم: یشبقاشه و پسران و برادران وی، ۱۲ نفر؛
 هیجدهم: حنانی و پسران و برادرانش، ۱۲ نفر؛
 نوزدهم: ملوتی و پسران و برادران وی، ۱۲ نفر؛
 بیستم: ایلیاته و پسران و برادران او، ۱۲ نفر؛
 بیست و یکم: هوتیر و پسران و برادرانش، ۱۲ نفر؛
 بیست و دوم: جدلتی و پسران و برادران او، ۱۲ نفر؛
 بیست و سوم، محزیوت و پسران و برادران او، ۱۲ نفر؛
 بیست و چهارم، روممتی عزر و پسران و برادرانش، ۱۲ نفر.

وظایف نگهبانان معبد

از طایفه قورح افرادی که برای نگهبانی خانۀ خدا تعیین شدند، اینها بودند: مشلمیا پسر قوری از خاندان آساف، و هفت پسر او

۲۶

۲۵-۳۱: ۱۲ معبد ۴۰۰۰ نگهبان داشت (۵و۴:۲۳) که نگهبان دروازه نیز نامیده می‌شدند. آنها همه لاوی بودند و بسیاری از کارهای دیگر را نیز انجام می‌دادند. بعضی از وظایف آنها شامل این امور بود: (۱) باز گرداندن وسایل و ابزارهایی که هر روز مورد استفاده قرار می‌گرفت و یقین حاصل کردن از اینکه آنها را پس از استفاده سر جایشان قرار داده‌اند؛ (۲) نگهداری، مرتب کردن، و حفظ

۳۱-۹: سرایندگان به ۲۴ گروه تقسیم شدند تا تعدادشان با گروههای لاویان که ۲۴ گروه بودند، برابری کند (۱۸۷:۲۴). تقسیم‌بندی کارکنان به برنامه‌ریزی کار معبد نظم بخشید، و با آسانتر کردن امر آموزش کیفیت کار معبد را بالا برد، و به عبادت تنوع داد زیرا هر گروه برای مدت مشخصی فعالیت می‌کرد، و همین امر به بسیاری فرصت می‌داد تا در فعالیت‌های معبد شرکت داشته باشد.

که به ترتیب سن عبارت بودند از: زکریا، یدعی ئیل، زبدیا، یتنی ئیل، عیلام، یهو حانان و الیهو عینای.

^{۵۹} هشت پسر عوبیدادوم که به ترتیب سن عبارت بودند از: شمعی، یهوزاباد، یوآخ، ساکار، تن ئیل، عمی ئیل، یساکار و فعلتای. این هشت پسر نشانه برکت خدا به عوبیدادوم بودند.

^{۶۰} پسران شمعی همه مردانی توانا و در میان طایفه خود معروف بودند. اسامی ایشان، عتنی، رفائیل، عوبید و الزاباد بود. برادران او الیهو و سمکیا هم مردانی توانا بودند.

^۸ همه افراد خاندان عوبیدادوم مردانی توانا و واجد شرایط برای این کار بودند. ^۹ هیچده پسر و برادر مشلمیا هم مردانی قابل بشمار می آمدند.

^{۱۰} از طایفه مراری نیز حوسه با پسرانش به نگهبانی خانه خدا تعیین شدند. پسران حوسه عبارت بودند از: شمیری (هر چند او پسر ارشد نبود اما پدرش او را رهبر سایر پسران خود کرد)، ^{۱۱} حلقیا، طلبیا و زکریا. خاندان حوسه جمعاً سیزده نفر بودند.

^{۱۲} نگهبانان خانه خداوند برحسب خاندان خود به گروه‌ها تقسیم شدند تا مثل سایر لایویان در خانه خداوند خدمت کنند. ^{۱۳} تمام خاندانها، بدون توجه به بزرگی یا کوچکی شان، قرعه کشیدند تا مشخص شود هر یک از آنها کدام یک از دروازه‌ها را باید نگهبانی کنند. ^{۱۴} نگهبانی دروازه شرقی به اسم مشلمیا، نگهبانی دروازه شمالی به نام پسرش زکریا که مشاور دانایی بود، ^{۱۵} و نگهبانی دروازه جنوبی به اسم عوبیدادوم درآمد. پسران عوبیدادوم از انبارها مواظبت می کردند. ^{۱۶} نگهبانی دروازه غربی و دروازه شلکت (که به جاده سربالایی باز می شد)، به نام شقیم و حوسه درآمد. وظیفه نگهبانی به نوبت تعیین می شد. ^{۱۷} هر روز شش نفر در دروازه شرقی، چهار نفر در دروازه شمالی، چهار نفر در دروازه جنوبی، و چهار نفر در انبارها (دو نفر در هر انبار) نگهبانی می دادند. ^{۱۸} هر روز برای نگهبانی دروازه غربی شش نفر تعیین می شدند، یعنی چهار نفر برای جاده و دو نفر برای خود دروازه.

^{۱۹} نگهبانان خانه خدا از طایفه‌های قورح و مراری انتخاب شدند.

۱۰:۲۶

توا ۳۸:۱۶

۱۳:۲۶

توا ۳۱:۵، ۲۴:۸

و احترام بودند، و گاه مورد بدرفتاری قرار می گرفتند و حقوقشان پایمال می شد. اما کتاب مقدس چنین نوسانی را نشان نمی دهد، بلکه کودکان را برکت خدا می خواند و هرگز به آنها به چشم باری سنگین نمی نگرد (مزمور ۱۲۷:۵۳؛ مرقس ۱۰:۱۳-۱۵).

۱۲:۲۶ نگهبانان معبد خادم نامیده می شدند. این نشان می دهد که هر کسی که به کار خداوند کمک می کند، خادم حقیقی خدا است.

غذایی که به مصرف کاهنان می رسید یا برای قربانی از آن استفاده می شد؛ (۳) مواظبت از اثاثیه معبد؛ (۴) مخلوط کردن بخوری که هر روز سوزانده می شد؛ (۵) مسؤولیت هدایایی که تقدیم می شد (برای کسب اطلاعات بیشتر درباره نگهبانان دروازه، نگاه کنید به توضیحات مربوط به ۱۷:۹ و ۱۸).

۵:۲۶ موقعیت کودکان در جامعه در طول تاریخ نوسان‌هایی داشته است؛ بعضی اوقات بسیار مورد ارج

وظایف سایر کارکنان

^{۲۰}بقیه لایوان به رهبری اخیا مسئول نگهداری خزانه خانه خدا و انبار هدایای وقفی بودند. ^{۲۱}زیتام و یوئیل، پسران یحییئیل نیز که از رهبران خاندان لادان و از طایفه جرشون بودند از مسئولین خزانه خانه خداوند بشمار می آمدند.

^{۲۳}از طایفه عمرام، یصهار، حبرون و عزیئیل نیز مسئولینی تعیین شدند. ^{۲۴}شبوئیل، از طایفه جرشوم پسر موسی، ناظر خزانه بود. ^{۲۵}یکی از خویشاوندان او شلومیت بود. (شلومیت پسر زکری، زکری پسر یورام، یورام پسر اشعیا، اشعیا پسر رحبیا، رحبیا پسر العازار و العازار برادر جرشوم بود). ^{۲۶}شلومیت و برادرانش تعیین شدند تا از خزانه مراقبت نمایند. در این خزانه هدایایی نگهداری می شد که داود پادشاه و سایر رهبران یعنی رؤسای طوایف و خاندانها و نیز فرماندهان سپاه وقف کرده بودند. ^{۲۷}این اشخاص قسمتی از آنچه را در جنگ به غنیمت می گرفتند وقف می کردند تا صرف هزینه های خانه خداوند شود. ^{۲۸}شلومیت و برادرانش در ضمن مسئول نگهداری هدایایی بودند که بوسیله سموئیل نبی، شائول پسر قیس، ابنیر پسر نیر، یوآب پسر صرویه، و دیگران وقف شده بود.

^{۲۹}کنیا و پسرانش که از طایفه یصهار بودند، وظایفی در خارج از خانه خدا بعهده داشتند. آنها از مسئولین و مقامات قضایی بودند.

^{۳۰}از طایفه حبرون حشیا و هزار و هفتصد نفر از خویشاوندانش که همه افرادی کاردان بودند، تعیین شدند تا در آن قسمت از خاک اسرائیل که در غرب رود اردن بود مسئول امور مذهبی و مملکتی باشند.

^{۳۱}یریا سرپرست تمام طایفه حبرون بود. در سال چهلم سلطنت داود پادشاه، در نسب نامه های طایفه حبرون بررسی بعمل آمد و معلوم شد افراد کاردان این طایفه در یعزیز جلعاد می باشند. ^{۳۲}پس داود پادشاه دو هزار و هفتصد نفر از خویشاوندان یریا را که افرادی کاردان و از رؤسای خاندان بودند، انتخاب نمود تا مسئول امور مذهبی و مملکتی ناحیه شرق رود اردن که قبایل رئوبین، جاد و نصف قبیله منسی در آنجا بودند، باشند.

۲۰:۲۶
توا ۲۴:۲۶ و ۲۴

۲۹:۲۶
توا ۴:۲۳

۳۰:۲۶
توا ۱۷:۲۷

۳۱:۲۶
توا ۱۱:۱۹ ؛ ۱۹:۲۳

مانند این سربازان به این فکر کنیم که چه چیزی می توانیم به او بدهیم. آیا چیزی که به خدا می دهید، از روی انجام وظیفه است، یا از روی شغف و شادمانی؟ آنچه می دهید، به خاطر شادی و محبتتان به خدا و هموعانتان باشد.

۲۷:۲۶ غنائم جنگی حق سپاه پیروزمند بود. اما این سربازان سهم خود را از تمام غنائم جنگی به معبد می دادند تا وفاداری خود را به خدا ابراز دارند. ما به جای آنکه به فکر این باشیم که طبق وظیفه چه چیزی باید به خدا بدهیم، باید

فرماندهان سپاه

۲۷

سپاه اسرائیل از افراد و رؤسای خاندانها و طایفه‌ها و بزرگان تشکیل یافته بود و شامل دوازده سپاه می‌شد. هر سپاه که متشکل از ۲۴۰۰۰ نفر بود، به نوبت، سالی یک ماه به خدمت فراخوانده می‌شد. فرماندهان این سپاهیان، به ترتیب ماه خدمت، عبارت بودند از:

۱^و ۳ ماه اول: یشعام، پسر زبدی ئیل، از طایفه فارص؛
 ۲^و ماه دوم: دودای اخوخی (معاون او مقلوت نام داشت)؛
 ۳^و ۶ ماه سوم: بنایا، پسر یهویداع کاهن اعظم (بنایا همان کسی است که فرمانده سی سردار داود بود؛ پسرش عمیزاباد از فرماندهان سپاه او بود)؛
 ۴^و ۷ ماه چهارم: عسائیل، برادر یوآب (بعد از او پسرش زبدیا جای او را گرفت)؛
 ۵^و ۸ ماه پنجم: شمهوت یزراحی؛
 ۶^و ۹ ماه ششم: عیرا، پسر عقبیش تقوعی؛
 ۷^و ۱۰ ماه هفتم: حالص فلونی از قبیله افرایم؛
 ۸^و ۱۱ ماه هشتم: سبکای حوشاتی از طایفه زارح؛
 ۹^و ۱۲ ماه نهم: ابیعزر عناتوتی از قبیله بنیامین؛
 ۱۰^و ۱۳ ماه دهم: مهرای نطوفاتی از طایفه زارح؛
 ۱۱^و ۱۴ ماه یازدهم: بنایا فرعاتونی از قبیله افرایم؛
 ۱۲^و ۱۵ ماه دوازدهم: خلدای نطوفاتی از نسل عتئی ئیل.

۲:۲۷

۲ سمو ۸:۲۳

۱۱:۱۱ اتوا

رؤسای قبیله‌ها

۱۶-۲۲ رؤسای قبیله‌های اسرائیل به شرح زیر بودند:

العازار پسر زکری، رئیس قبیله رئوبین؛
 شفتیا پسر معکه، رئیس قبیله شمعون؛
 حشیا پسر قموئیل، رئیس قبیله لاوی؛
 صادق، رئیس خاندان هارون؛
 الیهو برادر داود پادشاه، رئیس قبیله یهودا؛
 عمری پسر میکائیل، رئیس قبیله یساکار؛
 یشمعیا پسر عوبدیا، رئیس قبیله زبولون؛
 یریموت پسر عزری ئیل، رئیس قبیله نفتالی؛
 هوشع پسر عزریا، رئیس قبیله افرایم؛
 یوئیل پسر فدایا، رئیس نصف قبیله منسی؛

۱۶:۲۷

۱:۲۸ اتوا

یدو پسر زکریا، رئیس نصف دیگر قبیله منسی در جلعاد؛
یعسی ئیل پسر ابنیر، رئیس قبیله بنیامین؛
عزرائیل پسر یروحام، رئیس قبیله دان.

^{۲۳} داود هنگام سرشماری، جوانان بیست سال یا کمتر را بحساب نیاورد، زیرا خداوند وعده داده بود که جمعیت اسرائیل را مثل ستارگان آسمان بی شمار گرداند. ^{۲۴} یوآب سرشماری را شروع کرد ولی آن را تمام نکرد، چون خشم خداوند بر اسرائیل فروخته شد. لذا آمار نهایی در سالنامه داود پادشاه ثبت نشد.

۲۳:۲۷
پیدا ۵:۱۵
اعد ۱۹-۱۷:۱
۲ سمو ۱:۲۴
۲۴:۲۷
۲ سمو ۱۲:۲۴
۱:۲۱ اتوا

ناظران اموال پادشاه

^{۲۵} عزموت پسر عدی ئیل سرپرست انبارهای سلطنتی و یوناتان پسر عزیا سرپرست انبارهای شهرها و روستاها و قلعه‌ها بود.

^{۲۶} عزری پسر کلوب، سرپرست کارگرانی بود که در املاک پادشاه کار می کردند. ^{۲۷} شمعی راماتی بر باغهای انگور پادشاه نظارت می کرد. زبدی شفماتی مسئول تهیه شراب و انبار کردن آن بود. ^{۲۸} بعل حانان جدیری مسئول باغهای زیتون و درختان افراغ در دشتهای هم مرز کشور فلسطین بود. یوآش متصدی ذخیره روغن زیتون بود.

۲۸:۲۷
پاد ۱۰:۲۷
۲ اتوا ۱۵:۱

^{۲۹} شطرای شارونی در دشت شارون از رمه‌ها نگهداری می کرد، و شافاط پسر عدلائی مسئول نگهداری رمه‌هایی بود که در دره‌ها می چریدند. ^{۳۰} عوییل اسماعیلی بر کار نگهداری شترها و یحیدیای میرونتوتی بر کار نگهداری الاغها نظارت می کردند. ^{۳۱} یازیز مسئول نگهداری گله‌ها بود. تمام این مردان ناظران دارایی داود پادشاه بودند.

۲۹:۲۷
۱ اتوا ۱۶:۵

^{۳۲} یوناتان عموی داود مشاوری دانا و عالم بود و یحی ئیل، پسر حکمونی از پسران پادشاه مواظبت می کرد.

^{۳۳} اخیئوفل مشاور پادشاه و حوشای ارکی دوست پادشاه بود. ^{۳۴} پس از اخیئوفل، یهویاداع (پسر بنایا) و ابیاتار بجای او مشاور شدند. فرمانده سپاه اسرائیل یوآب بود.

۳۳:۲۷
۲ سمو ۱۵:۱۲، ۱۲:۳۲ و ۳۷
۳۴:۲۷
پاد ۷:۱
۱ اتوا ۱۱:۶، ۲۷:۵

دستورالعمل‌های داود به سلیمان درباره معبد

داود تمام مقامات مملکتی را به اورشلیم احضار کرد: رؤسای قبایل و طوایف، فرماندهان دوازده سپاه، مسئولان اموال و املاک و

۲۸

۱:۲۸
۱ اتوا ۱۱:۱۰، ۲۳:۲، ۲۷:۱

داود اشاره‌ای نمی کند، بلکه به نکات مثبت، یعنی نقشه خدا برای اسرائیل و وعده او به نسل داود می پردازد.

۱:۲۸ دو فصل آخر کتاب اتواریخ انتقال پادشاهی اسرائیل از داود به سلیمان را شرح می دهد. نویسنده کتاب تواریخ به توطئه ادونیا یا نقطه ضعف

گله‌های پادشاه، مقامات دربار و جنگاوران شجاع. ^۲آنگاه داود برپا ایستاده، چنین گفت:

«ای برادران من و ای ملت من! آرزو داشتم خانه‌ای بسازم تا صندوق عهد خداوند در آن قرار گیرد، و خدای ما در آن منزل کند. من هر چه برای این بنا لازم بود، جمع‌آوری کردم ^۳ولی خدا به من فرمود: تو خانه‌ای برای من نخواهی ساخت، زیرا در جنگ خونهای زیادی ریخته‌ای.

^۴با این وجود، خداوند، خدای اسرائیل از میان تمام اعضای خانواده پدرم مرا انتخاب کرده است تا سر سلسله‌ای باشم که همیشه بر اسرائیل سلطنت خواهد نمود. خدا قبیله یهودا را برگزید و از قبیله یهودا، خانواده پدرم را و از میان پسران پدرم، مرا انتخاب کرد و بر تمام اسرائیل پادشاه ساخت. ^۵حال از میان پسران زیادی که خداوند به من بخشیده است، سلیمان را انتخاب کرده است تا بجای من بر تخت بنشیند و بر قوم خداوند سلطنت کند. ^۶خداوند به من فرموده است: خانه مرا پسر تو سلیمان بنا می‌کند، چون او را انتخاب کرده‌ام تا پسر من باشد و من پدر او. ^۷اگر بعد از این نیز دستورات و قوانین مرا اطاعت کند، همانطور که تا به حال کرده است، سلطنت او را تا به ابد پایدار می‌سازم.

^۸«پس الان در حضور خدای ما و در حضور جماعت او اسرائیل به همه شما دستور می‌دهم که احکام خداوند، خدای خود را به دقت اجرا کنید تا این سرزمین حاصلخیز را از دست ندهید، بلکه آن را برای فرزندان خود به ارث بگذارید تا برای همیشه ملک آنها باشد.

^۹«حال ای پسر من سلیمان، بکوش تا خدای اجداد خود را بشناسی و با تمام دل و جان او را بپرستی و خدمت کنی. خداوند تمام دلها را می‌بیند و هر

۲:۲۸

اتوا ۱۷:۱۷

مز ۱۳۲:۷

اش ۱:۶۶

۳:۲۸

اتوا ۱۷:۴؛ ۲۲:۸

اعما ۷:۴۶ و ۷:۴۷

۴:۲۸

پیدا ۸:۴۹

اسمو ۱۶:۶ و ۱۶:۶

اتوا ۱۷:۲۳؛ ۱۷:۲۳

۵:۲۸

اتوا ۱۳:۱۴؛ ۱۴:۳؛ ۲۲:۹ و ۱۰

۶:۲۸

اسمو ۷:۱۳ و ۱۴

۷:۲۸

اتوا ۲۲:۱۳

۹:۲۸

اسمو ۱۷:۷

۱ پاد ۱۶:۸

اتوا ۲۹:۱۷

اتوا ۱۵:۲

ار ۲۹:۱۳

را تفحص نکنید، هرگز به این تعالیم دست نخواهید یافت. اگر به اراده خدا بی‌توجهی کنیم و تعالیم او را نادیده بگیریم، هر تلاشی که برای سازندگی کنیم، حتی اگر نام خدا روی آن باشد، محکوم به شکست است. احکام خدا را با مطالعه مرتب کتاب مقدس بشناسید، و هر روز از آنها اطاعت کنید.

۹:۲۸ در ۱۸:۲۲ و ۱۹:۱۹، داود به رهبران گفت که با تمام وجود از خدا اطاعت کنند. و حالا او به سلیمان می‌گوید که خدا را با تمام دل و جان بپرستد. خدا وقف کامل را می‌خواهد. او از قلب‌ها، انگیزه‌ها، تمایلات، و افکار ما آگاه است. اگر ما تمایل داشته باشیم که او را بشناسیم و به او محبت کنیم، او با حکمت و هدایتی بیش از حد تصورمان جواب می‌دهد.

۹:۲۸ هیچ چیز را نمی‌توان از خدا مخفی کرد. او هر چیزی را که در قلب ما هست می‌بیند و می‌داند. داود

۵:۲۸ پادشاهی اسرائیل به خدا تعلق داشت، نه به داود یا هر کس دیگری. بدین ترتیب، پادشاه اسرائیل نماینده خدا بود و مأموریت داشت که اراده خدا را برای قوم عملی کند. خدا می‌توانست کسی را که دوست داشت به پادشاهی منصوب کند، بدون آنکه لازم باشد سنت مرسوم جانشینی وراثتی را رعایت کند. داود وارث شائول نبود، و سلیمان پسر بزرگ داود نبود، اما این اهمیت نداشت، زیرا آنها را خدا به پادشاهی منصوب کرده بود.

۸:۲۸ داود به سلیمان گفت که تمام احکام خداوند را به عمل آورند و از فرامین او پیروی کنند تا امنیت اسرائیل تضمین شود و نسل داود همیشه بر تخت پادشاهی تکیه زند. وظیفه خطیر پادشاه این بود که قوانین خدا را مطالعه کند و از آنها اطاعت نماید. تعالیم کتاب مقدس کلید رسیدن به امنیت، شادی، و عدالت است، اما تا کلام خدا

فکری را می‌داند. اگر در جستجوی خدا باشی، او را خواهی یافت؛ ولی اگر از او برگردی تو را تا به ابد طرد خواهد کرد.^{۱۰} خداوند تو را برگزیده است تا عبادتگاه مقدسش را بنا کنی. پس مواظب باش و با دلگرمی به این کار مشغول شو.»

۱۰:۲۸
۱۳:۲۲ تا

^{۱۱} آنگاه داود نقشهٔ ساختمان خانهٔ خدا و طرح فضای اطراف آن را به سلیمان داد: انبارها، بالاخانه‌ها، اتاقهای داخلی و قدس‌الاقداص برای تخت رحمت.^{۱۲} او همچنین نقشهٔ حیاط و اتاقهای دورتادور آن، انبارهای خانهٔ خدا، و خزانه‌ها برای نگهداری هدایای وقف شده را به سلیمان داد. تمام این نقشه‌ها از طرف روح خدا به داود الهام شده بود.^{۱۳} پادشاه دستورات دیگری هم در مورد کار گروه‌های مختلف کاهنان و لایوان و نیز ساختن وسایل خانهٔ خدا به سلیمان داد.

۱۱:۲۸
خرو ۴۰:۱۷؛ ۲۵
۱۲:۲۸
۲۸:۲۰؛ ۲۶ تا

^{۱۴} داود مقدار طلا و نقرهٔ لازم برای ساختن هر یک از وسایل خانهٔ خدا را وزن کرد و کنار گذاشت:^{۱۵} طلا و نقره برای ساختن چراغدانها و چراغها؛^{۱۶} طلا برای ساختن میزهای نان مقدس و نقره برای میزهای نقره‌ای؛^{۱۷} طلای خالص برای ساختن چنگک‌ها، کاسه‌ها و پیاله‌ها، و طلا و نقره برای ساختن جامها؛^{۱۸} طلای خالص برای قربانگاه بخور و مجسمهٔ دو فرشته‌ای که بالهایشان روی صندوق عهد خداوند گسترده بود.

۱۳:۲۸
۱:۲۴؛ ۶:۲۳ تا

^{۱۹} داود به سلیمان گفت: «جزئیات این نقشه از طرف خداوند به من داده شد و من همهٔ آنها را نوشتم.^{۲۰} حال قوی و دلیر باش و کار را شروع کن.

۱۵:۲۸
خرو ۳۱:۲۵
۱۸:۲۸
خرو ۱۸:۲۵؛ ۱:۳۰
۱۹:۲۸
۱۲:۱۱؛ ۲۸ تا
۲۰:۲۸
یوش ۵:۱
اسمو ۱۳:۲۰
۱ پاد ۳۷:۱
۱۳:۲۲ تا
عبر ۵:۱۳

اصولی که باید بر اساس آنها زندگی کرد

داود پادشاه اصولی را به پسرش سلیمان داد تا او را در زندگی هدایت کند (نگاه کنید به ۱ تواریخ ۲۸:۹ و ۱۰). هر پدر و مادر مسیحی دوست دارد این اصول را به فرزندش آموزش دهد:

- ۱- شناخت شخصی خدا.
- ۲- اطلاع داشتن از احکام خدا و پی بردن به آنچه که او می‌خواهد انجام دهید.
- ۳- پرستش خدا با تمام دل و جان.
- ۴- عبادت خدا با تمام فکر.
- ۵- وفاداری.
- ۶- مأیوس نشدن.

۱۳:۲۸ بعضی از دستورالعمل‌ها درباره کار کاهنان و لایوان در فصل‌های ۲۳ و ۲۴ یافت می‌شود.

۲۰:۲۸ داود سلیمان را نصیحت کرد که به‌خاطر بزرگی کاری که به او به‌عنوان پادشاه و سازنده معبد سپرده شده، واهمه به دل راه ندهد. ترس می‌تواند ما را فلج کند. بزرگی کار، خطراتی که به‌دنبال دارد، یا فشار موقعیتی که در آن هستیم، می‌تواند ما را از فعالیت باز دارد. یک راه درمان ترس در اینجا یافت

از راه دشواری به این حقیقت پی برد، و آن زمانی بود که خدا ناتان را فرستاد تا گناه زنا و قتل او را افشا کند (۲ سموئیل ۱۲). داود به سلیمان گفت که کاملاً خود را در اختیار خدا قرار دهد و وقف او شود. تلاش برای مخفی کردن هر نوع فکر یا عملی از خدای دانای مطلق، بی‌معنا است. این باید باعث شادی ما شود، نه ترس ما، زیرا خدا حتی از بدترین خصوصیات ما آگاه است، اما با این حال ما را دوست دارد.

ترس و واهمه را از خود دور کن زیرا خداوند، خدای من با توست و تو را تنها نمی‌گذارد تا بتوانی کار ساختن خانهٔ خداوند را تمام کنی.^{۲۱} گروه‌های کاهنان و لاویان آماده هستند در خانهٔ خدا خدمت کنند و صنعتگران ماهر مشتاقند تو را در هر کاری یاری دهند. تمام بنی‌اسرائیل و رهبران‌شان تحت فرمان تو می‌باشند.»

مردم برای معبد هدیه می‌آورند

۲۹

آنگاه داود پادشاه رو به تمام آن گروه کرد و گفت: «پسرم سلیمان که خدا او را انتخاب کرده تا پادشاه آیندهٔ اسرائیل باشد، هنوز جوان و کم تجربه است و کاری که در پیش دارد، کار بزرگی است. عبادتگاهی که می‌خواهد بسازد، یک ساختمان معمولی نیست، بلکه خانهٔ خداوند است. ^۲ برای بنای خانهٔ خدای خود تا آنجا که توانسته‌ام طلا و نقره، مفرغ و آهن، چوب و سنگ جزع، سنگهای گران قیمت دیگر و جواهرات با ارزش و سنگ مرمر جمع کرده‌ام، ^۳ و چون دلبستگی به خانهٔ خدا دارم، تمام طلا و نقرهٔ خزانهٔ شخصی خود را برای بنای آن بخشیده‌ام. این علاوه بر آن مصالح ساختمانی است که قبلاً تدارک دیده‌ام. ^۴ این هدایای شخصی شامل صد تن طلای خالص و دویست و چهل تن نقرهٔ خالص برای روکش دیوارهای خانهٔ خدا ^۵ و تمام لوازمی است که بدست صنعتگران ساخته می‌شود. حال چه کسی حاضر است خود را با هر چه دارد در اختیار خداوند بگذارد؟»

^۶ آنگاه رؤسای قبایل و طوایف، فرماندهان سپاه و ناظران دارایی پادشاه، با اشتیاق ۱۷۰ تن طلا، ۳۴۰ تن نقره، ۶۱۰ تن مفرغ و ۳۴۰۰ تن آهن هدیه

۲۱:۲۸

خرو ۲۵:۳۵؛ ۳۶:۱۰ و ۳۶:۲

۱:۲۹

اتوا ۵:۲۲

۲:۲۹

اتوا ۳:۲۲

۴:۲۹

پاد ۲۸:۹

اتوا ۱۴:۲۲

۶:۲۹

اتوا ۲۷:۲۵؛ ۲۸:۱

و آنها نیز از روی رغبت این کار را انجام دادند. هم خیمه عبادت (خروج ۵:۳۵ - ۷:۳۶) و هم معبد با هدایای داوطلبانه مردم بنا شدند. ما شاید ثروت داود را نداشته باشیم، اما می‌توانیم از اشتیاقی که او برای دادن داشت، الگو بگیریم. برای خدا مهم نیست که چقدر داریم؛ آنچه برای او مهم است، اشتیاق ما برای دادن می‌باشد.

۹:۲۹ این رهبران با دادن مشتاقانه ثروت خود برای کار خدا، عملکرد درستی در قبال ثروت خود از خود نشان دادند. پولس در ۲ قرتنیان ۷:۹، این عملکرد را چنین توصیف می‌کند: «کسی را مجبور نکنید که بیش از آنچه قلباً در نظر دارد بدهد، بلکه بگذارید همان قدر که مایل است، هدیه نماید زیرا خدا کسی را دوست دارد که از روی میل کمک می‌کند.» وقتی برای خدا سخاوت می‌کنیم، دیگران نیز به سخاوت کردن ترغیب می‌شوند. در هدیه دادن برای کار خدا سخاوتمند باشید.

می‌شود: نیندیشید به ترس؛ فقط وارد عمل شوید. شروع کار اغلب سخت‌ترین و ترس‌آورترین قسمت هر کاری است.

۱:۲۹ سلیمان در سال ۹۷۰ ق.م. به پادشاهی رسید.

۱:۲۹ این احتمال وجود دارد که ذهن خود را به بهای بی‌توجهی به کلیسای واقعی، یعنی قوم خدا، مشغول ساختمان کلیسا کنیم. اما بی‌توجهی به ساختمان کلیسا نیز غلط است. داود نیز وقتی می‌گوید که معبد «یک ساختمان معمولی نیست، بلکه خانه خداوند است» بر این نکته صحه می‌گذارد. اگر چه ما باید از اسراف بیهوده اجتناب کنیم، اما باید به خاطر داشته باشیم که هر ساختمان کلیسا شاهد عینی برای خدا است. ساختمان کلیسای شما چه چیزی درباره خدا به دنیا می‌گوید؟

۵:۳:۲۹ داود همه ثروتش را در اختیار کار معبد قرار داد. او دیگران را تشویق کرد که از او الگو بگیرند،

کردند.^۸ کسانی هم که سنگهای قیمتی داشتند آنها را به خزانه خانه خداوند آورده، به یحیی ئیل (پسر جرشون) تحویل دادند.^۹ تمام بنی اسرائیل از اینکه چنین فرصتی برای ایشان پیش آمده بود تا با اشتیاق هدایایی تقدیم کنند، خوشحال بودند. داود پادشاه نیز از این بابت بسیار شاد شد.

۸:۲۹
توا ۸:۲۳
۹:۲۹
پاد ۶۱:۸
قرن ۷:۹

داود خدا را حمد می گوید

«داود در حضور آن گروه خداوند را ستایش کرده، گفت: «ای خداوند، خدای جد ما یعقوب، نام تو از ازل تا به ابد مورد ستایش باشد! اعظمت و قدرت، جلال و شکوه و بزرگی براننده توست. ای خداوند، هر چه در آسمان و زمین است مال توست. سلطنت از آن توست. تو بالاتر و برتر از همه هستی. ثروت و افتخار از تو می آید؛ تو بر همه چیز حاکم هستی. قدرت و توانایی در دست تو است؛ این تو هستی که به انسان قدرت و بزرگی می بخشی.^{۱۳} ای خدای ما، از تو سپاسگزاریم و نام با شکوه تو را ستایش می کنیم.

۱۱:۲۹
مکا ۱۳:۵

«اولی من و قوم من چه هستیم که چنین افتخاری نصیب ما ساخته‌ای که به تو چیزی بدهیم؟ هر چه داریم از تو داریم، و از مال تو به تو داده‌ایم.^{۱۵} ما در این دنیا مانند اجداد خود غریب و مهمانیم. عمر ما روی زمین مثل سایه، زودگذر است و دوامی ندارد.^{۱۶} ای خداوند، خدای ما، تمام این چیزهایی که به تو تقدیم کرده‌ایم تا خانه‌ای برای نام قدوس تو ساخته شود، از تو به ما رسیده و همه مال توست.^{۱۷} خدای من، می دانم که تو از قلب انسانها آگاهی و کسی را که به راستی عمل می کند، دوست داری. من تمام این کارها را از صمیم قلب انجام داده‌ام و شاهدم که قوم تو با شادی و اشتیاق هدایای خود را تقدیم کرده‌اند.^{۱۸} ای خداوند، ای خدای اجداد ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب، این اشتیاق را همیشه در دل قوم خود نگه دار و نگذار علاقه خود را نسبت به تو از دست بدهند.^{۱۹} اشتیاقی در دل پسر من سلیمان بوجود آور تا از جان و

۱۲:۲۹
توا ۱:۱۲، ۲:۲۰

۱۵:۲۹
لاو ۲۳:۲۵
ایو ۱۰:۱۴

۱۷:۲۹
توا ۹:۲۸

۱۸:۲۹
پاد ۳۶:۱۸
۱۹:۲۹
توا ۹:۲۸
مز ۱:۷۲

ما در حضور خدا مانند غباری است که محو می شود، پس اعتماد ما بر چه چیزی باید باشد؟ تمرین کنید که از دید ابدیت به زندگی خود بنگرید و اولویتهای خود را مطابق آن تنظیم کنید. آیا خدا در زندگی شما در اولویت قرار دارد؟

۱۹:۲۹ کسی که دلی نیک دارد، مشتاقانه از خدا اطاعت می کند. این چیزی بود که داود برای سلیمان آرزو کرد: داشتن دلی مشتاق برای خدمت به خدا بیش از هر چیز دیگر اهمیت دارد. آیا برای شما سخت است که کاری را انجام دهید که خدا می خواهد؟ یا شاید حتی میل به انجام آن سخت تر است؟ خدا می تواند دلی مشتاق به شما

۱۲و۱۱:۲۹ داود بر بزرگی خدا اذعان داشت. دنیای همیشه در تغییر ما را خدای بدون تغییر و ثابت اداره می کند. در دنیایی که زندگی به سرعت باد می گذرد، اشیاء از بین می روند، دارایی انسان فنا می پذیرد، و دوستان عوض می شوند؛ تنها چیزی که واقعاً می تواند روی آن حساب کرد، کنترل خدا است. محبت او نسبت به ما و هدفی که او برای ما دارد، هرگز تغییر نمی کند. تنها زمانی می توانیم صلح و امنیت واقعی داشته باشیم که به این امر واقف گردیم.

۱۵:۲۹ خدا طبیعت جاودانی خود را با عمر زود گذر افراد قوّمش مقایسه می کند. هیچ چیز پایدار نیست مگر اینکه ریشه در شخصیت خدا داشته باشد. اگر عظیم ترین اعمال

دل تمام اوامر تو را نگاه دارد و بنای خانهٔ تو را که برایش تدارک دیده‌ام به اتمام برساند.»

۲۰:۲۹
یوش ۳۳:۲۲

۲۰ سپس داود به تمام بنی اسرائیل گفت: «خداوند، خدای خود را ستایش کنید.» و تمام جماعت در حضور خداوند، خدای اجداد خود و پادشاه زانو زدند و خداوند را ستایش کردند.

۲۱:۲۹
۱ پاد ۶۳ و ۶۲:۸

۲۱ روز بعد بنی اسرائیل هزار گاو، هزار قوچ و هزار بره برای قربانی سوختنی و نیز هدایای نوشیدنی به خداوند تقدیم کردند. علاوه بر اینها، قربانی‌های دیگری نیز به خداوند تقدیم نموده، گوشت آنها را بین تمام قوم تقسیم کردند. ۲۲ آنها جشن گرفتند و با شادی فراوان در حضور خداوند خوردند و نوشیدند.

۲۲:۲۹
۱ پاد ۳۳:۱
اتوا ۱:۲۹

بنی اسرائیل بار دیگر پادشاهی سلیمان، پسر داود را تأیید کردند و او را بعنوان پادشاه و صادوق را بعنوان کاهن تدهین نمودند. ۲۳ به این ترتیب سلیمان بجای پدرش داود بر تخت نشست تا بر قوم خداوند سلطنت کند. ۲۴ مقامات و فرماندهان سپاه و نیز تمام پسران پادشاه پشتیبانی خود را از سلیمان پادشاه اعلام داشتند.

۲۵:۲۹
۱ پاد ۱۳:۳
اتوا ۱:۱۲

۲۵ خداوند، سلیمان را در نظر تمام قوم اسرائیل بسیار بزرگ ساخت و به او جلالی شاهانه بخشید، بطوری که به هیچ پادشاه اسرائیل قبل از او داده نشده بود.

داود در سن پیری وفات می‌یابد

۲۶:۲۹
اسمو ۵:۴

۱ پاد ۱۱:۲
اتوا ۱۴:۱۸

۲۶ و ۲۷ داود پسر یسی مدت چهل سال پادشاه اسرائیل بود. از این چهل سال، هفت سال در حبرون سلطنت کرد و سی و سه سال در اورشلیم. ۲۸ او در کمال پیری، زمانی که در اوج ثروت و افتخار بود، از دنیا رفت و سلیمان بجای او

۲۸:۲۹
اتوا ۱:۲۳
اعما ۳۶:۱۳

ثروت داود اندوخت. به‌خاطر نگرش او نسبت به هدیه دادن برای کار خداوند، خدا از برخی جنبه‌ها سلیمان را برکت داد. اگر کسی به اراده و کار خدا بیش از هر کار دیگری بها دهد، پاداش خواهد یافت.

۲۵:۲۹ سلیمان در ثروت و جلال از پدرش پیشی گرفت. میراث داود نتیجه رابطه حیاتی‌اش با خداوند بود، و او ارزشهای روحانی‌اش را به سلیمان منتقل کرد. ثروت و مقامی که ما از خود برای فرزندانمان به‌جا می‌گذاریم، به هیچ وجه به اندازه میراث روحانی که می‌توانیم به آنها منتقل کنیم، مهم نیست. فرزندان شما چه نوع میراثی دریافت خواهند داشت؟

بدهد که اراده‌اش را انجام دهد. اگر به عیسی مسیح ایمان دارید، این در شما اتفاق افتاده است. پولس نوشت: «زیرا خدا خودش در وجود شما کار می‌کند تا بتوانید با میل و رغبت او را اطاعت نمایید و اعمالی را به‌جا آورید که مورد پسند او است» (فیلیپان ۲:۱۳).

۲۵:۲۹ در ۲۹:۳-۵ می‌خوانیم که داود ثروتش را در اختیار کار بنای معبد قرار داد. سلیمان می‌توانست احساسات ضد و نقیضی نسبت به میراث خود داشته باشد، میراثی که داود آن را در اختیار طرح ساختمان معبد قرار داده بود. اما ظاهراً هدیه پدرش در نظرش پسندیده آمد. ما در این آیه می‌بینیم که سلیمان حتی ثروتی بیش از

پادشاه شد.^{۲۹} شرح تمام رویدادهای دوران سلطنت داود در کتب سه نبی، یعنی سموئیل، ناتان و جاد نوشته شده است.^{۳۰} این نوشته‌ها شرح سلطنت و قدرت او و پیش آمدهایی است که برای او و اسرائیل و سایر اقوام همسایه رخ داد.

۲۹:۲۹
اسمو ۹:۹؛ ۲۲:۵
اسمو ۲:۷

اشتیاق ساختن معبد در او به وجود آید. زندگی داود اهمیت حفظ رابطه نزدیک با خدا را به ما نشان می‌دهد که این امر با مطالعه کلام او و اطاعت از آن و داشتن مشارکت روزانه با او میسر می‌شود. از طرف دیگر، کتاب دوم تواریخ، نشان می‌دهد که اگر رابطه نزدیک خود را با خدا از دست بدهیم، زندگی ما چقدر سریع می‌تواند سیر قهقرایی ببیماید (چه از نظر روحانی، چه روانی، و چه اجتماعی).

۳۰:۲۹ کتاب اول تواریخ به روشنی اهمیت حفظ رابطه با خدا را به تصویر می‌کشد. نسب‌نامه‌های موجود در فصل‌های ۹-۱ بر نیاز به داشتن میراث روحانی، چه در گذشته و چه در آینده، تأکید می‌کند. قسمت دوم کتاب به شرح زندگی داود می‌پردازد. مردان یا زنان معدودی را در کتاب مقدس می‌یابیم که مانند داود به خدا نزدیک بوده باشند. تماس روزانه او با خدا موجب شد که او حرمت زیادی برای پرستش قائل شود و